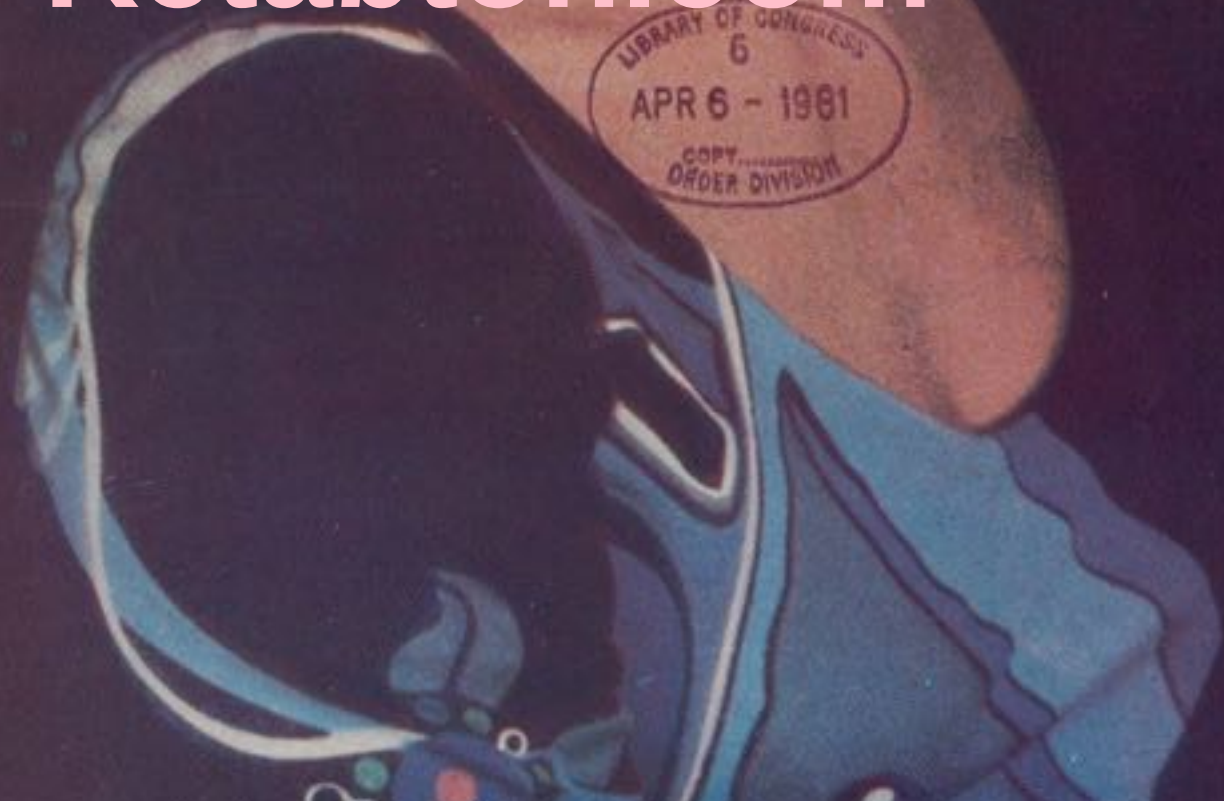


Ketabton.com



منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دمو کرا تیک افغانستان نیز شرکت داشتند ضمن مراسم با شکو هی صبح روز ۱۶ حوت در تالار سلاخانه مقر شورای انقلابی گشایش یافت.

...

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دمو کراتیک افغانستان روز ۸ حوت در قصر کرملین با لیونید بر یژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونسست و صدر هیات رئیسش شورای عالی اتحاد شوروی مذاکره کردند.

...

د افغانستان د خلک دمو کراتیک گوند د مرکزی کمیته عمومی منشی، د انقلابی شورا رئیس او صدراعظم ببرک کارمل د حوت ۱۹ له غرمی مخکی د افغانستان د صنفی اتحادیو په لومړی کنگره کی میلمانه هیاتونه د انقلابی شوراد مقر گلخانې په ماڼی کی ومنل.

...

هشتم مارچ مصادف با روز بین-المللی همبستگی زنان زحمتکشان جهان بوده و از این روز تاریخی باشکو همندی خاصی تجلیل بعمل آمد.

به استقبال از این روز جهانی روز ۹ حوت محافل و میتنگ های شاننداری از طرف شورا های ناحیوی ساز مان دمو کرا تیک زنستان افغانستان بعضی از نواحی حزبی شهر کابل دایر گردیده و طوسی سخنرانی هایی که بعمل آمد، از نقش زنان زحمتکش، مبتکر و با استعداد در راه ساختمان جوامع مرفه و مترقی با نیکویی یاد آوری گردید.

شورای وزیران، وزارت خانه ها، دواير و مسوولين مربوطه را به مسوولیت های سنگین شان جهت تحقق پلان و استفاده معقول از منابع کشور به منظور بهبود سطح رفاه مردم ملتفت ساخته توجه شانرا به اصول اساسی تطبیق پلان رشد اجتماعی، اقتصادی کشور و بودجه انکشافی و بودجه عادی دولت، و صرفه جو یی جلب کردند.

...

بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان تحت ریاست ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دمو کرا تیک افغانستان ساعت چاربعده از ظهر روز ۱۸ حوت تشکیل جلسه داد. در آغاز جلسه ببرک کارمل گزارش مفصلی در باره اشتراک هیات حزبی افغانستان در بیست و ششمین کنگره حزب کمونسست اتحاد شوروی و همچنان اهمیت و نتایج این کنگره ارایه نمودند که



ببرک کارمل دکابل په بین المللی هوایی دگرکی داسلامی شتونودریاست له غرو اسره دروغبر په وخت کی

مورد تایید عام و تام بیرونی سیاسی قرار گرفت.

...

نخستین کنگره اتحادیه های صنفی جمهوری دمو کرا تیک افغانستان با قرائت چند آیت از کلام الله مجید درحالیکه ببرک کارمل

رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دمو کرا تیک افغانستان جلسه نمود.

هنگام تصویب پلان رشد اجتماعی اقتصادی، کشور و بودجه انکشافی و عادی دولت در جلسه شورای وزیران، ببرک کارمل، اعضای

اقتصاد و قایم مهم

شورای وزیران روز ۲۰ حوت تحت ریاست ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان



بېرك كارمل منشي عومي كميته مركزي حزب دمو كراتيك خلق افغانستان رئيس شوراي انقلاب يو صدراعظم جمهوري دمو كرا تيك افغانستان هنگام ايراد بيانیه شان در مراسم افتتاح اولین كنگره اتحاديه های صنفی افغانستان .

د افغانستان د خلك د دموكراتيك

گونډ د مركزي كميته عومي منشي
د افغانستان د دمو كرا تيك
جمهوريت د انقلابي شورا رئيس
او صدراعظم بېرك كارمل چي د
شوروي اتحاد د كمونست گوند د
مركزي كميته په بلنه د شوروي
اتحاد د كمونست گوند په شپږ
ويشتمه كنگره كي د برخي اخيستو
لپاره مسكو ته تللي وو د حوت په
پنځلسمه نيټه وطن ته راغي .



د افغانستان د خلك دمو كرا تيك گوند د مركزي كميته عومي منشي، د انقلابي شورا رئيس او صدراعظم
بېرك كارمل كله چي دملي گارد تشریفاتې قطعې معاینه كوي.

د افغانستان د خلك د دموكراتيك

تيك گوند د مركزي كميته عومي
منشي د افغانستان د دموكراتيك
جمهوريت د انقلابي شورا رئيس
او صدراعظم بېرك كارمل د حوت
په ۱۱ د شوروي اتحاد د كمونست
گونډ د مركزي كميته مربوط د
ټولنيزو علومو د اكاډمي لــه
محصلينو ، استادانو او پروفیسرانو
سره د خبرو په وخت كي وويل :
هيڅ قدرت نه شي كولي د شوروي
اتحاد او افغانستان د خلكو ترمنځ
په تاريخي دوستي او ورور گلوي
په پيو ستون كي درز واچوي .



بېرك كارمل هغه وخت چي دهرکلي کونکو تودو او له شوره ډکواحسا ساتو ته خواب وايي

رهایی کامل زنان از قید ظلم و ستم، خرافات و بقایای مناسبات فیودالی،
مقابل فیودالی و طرد هر آنچه که به اسارت، تحقیر و توهین زن می انجامد و تامین
شرایط هر چه مساعدتر برای رشد همه جانبه شخصیت زنان افغانستان که
نیمی از جمعیت و قوای بشری بالقوه ما را تشکیل میدهند یکی از آرمانهای
بزرگ انقلاب ملی، دموکراتیک و سوسیالیستی در کشور
ما است.

بیرک کارمل

شنبه ۲۳ حوت ۱۳۵۹، ۱۴ جنوری ۱۹۸۱

درین شماره

تدویر نخستین کنگره اتحادیه
های صنفی زحمتکشان افغانستان
رویداد مهمی است در تاریخ نهضت
سندیکایی کشور ما

...

معرفی یک کتاب

...

بوی نفت و سود سرشار از تجارت
نفت، امریکا را دیوانه ساخته نه

امنیت ملی اش

...

ارزشهای رمایه های دوستی افغان
و شوروی

...

هغو شاهان چی دکوه نور الماس
بخغه قر بانی شول

...

کلا راز تکین بنیانگذار روز
جهانی زن

...

پلان های وسیع برای تداوی
امراض قلبی

...

ضرورت نشر آثار نوایی

...

دمینی مرغلره

...

شرح روی جلد:

ژانه پر و خوار نیکو در صفحه ۴۰

...

شرح صفحه سوم پستی:

محبت مادر

هشتم مارچ یا روز همبستگی بین المللی زنان جهان

هشتم مارچ روز همبستگی بین المللی زنان جهان بوده و همه ساله از این روز تاریخی بمناسبت یاد و بود بر افراشتن در فشن مبارزه زنان بخاطر تامین حقوق و آزادی و مساوات صلح و عدالت اجتماعی از طرف نیروهای صلح پسند و طرفداران عدالت اجتماعی در سراسر جهان تجلیل بعمل می آید.

زنان که نیمی از پیکر جامعه انسانی را تشکیل داده و در حالیکه چرخهای تکاملی جوامع بشری را بحرکت آورد و بهتریین دانشمندان، نویسندگان، قهرمانان تاریخ را پرورش داده و تحویل جامعه بشری نموده اند و در ایجاد فرهنگ و تمدن و تغییرات و تحولات اجتماعی سهم برانده داشته اند مگر خود در اثر عوامل غیر عادلانه اجتماعی و اقتصادی و سیاسی طی قرون و اعصار در دورهای مختلف تاریخ تحت ظلم و ستم دوگانه طبقاتی و جنسی قرار داشته و از تمام حقوق و آزادی های دموکراتیک و انسانی خود محروم بوده اند در اکثر جوامع امروز نیز به نظر تحقیر به زن نگریسته می شود و مورد ستم و استثمار بی رحمانه قرار می گیرند.

انسانی به طبقات متخاصم و ظهور مالکیت خصوصی و استثمار سلب حقوق و اسارت زنان رابه همراه داشته است. در دوره ما در سالاری که زن در امور تولید سهم داشت و سالار جامعه و خانواده نیز بود مگر در اثر رشد وسایل تولید و تقسیم کار اجتماعی بتدریج از امور تولید به حصار خانه کشا نیده شده و فقط متکفل تنظیم امور منزل و تربیه اطفال خانواده گردید که در نتیجه استقلال اقتصادی خود را از دست داده و بار دوش مرد می شود که این امر سبب امتیازات بیشتر مرد و محدودیت حقوق و آزادی زن می گردد در دورهای بعدی یعنی نظام های فیودالی که زن در امور اقتصادی و اجتماعی سهمی نداشته بحیث موجود عاقل در چار دیواری خانه محصور مانده و با گذشت زمان استعداد های جسمی دماغی او سرکوب و راکد گردید و در فرهنگ خرافی فیودالی بحیث موجود عاقل و ضعیف و با صفات «ضعیفه» «عاجزه» (سیاه سر) و غیره انعکاس می یابد. که البته این حالت تا کنون در اکثر جوامع طبقاتی امروز وجود دارد.

رشد نیروهای مولده و تکامل جوامع بشری که بشر را در سطح عالی تر از حیات اجتماعی و اقتصادی قرار داده و انقلابات صنعتی را در قبایل دایر زمینه سهمگیری زنان در امور تولید مساعد گردید و به موازات آن شعور و آگاهی زنان بیدار و نهضت

جانبش آزادی خواهی زنان جهان در همین نقطه توقف نمی کند چه بسا زنان مبارز و قهرمانی که در فشن مبارزه را بخاطر آزادی برابری - صلح و عدالت اجتماعی بر دوش کشیدند. کلا راز - تکین زن رزمنده آلمانی در دو مین کنفرانس زنان سو سیالیست جهان منعقد که پنجاه و یک پیشنهاد کرد تا روز هشتم مارچ بخاطر یاد بود از زنان قربان شده راه مبارزه برای آزادی - برابری صلح و ترقی همه ساله تجلیل گردد که توسط زنان مترقی جهان پذیرفته شد. و برای اولین بار در سال ۱۹۱۰ این روز توسط زنان امریکایی و آلمانی تجلیل گردید.

از آن زمان به بعد مبارزات زنان در جهت کسب حقوق و آزادی های دموکراتیک شدت یافت و بقیه در صفحه ۵۳

یک نگاه گذرا به تاریخ تکامل جوامع بشری این حقیقت را روشن می سازد که سلب آزادی و محرومیت زنان از حقوق و امتیازات اجتماعی و اقتصادی ریشه بس عمیق و تاریخی دارد به این معنی که تقسیم جوامع

تجربہ

یکپارچگی ماضی و حال

پیروزی ماست !

روز شانزدهم حوت اولین کنفرانس سر تا سری اتحادیه های صنفی جمهوری دموکراتیک افغانستان توام با مراسم شکوهمندی در کابل گشایش یافت. در این کنفرانس علاوه از هیات رهبری حزب و دولت اضافه از پنجصد نماینده اتحادیه های صنفی از تمام کشور، به تعداد بیش از بیست هیات نمایندگی ممالک مختلف و دو سازمان کارگری بین المللی شرکت ورزیده بودند. بیانیه پر شور، پر محتوی و انقلابی ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان گشایشگر این کنفرانس پر شکوه بود ایشان در مقدمه بیانیه شان چنین فرمودند: ((تدویر این کنفرانس یکی از حوادث بسیار مهم سیاسی و اجتماعی در زندگی پر مضمون کنونی کشور ما محسوب می شود، حزب ما از بدو تاسیس خویش پیوسته در راه حصول حقوق و آزادیهای دموکراتیک برای مردم ماکه شامل حق ایجاد اتحادیه های صنفی، سازمان توده ای طبقه کارگر و تمام زحمتکشان نیز می گردد تلاش ورزیده است.))

اکنون پس از پیروزی انقلاب شکوهمند شور و بخصوص پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب ضدامپریالیستی ضد فئودالی و ضد کمپرا دوری مردم ما، مرحله جدیدی از تحریک و پویایی طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان کشور آغاز گردیده است. از همین رو درین مرحله حساس و تاریخی توطئه های دشمنان خارجی و داخلی یعنی از تجاع سیاه و شکست خورده

مفتن داخلی و امپریالیست های امریکایی، شوینست های چپنایی نظامیگران پاکستانی، از کارگران و دیگر زحمتکشان افغانستان طلب می کنند که هرچه سریع تر شکل صنفی و سیاسی خویش را بسط و توسعه و تکامل بخشند و نیروی شکل یافته شانرا وثیقه حفظ انقلاب قرار دهند و ایفای نقش عظیم تاریخی خود را در پاسداری از استقلال و آزادی بدست آمده و تحکیم ریشه ها و پایه های آن بکار برند. انجام چنین وظایف سترگ تاریخی، از طبقات زحمتکش افغانستان طلب می کند که در مرحله کنونی هرچه سریع تر و آگاه تر در سازمان های صنفی (اتحادیه ها) شکل یابند، اتحادیه های خود را از راه متشکل ساختن میلیون ها زحمتکش شاغل در کارخانه ها، کارگاهها، مزارع و دیگر محلات کار ایجاد نمایند. در اثر مساعی و مساعد ساختن شرایط مناسب از طرف حزب و دولت امروز ۱۶۰ هزار نفر در صفوف اتحادیه های صنفی جمهوری دموکراتیک افغانستان متشکل گردیده اند و تحت رهبری سیاسی حزب قهرمانان شان ((حزب دموکراتیک خلق افغانستان)) از دست آورد های انقلاب نور و مرحله نوین و پیروزمند آن دفاع می نمایند و در نتیجه در ساختمان جامعه نوین فارغ از استثمار انسان از انسان سهم فعالانه خویش را ایفا می نمایند. این موضوع قابل مباحثات است که نه تنها در ادارات مربوط دولت و موسسات مربوط این اتحادیه ها به شکل فعال وجود دارد بلکه در موسسات خصوصی و درمیان پیشه وران و صنعت گران نیز ایجاد گردیده است. لذا می توان گفت

که انقلاب نور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن امکانات وسیع و همه جانبه و مساعدی را که هرگز در گذشته وجود نداشته است برای جنبش و تشکل صنفی و سیاسی کارگران و همه زحمتکشان به وجود آورده است.

از آنچه بدان اشاره شد دیده می شود که در مرحله کنونی تاریخ کشور ما امکان بسط و گسترش جنبش اتحادیه ای زحمتکشان در افغانستان برهمنای عینی مستحکم استوار است و به همین جهت نتایجی که از تشکل صنفی و سیاسی کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان به دست آمده و میاید به مراتب چشمگیر تر و قابل توجه تر از قبل خواهد بود. اما صحبت از امکان بسط و گسترش جنبش سند یکایی در مرحله کنونی انقلاب و این امر که تشکل ملیونی زحمتکشان در اتحادیه ها ضرورتی بر خاسته از خواست های اساسی، رفاهی و اجتماعی طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان افغانستان است، به آن معنی نیست که جنبش گسترش به خودی خود ضرورت خواهد گرفت. به هیچ وجه! بسط و گسترش جنبش اتحادیه ای با وجود آنکه همه امکانات و شرایط بصورت عینی برای آن وجود داشته باشد در آخرین تحلیل فقط و فقط می تواند بر اثر فعالیت آگاهانه خود طبقه کارگر و سایر زحمتکشان حزب یعنی پیش آهنگ سیاسی آن، از قوه به فعل در آید. از همین جاست که نقش ساز ماندنی آگاهانه جنبش اتحادیه ای و کوپرا تیوی بیش از پیش کسب اهمیت می کند و انجام وظایف مهمی را که فوق العاده قابل توجه است درین زمینه در برابر سازمان های اصیل متشکل کننده و حزب سیاسی طبقه کارگر و تمام زحمتکشان در کشور ما قرار می دهد. باید اطمینان داشت که حزب و دولت انقلابی ما از عهده این کار سترگ به پایداری طبقه کارگر و تمام

زحمتکشان افغانستان بر خواهد آمد.

اتحادیه های صنفی افغانستان به مثابه سازمان مدافع منافع طبقات زحمتکش جامعه باید به شکل مستقیم و فعال در جهت رشد و تکامل جامعه مسا و در راه رشد اقتصادی افغانستان عزیز فعالانه شرکت ورزد. البته هدف عمده زحمتکشان ماکه در اتحادیه های صنفی شان متشکل شده اندو می شوند دفاع از منافع والای زحمتکشان در عرصه های مختلف کار و زندگی میباشد.

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان در بخش از بیانیه پر شور و انقلابی شان در مراسم گشایش نخستین کنفرانس سر تا سری اتحادیه های صنفی جمهوری دموکراتیک افغانستان فرمودند: «... اتحادیه های صنفی به مثابه توده ای ترین سازمان اجتماعی باید تمام آنچه را که در میراث غنی فرهنگی مردمان کشور ما خوب و با ارزش است حفظ و تکامل دهند و بخاطر ایجاد شرایط بهتر برای کار خلاق تمام گروه های روشنفکر، متمدنی و مردمی تلاش ورزند.))

آری خلق بلا کشیده افغانستان در نتیجه انقلاب شکوهمند نور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن همه بند های استبداد و بی عدالتی را یکی بعد دیگر از هم می گسلند و بسوی تکامل مادی و معنوی جامعه و وطن خود را به پیش می برند و هرگز توطئه ها و دسایس و سنگ اندازی های ارتجاع و امپریالیسم سند ایسن پروسه قانونمند و عینی شده نتوانسته و شده نمی تواند متشکل شدن و یکپارچه شدن خلق متمدن گویای این پیشرفت بسوی قتل خو شبختی و بهروزی است. پیروز باد زحمتکشان افغانستان

٦

ها را بچندین قسم انجام می‌دهیم .
الف - بهتر شدن شرایط کار و
ب - بهتر شدن حفاظت تخیکی :

مقصد از انجام این وظیفه این است که ما شرایط کار را روز به روز بهتر می‌سازیم و در قسمت بهبود شرایط کار پروگرام ملی ای را روی دست داریم کار بر اساس این پروگرام ملی باعث گردیده است تا سطح مریضی در میان کارگران پایین آید و کارگران کشور ما از نعمت صحت کامل برخوردار گردند در دوران پلان پنج ساله هفتم (۱۹۷۵ - ۱۹۸۰) در کشور ماسطح مریضی سی فیصد کمتر گردیده است و وقایه صحت کارگران باعث شده است تا سطح عاید ملی ارتقا یابد ، چنانچه در حال حاضر در عاید ملی کشور ما نسبت به گذشته سالانه (۶۰) در صد افزایش بعمل آمده است .

ب - تأمینات اجتماعی :

اکنون در شورای مرکزی اتحادیه های صنفی زحمتکشان بلغاریا فوندی (سر جمع پول) بوجود آمده است و همچنان هر تصدی (۳۰) در صد اوسط معاش خود را به شورای مرکزی غرض تقویه بنیه مالی آن می پر دازد . و این پول ها بدو مقصد به مصرف می رسند . دوی برسه حصه آن بخاطر پرداخت معاش تقاعد کارگران ، به مصرف می رسد و به کسانی پر داخه می شود که به تقاعد سوق داده می شوند .

(درکشور بلغاریا زن هادر سن ۵۵ سالگی و مرد ها در سن ۶۰ سالگی در صورتیکه قدرت کار را نداشته باشند به تقاعد سوق داده می شوند) و یک برسه حصه با قیمانده بخاطر تادیه کمک های اولیه به زحمتکشان در حالاتی چون مریضی ها ، زخم بر داشتن ها زیادی اطفال و عایله و دیگر ضروریات عاجل به مصرف می رسد .

ج - وظایف اجتماعی استراحت زحمتکشان :

در کشور بلغاریا سالانه دوملیون تن از زحمت کشان برای مدت بیست روز در سنا توریم های استراحت گاه ها و سنا توریم های طبی به استراحت می پر دازند و پر داخه تمام مصارف آنها را درطول این مدت اتحادیه های صنفی بدوش دارند .

د - حل موضوع معیشتی زحمتکشان در سنا مان هالی اجتماعی :

در کشور ما هر تصدی یک مقدار پول را برای انکشاف و بهبود وضع اجتماعی ، کلتوری و معیشتی زحمتکشان تخصیص می دهند و بر اساس فیصله جمعی برای بوجود آوردن و بنای کودکانستان ها ، طعام خانه ها ، منازل رهائشی بهتر شدن وضع ترا نسپورت و سایر موضوعات مربوط به بهتر شدن شرایط زنده گی زحمتکشان به مصرف رسانیده می شود .

۳ - وظیفه تر بیوی :

اتحادیه های صنفی زحمتکشان بلغاریا کار همه جانبه یی را جهت تربیه زحمت کشان با روحیه وطن پرستی ، درك انتر ناسیو نا لیزم



محترمه نفیسه «پیکار گر» عضو هیات رئیسه شورای مرکزی اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان

ها و مراکز کلتوری و فرهنگی کولکتیف های هنری (آواز خوانی اجراء کنسرت ها ، تهیه درام هاو غیره) فعالیت می نمایند ، همچنان وظایف تشکیلاتی و ارتباط بین المللی را انجام می دهند . اف کینیو بجواب سوال دیگریه آیا اتحادیه های صنفی زحمتکشان بلغاریا با چند اتحادیه سند یکایی جهان ارتباط دارد اظهار داشت : اتحادیه های صنفی بلغاریا با بیشتر از (۱۲۰) اتحادیه صنفی کشور های مختلف جهان ارتباط دارد .

معاون شورای مرکزی اتحادیه های صنفی زحمتکشان کشور بلغاریا راجع به جلسات نخستین کنگره مؤسس اتحادیه های صنفی زحمتکشان



مہتاب نماینده ولایت ننگرهار

افغانستان و برداشت وی از خلال این جلسات چنین ابراز نظر نمود: نظر ما در مورد کنگره مؤسس اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان بسیار عالی است زیرا این اولین باری است که در تاریخ کشور قهر مان و انقلابی افغان - نستان کنگره اتحادیه های صنفی دایر میگردد و در آن نماینده گان طبقات زحمتکش کشور اشتراک دارند و این کنگره شکوهمند برای همیش در تاریخ اتحادیه های سندیکایی کشور دوست افغانستان آزاد و انقلابی می در خشد .

این کنگره با عظمت از یک طرف آغاز گر جنبش سازمان داده شده اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغان نستان بشمار آمده از جانب دیگر اشتراک (۵۰۰) نفر از نماینده گان اقشار و طبقات عذاب دیده افغان نستان که یک رقم بزرگی

را نشان می دهد همراه با وحدت نظر ایشان در امر پشتیبانی از فیصله های کنگره و تصویب اساسنامه ، بیرق و نشان اتحادیه های صنفی زحمتکشان «ویسند همبستگی کامل زحمتکشان افغان نستان انقلابی بشمار می آید .

اشتراک نماینده اتحادیه های صنفی زحمتکشان بلغاریا در نخستین کنگره اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغان نستان قدم بزرگی است در امر دوستی میان کشور ما و افغان نستان نوین که زمینه مساعدت ها و همکاری های مزید را میان زحمتکشان هر دو کشور مساعد می سازد .

موصوف سخنان خود را چنین خاتمه بخشید :

در اخیر می خواهم اضافه نمایم که ما نماینده های اتحادیه های صنفی بلغاریا یقین کامل داریم که اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغان نستان تکیه گاه صدیق و نیرومند حزب دمو کرا تیک خلق افغان نستان در عملی نمودن آر مان های والای انقلاب شکوهمند نور خواهند بود .

همچنان ما عقیده داریم که اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغان نستان اعتمادی را که از حزب دمو کراتیک خلق افغان نستان حاصل نموده اند و این اعتماد در بیانیه ارزشمند و انقلابی ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کرا تیک خلق افغان نستان رئیس شورای انقلابی و صد راعظم جمهوری دمو کرا تیک افغان نستان انعکاس یافته است حفظ خواهند نمود و در راه تحقق آرمان های والای انقلاب دوران ساز نور از هیچگونه سعی و عمل انقلابی دریغ نخواهند ورزید .

...

کو نته میو لر عضو شو رای مرکزی و رئیس شورای ولایتی (گیر) جمهو ریت دمو کرا تیک آلمان که در حال حاضر یکتن از اشتراک کننده گان کنگره مؤسس اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغان نستان نیز می باشد نظر خود را راجع به کنگره مؤسس اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغان نستان چنین بیان می دارد :

ما بسیار مسرور هستیم که مردم زحمت کش افغان نستان

لطفا ورق بزنید

توانستند در مدت کوتاهی که از سقوط دیکتا توری امین و ایجاد مرحله نوین انقلاب ملی و دموکراتیک نور در تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شخص ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان می گذرد مصونیت کامل را در کشور خود ایجاد نمایند و حقیقت این امر را میتوان از تدوین پروژ مندانۀ نخستین کنفرانس اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان دریافت نمود.

در این کنفرانس با عظمت وحدت نظر و اتفاق آراء میان نمایندگان صنوف مختلف زحمتکشان افغانستان مشاهده گردید و ما از خلال جلسات این کنفرانس بشکوه توانستیم به بسیاری از کارهایی که از طرف اتحادیه انجام یافته اند آگاهی یابیم.

ما در دوران اقامت خود در افغانستان با رفیق ستار (پردلی) رئیس هیات رئیسه شورای مرکزی اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان و همچنین رئیس شورای شهری و اعضای اتحادیه های صنفی فابریکه خانه سازی آشنا شدیم و باور کامل نمودیم که اعضای اتحادیه های سندیکایی افغانستان می توانند وظایف و دساتیر محوله را به زودی و به موفقیت هرچه تمامتر انجام دهند. کوتاه میولر راجع به روابط موجود میان اتحادیه های صنفی زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان با اتحادیه های سندیکایی دیگر کشور های جهان چنین اظهار داشت:

اتحادیه های صنفی کشور ما با تمام اتحادیه های صنفی زحمتکشان جهان ارتباط محکم و ناگسستنی دارد و اتحادیه های صنفی جهان نقش ارزنده ای را در امر برسمیت شناختن آلمان دموکراتیک بازی نموده اند و از همین جهت است که همبستگی اتحادیه های صنفی زحمتکشان جهان برای ما ارزش زیادی دارند و ما بر آن بسیار ارج می گذاریم. ما با اتحادیه های صنفی زحمتکشان کشور های سو سیالیستی ارتباط بسیار محکم و نیرومندی را دارا می

باشیم. همچنان ارتباطات بسیار خوبی میان اتحادیه های سندیکایی کشور ما و مائیک آسیا، آفریقا و امریکای لاتین وجود دارد و ما از مبارزات برحق و عادلانه خلقهای این سرزمین ها حمایت و پشتیبانی بعمل می آوریم. به همین قسم ارتباط عادی بین اتحادیه های سندیکایی آلمان دموکراتیک و کشور های کیتا لستی نیز موجود است. مثلاً با انگلستان، جاپان، ایتالیا و کشور های دیگر مانند آلمان فدرال ارتباطات عادی داریم.

نامبرده نقش اتحادیه های سندیکایی کشور ما را در امر سرکوب و امحای عناصر ضد



ظاهر معاشر نماینده ولایت سمنگان

انقلاب شکوهمند نور چنین بیان داشت:

هنگامیکه از فابریکه خانه سازی بازدید بعمل آوردیم و با کارگران دوران ساز افغانستان ملاقات نمودیم بسیار خورسند گردیدیم، زیرا مشاهده آن هایکی از آرزوهای دیرینه و قلبی ما بشمار می رفت. این موضوع یعنی خرابکاری های عناصر ضد انقلاب شکوهمند نور ما را بیاد آن روز کاری می اندازد که دشمنان آزادی خلقهای میهن ما نیز می خواستند چنین کاری را انجام دهند.

در سال (۱۹۵۳) ارتجاع و امپریالیزم سعی نمودند تا در کشور ما نیز عناصر ضد انقلاب را تربیه نمایند و از این طریق بتوانند بر ضد میهن و مردم ما اعمال سبوتاز کارانه ای را انجام دهند. ولی کارگران دوران ساز کشور ما برای دفاع از انقلاب خود گروه های مقاومت را تشکیل دادند و از القاب خود قاطعانه دفاع

نمودند. از این جهت است که دشمنان مردم ما امروز خسوف میدانند که اگر بخواهند علیه انقلاب ما کدام عمل خرابکارانه ای را انجام دهند به سرکوب بی امان از طرف همه کارگران جمهوری دموکراتیک آلمان مواجه میگردند و همه زحمتکشان کشور ما از میهن دوست داشتنی خویش پشتیبانی می نمایند.

از آن جایکه دفاع از دست آورد های انقلاب وظیفه دایمی اتحادیه های صنفی زحمتکشان بشمار می آید ما آرزو مندیم که کارگران و زحمتکشان دوران ساز افغانستان با تشکیل گروه های مقاومت در جوکات اتحادیه های صنفی بر دشمنان انقلاب موفقیت های زیادی کما یی نمایند. سیاستی که اکنون در کشور شما برای دفاع از انقلاب از طرف اتحادیه های صنفی زحمتکشان در پیش گرفته شده است، سیاست معقول و لازمی می باشد که مردم افغانستان را به پیروزی های مزیدی نایل خواهد



عزیز الله کارگر نماینده ولایت هرات

گفته میولر عضو شورای مرکزی و رئیس شورای ولایتی (گیر) و نماینده اتحادیه های سندیکایی جمهوری دموکراتیک آلمان در نخستین کنفرانس اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان پیام خود را عنوانی کارگران و زحمتکشان افغانستان چنین بیان داشت:

ما یقین داریم که زحمتکشان افغانستان اکنون راه مشخصی را در پیش دارند و آرزو مندیم زحمتکشان افغانستان با تشکیل انقلابی هرچه بیشتر در اتحادیه های سندیکایی پیروزی بتوانند

جا معه عادلانه فارغ از استثمار فرد از فرد را در کشور خود اعمار نمایند و در وظایف ستیجی خویش در این راه مقدس پیروزی های زیادی کسب نمایند.

در این قسمت مصاحبه خود با محترمه نفیسه (بیکارگر) عضو هیات رئیسه شورای مرکزی و رئیس کمیسیون دفاع از کار و تولید اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان به گفت و شنود آغاز می

کنم. بیکارگر نظرش را در بساطه نخستین کنفرانس اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان اینطور بیان می دارد:

اولین کنفرانس اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان که در شرایط حساس کنونی تاریخی کشور در ایستاده به یقین تمام یالات حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در جهت بهبود شرایط زندگی زحمتکشان به اثبات می

ساند. وی گفت: در این کنفرانس تاریخی مطالب نهایت اساسی و ارزشمند در حیات صنفی زحمتکشان افغانستان مورد بحث و مذاکره قرار گرفت که مهمترین آنها تصویب مسوده مصوبه اولین اساس نامه اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان می باشد که بر اساس آن همه زحمتکشان کشور ما هرچه فشرده تر بدور اتحادیه های صنفی خویش در تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان بسیج می شوند و مبارزات عادلانه خود را برای رفع هر نوع عقب ماندگی به جلو دنبال می نمایند.

رئیس کمیسیون دفاع از کار و تولید اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان در مورد اساس نامه اتحادیه های صنفی چنین ابراز نظر نمود:

در مواد اساس نامه امتیازات و حقوق اعضای اتحادیه به صراحت تذکر داده شده است که هادرینجا دو مثالی از آن را بیان می داریم: در اساس نامه گفته شده است زنانیکه عضو اتحادیه اند اگر بنا بر وضع حمل و یا ولادت خلایبی در جریان کار آن ها ایجاد گردد و به از رفع معذرت عایده دو باره به شغل سابقه خود مراجعه کنند حقوق و امتیازات آنها برابر با تمام بقیه در صفحه ۵۲



اعلاخان افصح زاد . روزگار و آثار عبد الرحمان جامی . زیر نظر محمد سیف الدین عاصمی عضو علی البدل اکادمی علوم اتحاد شوروی . نشریات ((دانش)) شهر دو شنبه ، ۱۹۸۰ ، ۲۲۴ صفحه . به خط تاجیکی .

...

رساله جدید در باره روزگار و آثار مولانا نورالدین عبد الرحمان بن نظام الدین احمد بن شمس الدین محمد جامی هروی که تازه به نشر رسیده است ، یکی از جدید ترین کتا بهای پژوهشی دانشمندان شرق شناس تا جیکستانی افصح زاد میباشد .

میراث ادبی مولانا عبد الرحمان جامی از ذخایر معنوی بشری است و عبارت است از آثار ارزنده در موضوعهای مختلف ادب ، فلسفه و حکمت ، تصوف و عرفان ، و کلام که به زبانهای دری و عربی نوشته شده است .

مطالعه روزگار و آثار این شاعر و نویسنده زیر دست ، در هنگام زندگی او اساس گذاشته شده بود . مولف رساله به تاکید بیان میکند که اگر تمام آثار مربوط به زندگی و ایجادیات مولانا عبد الرحمان جامی در یکجا جمع کرده شوند ، صدها جلد کتاب را تشکیل میدهند . در این باره در بخش (توضیحات) کتاب مذکور به ۵۳۰ مرجع و ماخذ مختلف اشاره شده است که دلیل سخن ما میباشد .

طبق معلومات منابع ادبی ، از اولین محققان زندگانی و ایجادیات مولانا عبد الرحمان جامی ، دولت‌شاه سمرقندی (در تذکرة الشعراء ، سال ۸۹۲ هجری قمری) ، امیر علی شیر نوایی (در مجالس النقایس و سد سکندری ، سالهای ۸۹۶ و ۹۰۴ هجری قمری) ، معین الدین اسفزاری (در روضة الجنة فی او صاف مدینه البهراة سال ۸۹۸ ه . ق .) ، حسینی گازی (در مجالس العشاق ، سال ۹۰۸ ه . ق) و جمال الدین بنایی (در بهروز و بهرام ، سال ۹۱۳ ه . ق .) میباشد . غیر از ادیبان ذکر شده ، از معاصران مولانا عبد الرحمان جامی ، سبیلی ، هاتفی ، کاشفی ، عبدالله مروارید ، مسعود ترکمن ، آصفی هلالی و دیگران نیز مطالبی راجع به زندگانی و افکار او در آثار خود گنجانیده و اعتقاد و صداقت خویش را نسبت به استاد جامی افشاده کرده اند .

موضوع بررسی روزگار و آثار و اندیشه های جامی پس از فوت او ، در دوره های مختلف ، توجه و دقت ادیبان ، شارحان و محققان را جلب کرده است که ما از بخشش ((توضیحات)) (صفحه ۲۰۴) رساله اطلاع یافتیم .

اعلاخان افصح زاد پیش از این کتابی که مادر دست داریم ، چندین رساله و مقاله تحقیقی و علمی را

در باره روزگار و آثار و افکار مولانا عبد الرحمان جامی تألیف کرده است که بعضی از آنها رابه خوانندگان محترم یادآوری میکنیم :

- ۱- عبد الرحمان جامی ، بهار-ستان (مقدمه و توضیح برخی از کلمه ها و اصطلاحات توسط اعلاخان افصح زاد) ، به خط تاجیکی ، شهر دو شنبه ، ۱۹۶۶ .

- ۲- اعلاخان افصح زاد ، داستان (لیلی و مجنون) عبد الرحمان جامی شهر دو شنبه : نشریات (دانش) ۱۹۷۰ (به خط تاجیکی) .
- ۳- عبد الرحمان جامی ، بهار-ستان ، با مقدمه و تصحیح اعلاخان افصح زاد ، شهر دو شنبه : نشریات (دانش) ، ۱۹۷۲ (به خط دری) .
- ۴- عبد الرحمان جامی ، لیلی و مجنون ، متن علمی و انتقادی و مقدمه از اعلاخان افصح زاد ، مسکو : اداره انتشارات دانش ، شعبه ادبیات خاور ، ۱۹۷۴ (به خط دری) .
- ۵- عبد الرحمان جامی ، دیوان اول : فاتحه الشیاب ، متن علمی و انتقادی با مقدمه و تصحیح اعلاخان افصح زاد ، مسکو : اداره انتشارات دانش ، شعبه ادبیات خاور ، ۱۹۷۷ (به خط دری) .

- ۶- عبد الرحمان جامی ، دیوان دوم : واسطه العقد ، و دیوان سوم : خاتمة الحیاة ، متن علمی و انتقادی با مقدمه و تصحیح اعلاخان افصح زاد ، مسکو : اداره انتشارات دانش ، شعبه ادبیات خاور ، ۱۹۸۰ (به خط دری) .

در اینجا از موقع استفاده کرده ، چند محقق جامی شناس عصر معاصر افغانستان را نیز نام می بریم . در ماه قوس ۱۳۴۳ در شهر های کابل و هرات ، پنج صد و پنجاه و هشت سال تولد نور الدین عبد الرحمان جامی هروی تجلیل گردید . در این محفل ، بسا دانشمندان و محققان اشتراک کردند و در نتیجه ، مجموعه مقالات مربوط به جامی به طبع رسید (کابل ۱۳۴۴) و رساییل و کتابهای ذیل انتشار یافت :

- ۱- تحقیق سلمان و ابسال جامی
- ۲- تصحیح و تحشیة طریقه خواجگان ، از فکری سلجوقی :
- ۱- تاریخ خیابان هرات ، از انتشارات انجمن جامی ، کابل ، ماه عقرب ۱۳۴۳ ،
- ۲- تصحیح و تحشیة مقامات شیخ الاسلام به قلم جامی از روی

نسخه عربی ، از محمد اسماعیل مبلغ : ۱- جامی و ابن عربی - ۲- تعلیق بر سلمان و ابسال - ۳- نقد فلسفه از نگاه جامی از مایل هروی

مقدمه و تصحیح و تعلیق شرح رباعیات جامی ، و از دکتور روان فرهادی افزون بر مقاله ((آغاز و انجام عشق و عشق بازی در لیلی و مجنون)) مندرج در مجموعه مقالات جامی منتشر در سال ۱۳۴۴ ، (فهرست آثار مولانا عبد الرحمان جامی هروی با ذکر نسخه های چاپ شده و نسخه های عمده خطی که به قلم خود جامی نوشته شده گنجینه آرشیف ملی افغانستان) در روز نامه انیس ما ههای حمل و نور ۱۳۵۷ چاپ شده .

از روی مقاله دکتور روان فرهادی منتشر در روز نامه انیس ، معلوم میگردد که محمد ابراهیم ستوده به تهیه فهرست علمی کتب چاپی از آثار جامی مشغول بوده و محمد انور نیز به تدوین فهرست کتب خطی جامی در کتا بخانه های افغانستان اشتغال داشته است .

مؤلف رساله (روزگار و آثار عبد الرحمان جامی) از زندگانی ، محیط ، تعداد آثار و قسما شرح آنها ، تاریخ تألیف آثار ، از زمینه های تاریخی و اجتماعی تحول افکار بزرگترین سخنور و متفکر قرن نهم افغانستان نورالدین عبد الرحمان جامی سخن میگوید .

مندرجه کتاب ، عبارت است از : (آغاز) ، باب یکم (روزگار جامی) (طفولیت ، تحصیل و جوانی جامی میانه سالی و پیری او ، جامی و تمدن نیمه دوم قرن نهم هجری قمری ، وفات جامی ، با بدوم (آثار جامی) (بحث در باره تعداد و مقدار و نام آثار جامی ، اثر های بدیعی او اثر های علمی وی) ، در آخر کتاب انجام توضیحات ، و روی خط اختصا رات ، گنجانیده شده . محرر مسوول رساله ، عبد النبي ستاروف است .

در آغاز کتاب در پانزده صفحه ، اساسا راجع به دانشمندان محقق روزگار و آثار و افکار جامی درممالک مختلف شرح داده شده . آشکار است که در سال ۱۹۶۴ در برخی از کشور های جهان پنج صد و پنجاه و هشت سال تولد مولانا عبد الرحمان جامی به صورت پر شکوه تجلیل یافته در صفحه ۵۳

«بوی نفت و سود سرشار از تجارت نفت، امریکارا

دیوانه ساخته، نه امنیت ملی اش»

در میان کشور های رشد یافته صنعتی جهان غرب ایالات متحده امریکا بزرگترین کشور تولید کننده و در عین حال بزرگترین کشور مصرف کننده نفت در جهان غرب است . در سال ۱۹۷۷ درین کشور ۴۵۰ میلیون تن نفت خام تولید شد . در همان سال نفت متبع عمده انرژی مصرفی ایالات متحده امریکا بوده و سهم آن در مجموع مصرف انرژی به ۴۹ فیصد می رسید . در حال حاضر سهم کشور مذکور در مجموع تجارت سوخت مایع جهان در حدود ۲۵ فیصد است و این موضوع ایالات متحده امریکا را به بزرگترین خریدار نفت خام و گاز مبدل کرده است . طبق محاسبه ای که انجام گرفته است، واردات سوخت امریکا طی سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۷ در حدود ۳۸ فیصد افزایش یافته است . علت این افزایش سریع مصرف در شرایطی که تقاضای آن بطور نسبی ثابت مانده آنست که طی این مدت تولید نفت خام امریکا ۵۰ میلیون تلسن و تولید گاز طبیعی آن ۷۵ میلیارد متر مکعب کاهش یافته است . در این مدت در ترکیب جغرافیایی صادر کنندگان سوخت مایع به ایالات متحده امریکانیز تغییر محسوسی بوجود

آمده به این ترتیب که سهم کانادا به یک سوم کاهش یافت و سهم کشورهای (اوپک) دو برابر شد . در سال ۱۹۷۷ سهم اوپک در واردات سوخت مایع امریکا ۸۰ فیصد بود ، هکذا پیش بینی شده که در آینده وابستگی امریکا به نفت و گاز وارداتی بیش از پیش تشدید می یابد . این روند در کشور های اروپای غربی (به استثنای انگلستان و ناروی) و همچنین جاپان که فاقد منابع نفتی هستند ، نیز ادامه خواهد یافت . بخش ناموزون منابع نفت و تولید آن در جهان همراه با رشد فزاینده تقاضای سوخت مایع در کشورهای رشد یافته صنعتی سرمایه داری ، نقش بازار خارجی نفت را بالا می برد و در نتیجه آن مواضع دول صادر کننده نفت (اعضای اوپک) را در تجارت خارجی تقویت می کند جدول زیرین تولید و صادرات نفت خام کشور های عضو اوپک را در سال ۱۹۷۷ نشان می دهد . ارقام زیرین به میلیون تن میباشد .

نام شرکت	تولید	صادرات
عربستان سعودی	۴۸۰	۴۴۰
ایران	۲۸۵	۲۴۰
عراق	۱۱۵	۱۰۵
لیبی	۱۰۵	۱۰۰
ناجریا	۱۰۰	۱۰۰
کویت	۱۰۰	۹۵
امارات متحده عربی	۱۰۰	۱۰۰
وینزویلا	۵۵	۵۵
الجزایر	۸۵	۲۰
اندونزی	۲۰	۲۰
قطر	۱۰	۱۰
سنگاپور	۱۰	۱۰
اکوادور	۱۰	۱۰

جدول بالا جگوتگی وضع کشور های اوپک را که یک محصول یعنی فقط نفت خام تولید می کنند نشان می دهد . در سال ۱۹۷۷ صد فیصد نفت کویت ، قطر ، مابین الجزایر و اکوادور، ۹۵ فیصد نفت نایجر یا اوامارات متحده عربی ۹۱ فیصد نفت ایران و عراق ، ۹۰ فیصد نفت عربستان سعودی و ونزویلا بشکل خام به بازار جهانی صادر شده است که نمایانگر عملکرد استعمار نو در کشورهای عضو اوپک میباشد . از آنچه گفته شد به این نتیجه می رسیم که در سال ۱۹۷۷ تقاضا برای نفت خام در کشور

های عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (او.ا.سی.دی) به ۳۹۶ میلیون بیرل در روز رسیده بود و از آن جمله در اروپای غربی به ۱۳۶ میلیون و در ایالات متحده به ۱۸۲ میلیون بیرل روزانه بالغ شد . در همان سال سهم اروپای غربی و امریکا در مجموع تولید نفت جهان سرمایه داری ۱۱۳۳ میلیون بیرل در روز و سهم کشور های عضو اوپک ۳۱۲ میلیون بیرل در روز بود . او سط آهنگ رشد تقاضا برای نفت و مشتقات آن در فاصله سالهای ۱۹۷۲-۱۹۷۷ در کشور های رشد یافته سرمایه داری ۸ فیصد بود . حال آنکه در کشور های رشد یافته این رقم به ۴۳ فیصد می رسید . بانک آهنگ رشد مصرف محصولات نفتی در کشور های در حال رشد سریع تر است . کشور های رشد یافته صنعتی سرمایه داری با صرف ۷۸۳ فیصد مجموع محصولات نفتی در جهان سوم، با سرعت بیشتری افزایش خواهد یافت .

مثلا طبق پیش بینی های که انجام گرفته در سال ۲۰۰۰ میلادی سهم کشور های جهان سوم به ۳۰ تا ۳۵ فیصد مجموع مصرف محصولات نفتی خواهد رسید و این امر تأثیری زیادی در بازار جهانی نفت خواهد داشت . در حال حاضر کشور های عضو اوپک حدود ۹۰ فیصد صادرات نفت خام را در دست دارند به موجب بر آورد کار شناسان در سال ۱۹۸۵ تقاضای روزانه برای نفت خام تولید شده در کشور های عضو اوپک بین ۴۲ میلیون بیرل الی ۵۴ میلیون بیرل روزانه (۲۱ میلیارد تن الی ۲۷ میلیارد تن در سال) خواهد رسید . واضح است که کشور های عضو اوپک با در دست داشتن چنین اهرم نیرومندی نه تنها می توانند در بازار جهانی نقش موثری داشته باشند ، بلکه در عین حال می توانند در شیوه

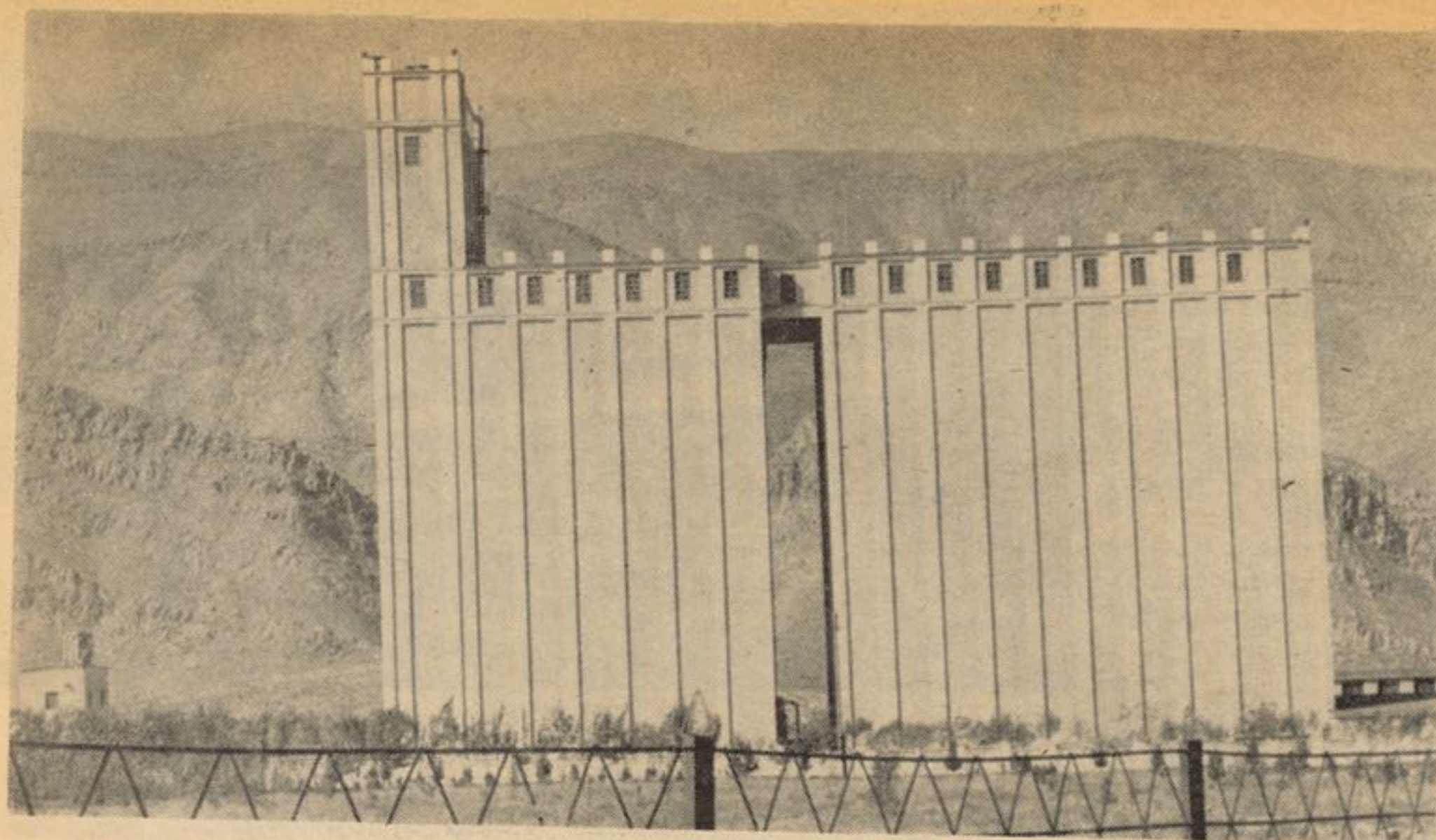
استفاده از این ماده گرانبها نیز تغییر بنیادی پدید آورند . بهر حال از هم اکنون می توان گفت که در آینده نزدیک تقاضا در بازار جهانی نفت خام بعلت کاهش نسبی خود کفایی کشور های رشد یافته صنعتی به سوخت مایع ، بیشتر از عرضه آن خواهد شد و لذا قیمت نفت خام نمیتواند در سطح کنونی آن باقی بماند ، البته عوامل دیگری نظیر تورم و افزایش قیمت تولیدات صنعتی نیز موجب افزایش قیمت نفت خام خواهد شد . و اما افزایش قیمت نفت به نوبه خود ، طرح های مربوط به بهره برداری از منابع انرژی بر مصرف را که تاکنون بعلت رقابت نفت ارزان قیمت، اقتصادی نبوده بتدریج مقرون به صرفه خواهد گرد . پایگاه عمده استعمار نو :

انحصار جهان سرمایه برای خفه کردن کسانی که به پیروی از سیاست آنها تن در نمی دهند، علاوه بر وسایل مالی، شیوه های سیاسی و حتی تروریستی نیز بکار می برند تاریخ معاصر همه کشور های نفت خیز آسیایی ، آفریقایی و امریکای لاتین که مشغول از جنایات بیشمار امپریالیزم نفت خوار است . صحت اینس نظر را بار ها به ثبوت رسانیده است . امپریالیزم نفت خوار با وجود ضرباتی که تاکنون بدان وارد شده ، هنوز هم یکی از بزرگترین دشمنان مردمان ممالک نفت خیز و عمده ترین پایگاه استعمار نو است .

عرصه تولید و توزیع انرژی یکی از عرصه هائیکه رونق انحصاری در آن عمیقاً ریشه دوانده است . کنسرن (انحصارات نفت) نیز نیرومندترین گروه های انحصارات جهان سرمایه داری را تشکیل می دهند و در میان آنها انحصارات چند ملیتی نقش عمده را به عهده دارند . این انحصار ها شاخه خاصی از

بقیه در صفحه ۴۴

نام کمپنی	سودخالص	سودخالص	سرمایه گذاری	سرمایه اصلی
اکسون	۶۴۰۴	۲۴۲۳	۳۵۹۸	۲۰۵۳۸
مگلف اویل	۲۱۸۸	۷۵۲	۲۰۶۸	۸۳۳۲
موپیل اویل	۲۷۵۹	۱۰۰۵	۱۲۸۵	۹۰۴۳
ستاندرداویل	۲۶۱۳	۱۰۱۶	۸۹۹	۶۱۹۹
تک کو اویل	۲۵۳۸	۹۳۱	۱۲۴۸	۹۸۹۷
برتش پترولیم	۱۸۲۴	۶۰۸	۱۴۴۲	۶۵۹۶
رویل دج شل	۶۵۹۴	۳۶۸۰	۴۴۴۴	۱۶۲۸۲



نمایی از عمارت سیلوی بلخمری که به کمک اتحاد جماهیر شوروی ساخته شده است.

يك نظر خوا می همه جانبه از اقشار مختلف مردم پیرامون :

ارزشها و مایه‌های دوستی افغان-شوروی



حلیمه احمدی

حلیمه احمدی که دختری است جوان و نیک اندیش و فارغ التحصیل از لیسه رابعه بلخی

شماره ۵۲

حلیمه احمدی در يك بخش دیگر از سخنان خود و در جواب به يك پرسش دیگر این‌طور می گوید که :

« اساساً سو سیلیم در مجموع و کشور کبیر شوروا ها به عنوان نخستین به پیروزی رساننده ی انقلاب کارگری در جهان سیاست انترناسیونا لیستی کارگری را که در آن ارزش های صلح خواهی و حمایت از صلح عادلانه در هر گوشه جهان است و هم چنین حمایت از کشور های ضعیف در برابر امپریالیسم جهانیست در صدر اهداف سیاسی خود پذیرفته است و به همین دلیل هم است که این کشور بعد از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر با همه نهفت های آزادی خواهی ضد امپریالیستی در سطح جهانی هم‌نوازی داشته است و باز هم دارد »

در مورد کمک های شوروی به افغانستان و ارزش دوستی دیربای میان دو کشور به صورت بسیار فشرده باید گفت که با الخصوص در شرایط بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند شوروی بازم در بعد از پیروزی مرحله نوین تکاملی آن این دوستی بی شایبه و با ارزش ما را یاری لطفاً ورق بزنید

صفحه ۱۱

انقلاب شکوهمند شوروی بلکه از همان آغاز پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر و به زمر رسیدن انقلاب کارگری در عرصه سیاست جهانی به عنوان بزرگترین حامی نهفت های ترقی مردم سر زمین های مختلف به شناخت آمده و با پیروی از همین سیاست انساندوستانه از پیروزی نهفت آزادی خواهی مردم قهرمان افغانستان در زمان غازی امان الله خان و استرداد آزادی کشور و نجات خلق کشور از یوغ استعمار و استعمار پرستانای کبیر یار و یاور مابوده است »

کشور همسایه بزرگ شمالی ما در بیش از شصت سالی که از عقد معاهده دوستی دو کشور می گذرد تاکنون در امر سازندگی جامعه و شکوفایی آن با گسترده ساختن ساحه همکاری در مسایل اقتصادی فرهنگی ، اجتماعی ، نظامی ، تکنیکی و تعلیمی نقش فعال ، مثبت و ارزنده داشته است .

چهارمین کسی است که با او به گفت و شنود می پردازم وی که از کلامش هویدا است که صاحب مطالعه کافی در زمینه های سیاسی و اجتماعی می باشد در پاسخ به این سوال که از نظر وی دوستی مردم افغانستان با همسایه بزرگ شمالی ما اتحاد جماهیر شوروی واجد چه ارزش ها می باشد و این روابط حسنه در مجموع خود چه اثراتی در امر انکشاف و پیشرفت کشور ما داشته است چنین ابراز نظرمی کند :

« سود مندی این نتایج بعدی گسترده و متنوع است که در این گفت و شنود کوتاه مدت به بررسی نمی آید . به نظر من هر فردی از کشور ما که صاحب اندک شعور سیاسی و آگاهی اجتماعی بوده و مطالعه بی هر چند کم و نا کافی در تاریخ کشور داشته باشد صاحب این نظر و اندیشه نیز می باشد که کشور کبیر شوروا ها نه تنها در دوره پیروزی

به عنوان يك اصل اقتصادی از راه فروش اسلحه و فعال نگاه داشتن کارخانجات تهیه مواد تسلیحاتی خود میگرد. طبیعی است که واکنش نشان میدهد و با تمام امکانات و قوای خود میگوید این گونه انقلابات و نظام هارادر نقطه خف کردند و یا از رشد وبالندگی آن جلو گیر شود.

با این مقدمه و با آشنایی که به ماهیت انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی افغانستان انقلابی داریم علت پروپاگند های غیر واقع و دروغین کشور های امپریالیستی نیز آشکار می گردد. آنها چون میدانند که دوستی دو کشور افغانستان و شوروی نمونه بسیار خوبی از همسایگی نیک و همکاری و احترام متقابل می باشد که در تامین صلح در این منطقه جهان اثری نیک دارد می کوشند از آن چهره دروغین و غیر واقعی به نمایش گذارند تا از یکسو افکار مردم جهان را متشوش گردانند و از سوی دیگر از آب گل آلود به نفع خود ماهی بگیرند.

اواظهار نظرمی کنند که : امامردم ما اکنون بغوی از این نقشه های اهریمنانه آگاه می دارند و به امپریالیزم به همان شکلی می نگرند که به شیطان. وی در جای دیگر از کلام خود و در پاسخ به پرسش دیگرچنین ابرازنظر می کند که دوستی افغان و شوروی خار چشم امپریالیزم جهان است و چه بهتر که این دوستی بازهم آنقدر عمق یابد و قوی گردد که این خار چشم دشمن را کور سازد و دلش را خونین گرداند از کامله کوهستانی تشکر می کنم و به سراغ یکی از کارگران جوان میروم تاوی چه گفتنی هایی در زمینه مورد بحث داشته باشد.

محمدزاده آشناکه در این بخش سخن باوی به گفت و شنود می نشینم کارگر جوانی است که ۱۲ سال تحصیل و پنج سال سابقه کار در امور طباعتی دارد. وی که در صحافی مطبعه **لطفا ورق بز نید**



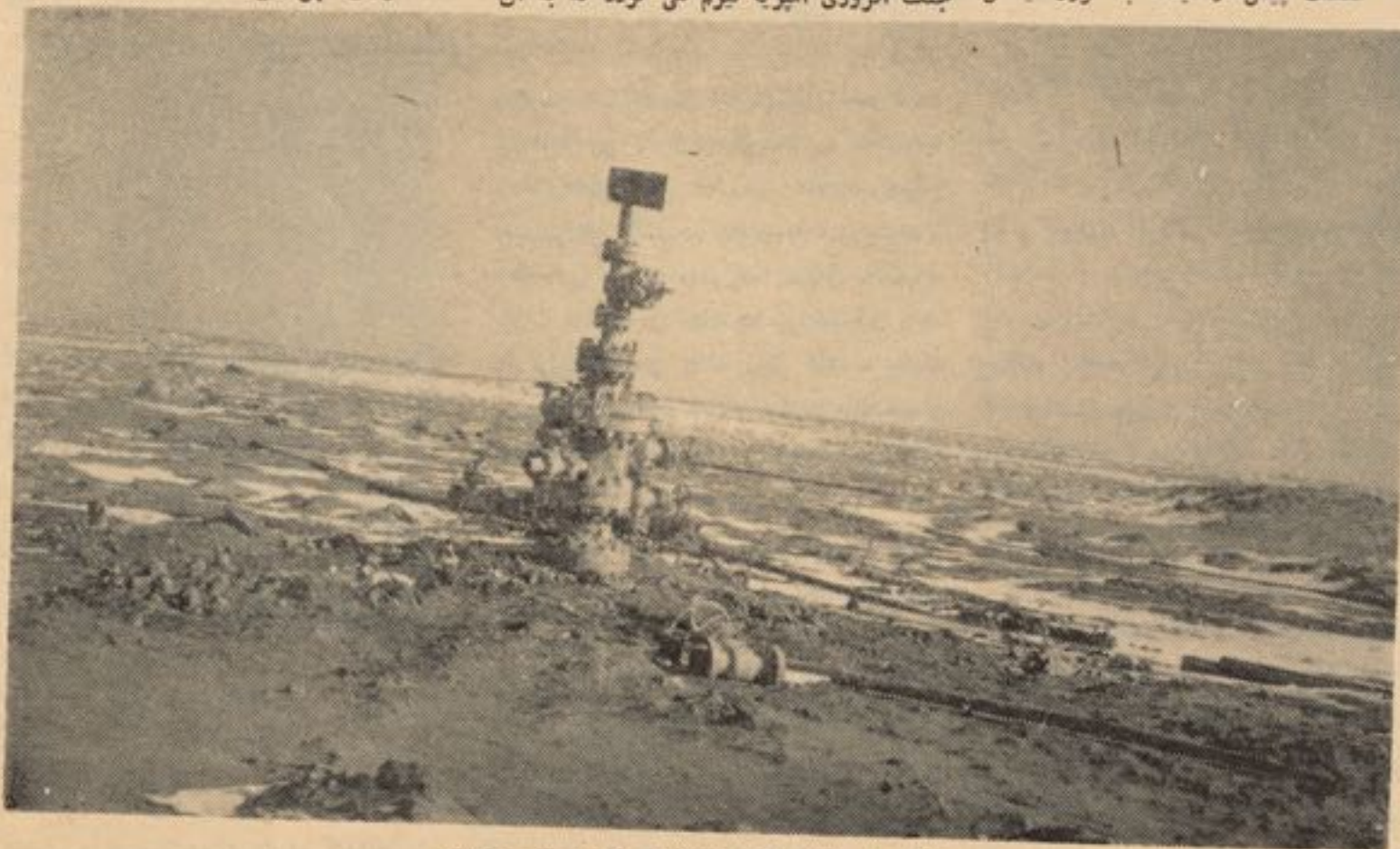
نمایی از انستیتوت پولی تخنیک کابل که کمک کشور دوست اتحاد شوروی ساخته شده است.

دوستی افغان و شوروی از آزمون زمان موفقانه بدر آمده چنانکه مروری بر ارزش های این دوستی در جریان دهه هایی که بسر آن گذشته است ما را متیقن میسازد شوروی تنها کشوری بوده است که بدون نظر داشت خاص سیاسی و صرفا به منظور سهمگیری در انکشاف کشور عقب نگذاشته شده اما کمکهای بدون قید و شرط خود را در اختیار ما قرار دهد.

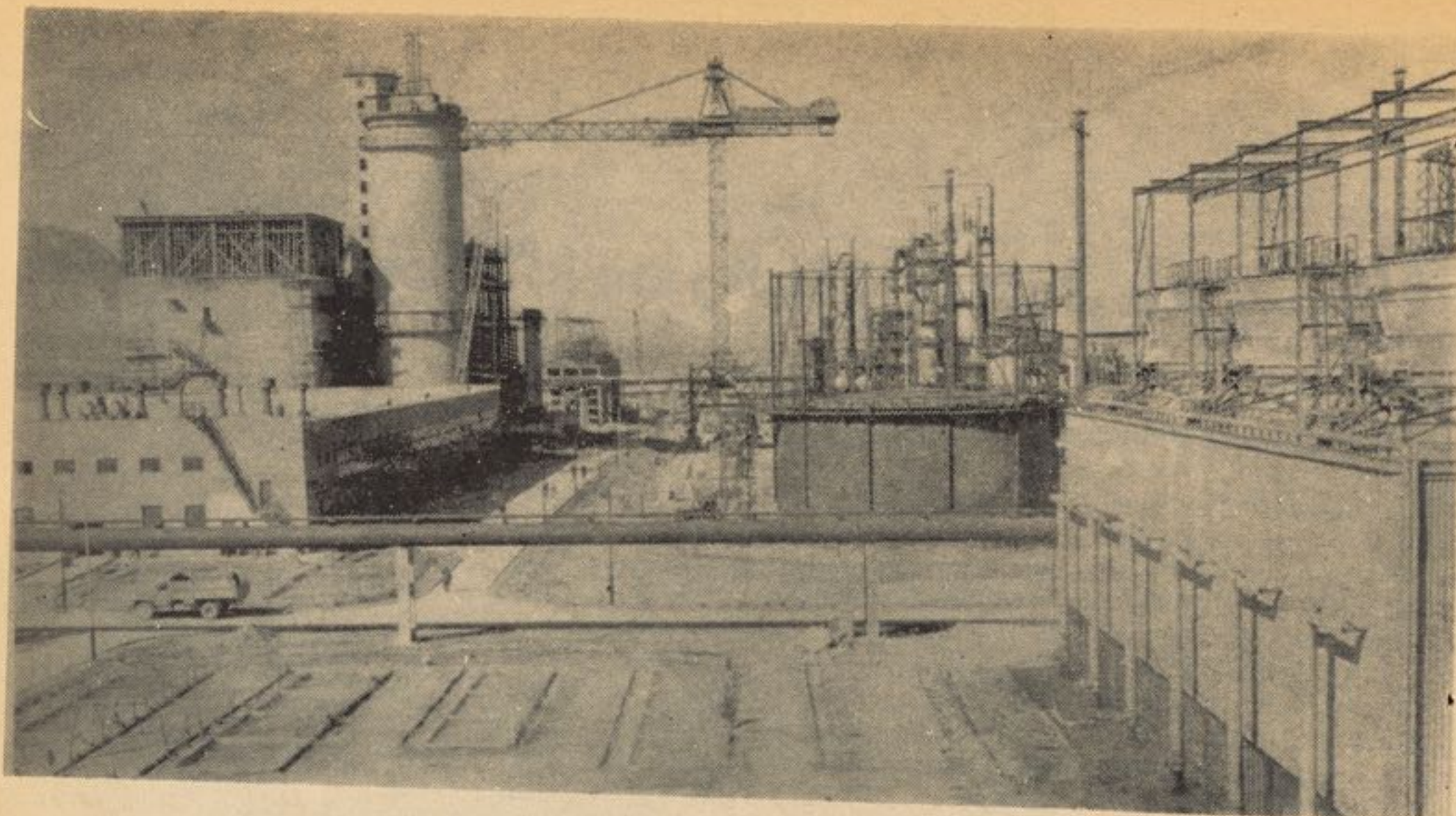
نخستین همکاری و کمک شوروی برای افغانستان چه وقت و در چه مواردی صورت گرفت ؟

داد تا از توطئه های خائنه و مرتجعانه ضد و واقعیت هارا در این زمینه مسخ گردانند. می گوید : انقلاب در داخل کشور بتوانیم جلو گیری کنیم و نقشه های شوم امپریالیزم خونخوار امریکا و دیگر کشور های وابسته به سیاست آنها در سطح جهانی و در بخش مربوط به فعالیت های تخریبی در مورد افغانستان انقلابی را عقیم گذاریم پس چه به جاست بگویم پاینده و همیشه باد این دوستی دو جانبه ، عمیق و تاریخی میان کشور های ما.

کامله کوهستانی معلم در کودکیستان زرغونه خام جوانی است که دارای دید و اندیشه در مسائل سیاسی و اجتماعی بوده و گویا مطالعاتی نیز در این زمینه ها دارد که از محتوای کلام و برداشت هایش از مسائل بغوی آشکار است. وی وقتی به سخن می نشیند و گفت و شنود را به آغاز می گیرد در جواب به اولین پرسش در این مورد که به نظر او انگیزه اصلی و واقعی از تبلیغات ضد افغانستان به وسیله وسایل ارتباط جمعی کشور های امپریالیستی چه می باشد و چرا این کشور ها در پروپاگند های دوامدار خود می کوشند از دوستی افغان و شوروی چهره غیر واقعی را به نمایش گذارند



منظره یی از دستگاه استخراج نفت و گاز جرقه دوق.



دورنمایی از پروژه برق حرارتی مزارشریف

دفاع و حمایت از دست آورد های انقلاب نور در کشور ما و جلوگیری از پیروزی توطئه های ارتجاع داخلی و خارجی برای سرکوب

ساختن انقلاب نور در واقع خدمت برای تامین صلح، آزادی و تامین عدالت در جامعه ماست و به همین دلیل به این حمایت قاطعانه خود از کشور انقلابی ما دوام میدهند و می گویند :

« در مدت پیش از نیم قرن که از استرداد آزادی افغانستان از امپراطوری بریتانیا می گذرد شوروی یگانه کشوری بوده است که در همه حالات در جهت رشد و شکوفایی و انکشاف همه جانبه کشور ما نقش عظیم داشته است دوام همکاری بی ریا و خالصانه این کشور در پروژه های فراوان علمی و صنعتی و در پدیده های فرهنگی و مسایل اجتماعی و اقتصادی بهترین نماد از این دوستی به شمار می آید و می افزاید: این دوستی از آزمون زمان بدر آمده و اکنون میتواند به عنوان یک نمونه و مدل بسیار خوب از همکاری صمیمانه میان ملل و یک نماد عینی و زنده از حسن همجواری و احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی همدیگر به حساب آید .

از نظر فریحه نوایی هیچ فرد و ملت دوست و بقیه در صفحه ۴۵

خود خواهان استحکام باز هم بیشتر این دوستی و یاری و مددگاری دوجانبه باشیم .

فریحه نوایی فارغ التحصیل لیسه زرغونه یکی دیگر از دختران جوانی است که به نظر خواهی از او پیرامون ارزش های دوستی خلق های افغان و شوروی میپردازیم :

وی در پاسخ به پرسش ما در این مورد که او چگونه این دوستی را به بررسی می گیرد وجه دلایلی را برای آن ارائه میدهد، می گوید :

« این مثالی مردمی است که آفتابرابادو انگشت نمی توان پنهان داشت ، دوستی خلق های افغان و شوروی نیز چنان دلایلی محکم و انکار ناپذیر دارد که نادیده گرفتن آن چون انکار از روشنی آفتاب است . کشور کبیر شورا پایه اساس پیروی از سیاست مدبرانه لنینی و اهداف عمده صلح، آزادی و دموکراسی برای همه کشور ها و همه ملیت ها، با توجه به خصوصیت ضد امپریالیستی که دارا می باشد صمیمانه بیدریغ و به منظور تحقق تامین صلح در این منطقه جهان به افغانستان کمک می کند و از انقلاب ملی و دموکراتیک ما حمایت می نماید ، مردم شوروی میدانند که

میدانیم و اثرات آن را در رشد مسایل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی کشور خود همیشه پیش روی داریم و به همین دلیل آرزو مند آن میباشیم که هر روز شاهد همکاری های متقابل میان مردم ما و مردم شوروی مستحکم تر گردد . او می گوید ما صلح عادلانه می خواهیم و پیشرفت کشور خود را آرزو داریم و کشور کبیر شورا ها در همه این موارد یار ماست و دوست دیرینه ما و همین است که ما را امیدارد با ذره ذره وجود خود و با تمام احساس

تعلیم و تربیه ایفای خدمت می کند پیرامون دوستی بی شایبه افغان و شوروی چنین نظر دارد که این دوستی نیک از تجربه زمان پیروز بدر آمده و چنان پایه های قوی و مستحکمی یافته است که دیگر غیر ممکن است بیاو سه سرایی های دستگا های دروغ پراکنی کشور های امپریالیستی خدشه بردارد . محمد زاده می افزاید که اکنون وقت آن رسیده که مردم ما دوست را از دشمن باز شناسند ما به ارزش این دوستی نیک آگاهیم . قدر آنرا



فابریکه سیلوی مرکز که بکام اتحاد شوروی ساخته شده است .

هغه شاهان چه د کوه نور الماس خخه قربانی شول

محمد خلجي دجلال الدين نيروزشاه زوم د يو ستر پوخ سره په (مالوا) حمله وکړه او ديو ستر جنګ به نتيجه کې يې بکر ساجيت ژوند ي ونيو او د خانه سره يې ډيلي ته راووست او هلته يې وواژه وروسته تر هغه دقيروز شاه مور دا الماس خان ته واخيست او تر خوبوري چې دا الماس دهغي سره وهیڅ کومه شومه پيښه ونه شوه او په دې ډول فکر کيده چې ددی الماس جادويي طلسم او شو متيا له مينځه تللی دی. فکر کيده چې نور هغه ويروونکي روح چې دالماس به منځ کې وددي قربا نيو څخه وروسته آرام شو ي اودوينو دتو يولو څخه يسي لاس اخستي دی. دقيروز شاه دمور دمرګ څخه وروسته دکوه نور الماس لاس به لاس وگرځيد تر څو چې مغلي محمد شاه ته ورسيد.

کله چې محمد شاه ته نوموړی الماس په لاس ورغی نو ددی الماس د احتمالي شوميت څخه دخلاصون له پاره يې امر وکړ چې ديو سر وزرو طاوس جوړ کړي او په مرغلرو او جواهراتو يې ښکلي کړي. دهند ډيرو هنر مندانو په کار پيل وکړ، لومړی يې دخالصي طلا څخه يوطاوس دطبيعي اندازي يوطاوس دطبيعي اندازي معادل جوړکړ او وروسته يې دهغي په وزرونو اولکي کې په زړه او توقي يا قوت، زمره اونوري قيمتي ډبري نصب کړي او بيا يې محمد شاه ته راوپ محمد شاه چې وليد طاوس ډير ښکلي جوړ شوی امر وکړ: اوس هغه الماس چې دلمردرب النوع زوی کارنایي قربانی شوی اوشوم گنل کيږي ددی طاوس په سترگو کې کيږي دی! جواهر جوړوونکو د محمد شاه امر پر ځای کړ او الماس يې دطاوس په سترگو کې وټوبه. محمد شاه وو يېل: «اوس که په

الماس بيه به څومره وي؟ اوبه نين خواب ورکړ: «فکر کوم چې دتولي نړی دیوی ورځی دخرڅ نيمايي». دغه جادويي الماس د(اوبه نين) کار هم وکړ او هغه دا چې اوبه نين په يوه جنګ کې سخته ماتې وخوړه او په دې ډول اوبه نين دکوه نور د الماس دوهم قربانی شو. دکوه نور الماس ددوهم ځل له پاره بيا وړک شو، بيا هم دخلکو له سترگو ولويد او هيرکړی شو. يوازی سپين ږيرو او سپين سرو به ددی الماس به باره کې څه نا څه ويل اوبه ددی ډول نړی وچې د کوه نور الماس او دهغه شوم والی بېخي دخلکو څخه هير شوی، چې ناڅاپه په اتمه هجري پيړۍ کې د (مالوا) دراجا «بکر ساجيت» سره وليدل شو.

بکر ساجيت دهند د شمال غربي ايالت (مالوا) راجا د جواهراتو او قيمتي ډبرو يوه ستره خزانه درلودله د نوموړي راجا په خزانه کې په زړه ووتی الماس يا قوت او زمره ليدل کيدل او دهغه ډبرو، زرو، سپا يانو شپه او ورځ دنوموړي بې مثله او ارزښتناکي خزاني ساتنه کوله. هغه کلا، کوم چې دا قيمتي ډبري او جواهرات پکې ساتل کيدل ډيره مستحکمه، کلکه اونه ماتيدونکي وه. بکر ساجيت هم دا ارزونه درلود. له چې څوک دی دده ددی بې نظيری خزاني نه خبروي.

بکر ساجيت دخپلو ټولو جواهراتو نه يوازی دکوه نور دالماس سره ډيره مينه درلوده او کله کله به ددوی الماس دليدلو له پاره ته. بکر ساجيت به ويل چې ددی الماس په څېر رنگ کسی يوه زړه زړی غونډی تاثير موجود دی چې ما ته يوه عجيبه آرامی بخښي، مگر ډير ژر دی هم ددی الماس قربانی شو، په دې ترتيب چې شهزاده علاءالدين

څخه لاس واخلي چې دا الماس د کارنا څخه واخيستل شي. دتورو څنگلو نو جا دو گرا نو نو موړی عاشق ته دا هم وويل چې که هر څوک ددی الماس خاوند شو دنړی دټولو ښځو دزړو نوما لك به هم شي. مين سړی ددی راز تر پوهيدلو وروسته تصميم ونيو په هر ډول چې وي بايد دا الماس تر لاسه کړي، مگر څرنگه چې کارنا دهند يو ستر پهلوان اونا متو اتل و او هيچا دهغه سره دمقابلې توان نه درلود او دهیچا کارنا نه دمبارزې ميدان نه وگهلی، وایي مينه، استدلال او منطق نه من، مين غوښتل په هره وسيله چې وي الماس لاس ته راوړي او په دې ډول د خپلې مينې او د نړی دټولو ښځو زړونه تسخير کړي.

مين بالاخره په دې بر يالی شو چې (کارنا) دلمردربا لنوع زوی ووژني او الماس تر لاسه کړي. ويل کيږي چې کارنا د خپل ژوند په وروستيو شپو کې دنوموړي الماس څخه خپله کرکه څرگنده کړه او ددی څخه وروسته دا الماس د نارينه وو دپاره شوم وگرځيد او په دې ډول کارنا دکوه نورا لاس لومړنی قربانی و.

دا الماس د کارنا دمرګ څخه وروسته کلونه کلونه وړک ووتر څو چې دمیلاد څخه زر کاله دمخه دهند ديو ستر راجا اوبه نين په خزا نو کې وليدل شو. دی الماس په خپل څېر رنگ سره سترگی خيره کولی او څوک به چې داو په نين په ليدلو بريالی کيدل ددی الماس د خپلیدلو به باره کې به يې داستانونه ويل او په دې ډول دنو موړي الماس دشهرت انگازی دخلکو په پراخه پر گتوکی خپري شوی. هيچا ددی قدرت نه درلود چې دنوموړي الماس رښتياني بيه وټاکي يوه ورځ داو په نين څخه چابو ښتنه وکړه چې ددی

دکوه نور دالماس به باره کې به مو ډير څه او ريډلي وي. ددی الماس تاريخچه ډيره اوږده اوافسانوي ده. دغه ښکلی او ښايسته الماس چې (يو سل او نهه) قير اظه وزن لري او د انگلستان د ملکی اليزا بت په تاج کې ځليږي تقريباً څېر (خاکستري) رنگ لري او ددی سره سره دانسان سترگی ددی مجال نه لري چې حتی دخوشينو له پاره هم ورته وگوري. دکوه نور دالماس په عکله ډير داستانونه او روايتونه شته دي، مگر په مېا بهار اتا کې چې دهند يولر غونۍ، مذهبي او افسانوي کتاب دی، ددی الماس لومړنی خاوند کارنا دهند ستر پهلوان اونا متو اتل ښودل شوي دي.

په مېا بهار تاکی راغلی دی چې دا الماس دلمریوه ټوټه وه چې (کارنا) ته دلمر رب النوع وربخښلی وه، له همدې کبله کارنا ته دلمردرب النوع زوی ويل کيده. کارنا به تل دا الماس ديوه کمر بند په وسيله دخپل تندي له پاسه تاره او په دې ډول هيچا ددی توان نه درلود چې ده ته مخا مخ وگوري.

ويل کيږي چې يوه ښکلۍ او ښايسته پيغله په کار نامينه شوه او دا پيغله به هره ورځ دکارنا ښکلۍ مخ دليد لوله پاره دده لاری په مسير کې ناسته وه. په نوموړي پيغلۍ باندې يو بل ځوان هم مين و، مگر دا پيغله دکارنا په عشق او مينه کې داسې ډوبه وه چې بل چا ته يې توجه هم نه کوله. دنجلې دغه عاشق دخپل مقصد دتر لاسه کولو له پاره دتورو څنگلو نو جادو گرانو ته پناه يووړه. جادو گرانو به دنوموړي عاشق ته ويل چې تر څو دکارنا په تندي دلمر ټوټه يعنی دکوه نور الماس ترای وي دانجلې به په کارنا مينه وي او دانجلې به هغه وخت دکارنا دميني

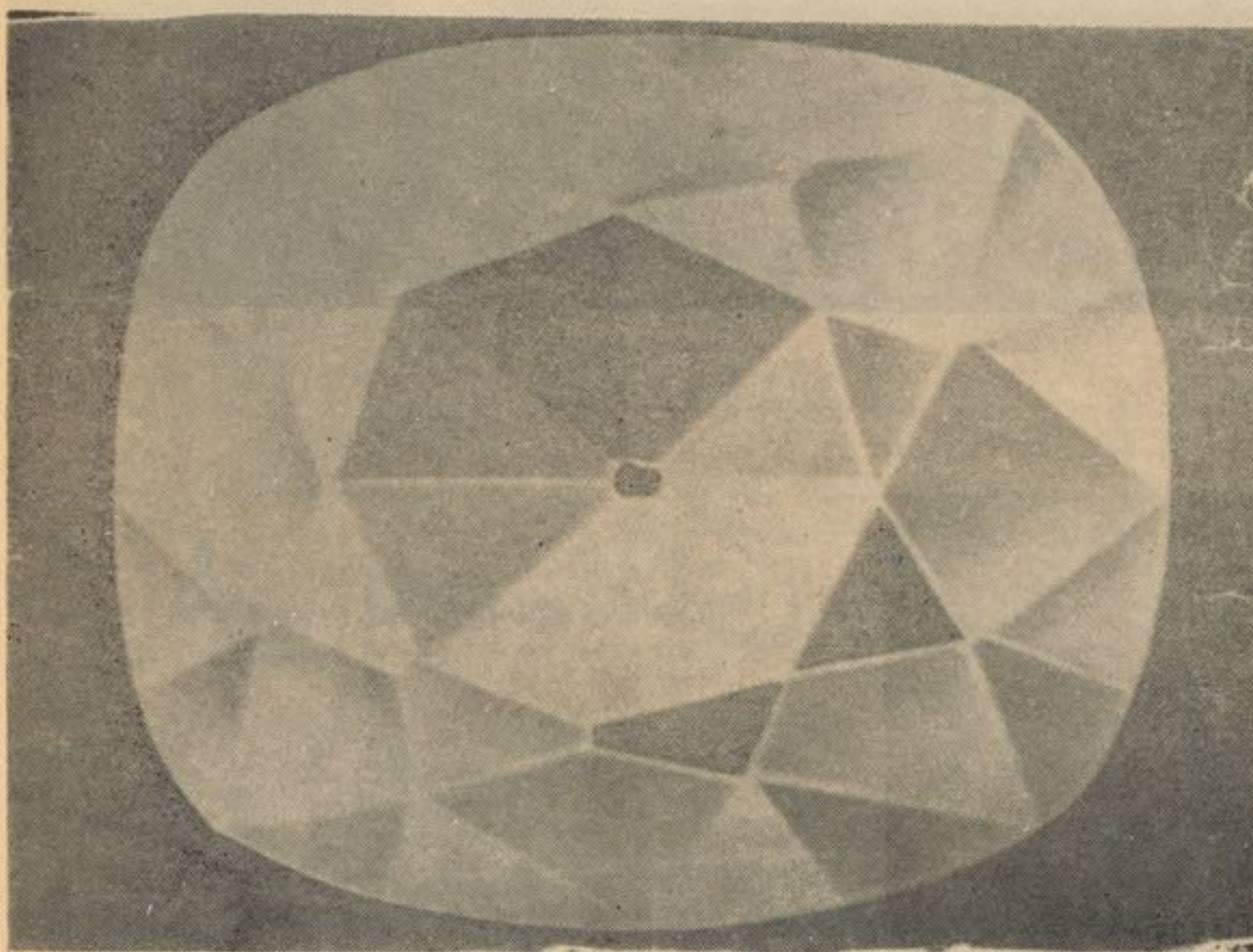
شجاع غوښت په اوله کی یسی دده
ډیر قدر وکړ، مگر وروسته یی په
ډیر سختو مشکلاتو د هغه څخه
دکوه نور الماس تر لاسه کړ او په
دی ډول د تل له پاره دکوه نور
الماس دافغانستان څخه ووت .
شاه شجاع وروسته له دی چی ددویم
خل له پاره په کابل کی پاچا شو،
دشوم دالماس دشومیت قربانی شو
اوپه کال (۱۸۴۲) عیسوی کی دخلکو
دتوبانی قیام په نتیجه کی ووژل شو.
درنجیت سنگ څخه وروسته د
کوه نور الماس دده زوی (گرگ
سنگ) ته پاتی شو .

کی بندی شو. وروسته له هغه چی
شاه شجاع دشاه زمان سکنی ورور
خپل میرنی ورور شاه محمود د
سلطنت څخه خلع او بندی کړ نولومړی
یی ملا عاشق شینواری کابل ته
راوغوښت او اعدام یی کړ او دکوه نور
الماس یی دهغه د کور څخه پیدا کړه.
شاه شجاع به تل دا قیمتی الماس
دخانه سره ساته او هڅیکله به یی
دخانه څخه نه لری کاوه، مگر شاه
شجاع هم دتولو غفو کسانو په
سر نوشت اخته شو کوم چی دده
څخه دمخه ددی الماس خاوندان
و. شاه محمود مخلوع پاچا او دشاه

دهغه دکورنی دخلاصون به لته کی شو
اودهغه کورنی یی دپاغی افسرانو د
منگولو څخه خلاصه کړه .
احمد شاه بابا ته دناذر شاه
افشار دکورنی له خوا ددی خدمت
په مقابل کی دکوه نور الماس ورکړ.
ای شو او په دی ډول دکوه نور
الماس دلومړی خل له پاره دیو
افغانی شخصیت لاس ته ورغی. د
احمد شاه بابا دمیرنی څخه وروسته
دکوه نور الماس لومړی تیمور شاه
او بیا شاه زمان ته په لاس ورغی.
مگر کله چی شاه محمود په شاه
زمان بریالی شونو شاه زمان پینځور

رښتیا سره دالماس شوم وی هره بلا
چی کولی شی په طاوس دی وکړی.
زه الماس آزاد پر پېدم چی هر څو
مره یی زړه غواړی خپل شومیت
په طاوس وښندی .
محمد شاه فکر کاوه چی په دی
چل به دالماس خاوندشی یی له دی
چی کوم زیان او ضرر ورسپړی
مگر دده دا خیال باطل ثابت
شو او یوه عجیبه حادثه وشوه، اگر
چی محمد شاه ددی شوم الماس
دضرر څخه په امان کی پاتی نه
شو، مگر ژوندی پاتی شو، په دی
ډول چی نادر شاه افشار ایرانی
سردار دیو ستر لښکر سره په هند
حمله وکړه او په ډیری چالاکۍ سره
یی دهند دنیمې وچی اکثره برخی
ونیولی او دمحمد شاه جواهرات او
خزانی هم دده په لاس کی ولویدی.
په کال (۱۷۳۹) عیسوی کی
کله چی نادر شاه ددی باورښته
خزانو څخه چی لاس ته یی راوړی
وی په کتنه مشغول و متوجه
شو چی هغه ستر طاوس چی د
محمد شاه په امیرجوړ شوی وستر
گی نلری، نادر شاه وویل چی دا
یوه عجیبه مساله ده چی داسی
طاوس چی ټول دی په جواهراتو
او مرغیو ښکلی شوی وی سترگی
ونلری ؟ نادر شاه په ډیری څیرکی
سره پوه شو چی دطاوس سترگی
باید ډیری با ارزښته اوسی او حتما
غلاشوی دی، نادر شاه دالماس په
لته کی شو خو پیدایی نه کړ .

کله چی جنگ پای ته ورسید او
نادر شاه دهند د چارو واگی په
لاس کی ونیولی نو لږه موده ورو
سته یی سلطنت بیرته محمد شاه
ته پرېښود. محمد شاه دخپلو نورو
سوغاتونو سره یو ځای دکوه نور
الماس نادر شاه ته دتحقی په ډول
ورکړ، نادر شاه ددی قیمتی الماس
په لیدلو سره وویل: کوه نور!
(درو ښنایی غر) ددی نېټی څخه
وروسته دهند دا شوم او تاریخی
الماس دکوه نور په نامه مشهور
شو. هیچا نادر شاه ته ددی شوم
الماس دشو موالی په پاره کی څه
ونه ویل اونادر شاه هم داسی سړی
نهو چی په دی خبر وباندی باور کړی.
نادر شاه افشار دهند دفتحی څخه
وروسته دا الماس دخا نه سره
ایران ته یووړ. په کال (۱۷۴۷)
عیسوی کی نادر شاه افشار هم د
خپلو افسرانو له خوا ووژل شو .
دناذر شاه دوزل کیدلو وروسته
احمد خان ابدالی (احمد شاه بابا)



د کوه نور الماس

گرگ سنگ به تل دا الماس
دخپلی سینی دپاسه خپراوه او دخپل
پلار رنجیت سنگ دمیرانی سه ډول
یی گانه. ده به دا الماس هر جاته
ښوده اوویل به یی: «که چیری دا
الماس شوم وی نوولی زما سینه
نه سوری کوی ؟»

ولی دا الماس زما په سرکومه
بلانه راولی ؟»

مگر دا خل دا بلا به گرگ سنگ
هم راغله او گرگ سنگ به ډیره
مرموزه توگه مسموم او ووژل شو او
په دی ډول دا الماس چی دخپلو
پاتی په ۴۵ مخ کی

شجاع میرنی ورور دشاه شجاع
دبند یخانی څخه وتښتید او دیو لږ
جگړو څخه وروسته ددو هم خل له
پاره دافغانستان پاچا شو . شاه
شجاع د کابل نه اپریدیو او تیرا ته
وتښتید او بیا د پېښور د حکمران په
دی بریالی نه شو چی دکوه نور
الماس دده څخه تر لاسه کړی نو
بیایی د کشمیر حکمران ته بندی
ولېږه .

دیوه کال نظر بندی څخه وروسته
شاه شجاع غوره وگنله چی رنجیت
سنگ دپنجاب گورنر ته پناه یوسی
رنجیت سنگ چی دخدای نه شاه

ته دتگ په لاره کی دملا عاشق شینو
اری په کلاکی داستراحت له پاره
کوژ شو، مگر دملا عاشق له خوا
ونیول شو او شاه محمود ته یی د
شاه زمان دسر نوشت په پاره کی
استازی ولیږه، شاه محمود هم په
ډیره بېره دشاه زمان دپندو لودیاره
یو ټولی عسکر او یوڅ ولېږه. شاه
زمان چی دخپل سر نوشت څخه
خبر شو نود کوه نور الماس دخپل
پندیدلو څخه مخکی دیوه دیوال په
سوری کی کیښود، مگر د الماس
شومیت خپل کار وکړ، شاه زمان
پوند کړی شو او دکابل په بالاحصار

بدیع و روشنی از تغییرات غم‌انگیز روانشناسی
ایوان عرصه می‌کند. تحول‌آواز يك سیاستمدار
نیرومند و بشاش يك فرد منزوی گینه جو و
بدگمان بازیگران ورزیده سینما و تئاتر بکره
های قوی و روشنی‌آسرنوشت تاریخی شخصیت
های جنگجویان سرکوبگران به شیوه فسردي
بی نظیر ترسیم شده اند .

برداشت ایزنشتین از تاریخ قابل بحث
است و شخص ایوان را نیز می‌توان به شیوه
های گوناگون تعبیر نمود اما گیرایی فیلم
بزرگ ایزنشتین تلاش‌آورد ترسیم سر نوشت
ایوان به عنوان يك تراژدی یسك تضاد بی
فرجام میان نقش عینی تاریخ و تجارب ذهنی
قهرمان انکار ناپذیر است دست آورده ای
افتخار آمیز ایزنشتین و همکارانش در زمینه
های ترکیب بصری وسایل بیان ، بازیگران
استفاده از موسیقی و کیفیت چندانوایی، این
فیلم را تا سالهای دوازده موضوع بررسی‌های بی
پایان خواهد ساخت .

پس از جنگ :-

در سال‌های پس از جنگ تعداد زیادی فیلم‌های
زندگی نامه‌ای تهیه شد . در اتحاد جماهیر
شوروی سوسیالیستی این نوع فیلم‌های کدر
غرب برپایه زندگی شخصیت‌های تاریخی
ساخته می‌شود و داستان‌های احساساتی صرفا
سر گرم کننده هستند اساسا متفاوت است

تبع و نگارش «مخشور»



صحنه بی از فیلم «طوفان خصمانه» .

پیوسته گذشته نگرشی به سینمای شوروی این سینمای انسانی



از فیلم «مصلح و خطرناک» .

رف پوشی که از سراسر آن جمعیت پیش
می‌آیند اندام تهدیدکننده تزار آهسته پدیدار
می‌گردد. تقریباتمام بخش دوم در استودیوی
فیلم برداری شده مضمون اصلی این بخش
تکیه کلام تلخ ایوان مخوف است بی مانند
همیشه تنها او که در نهایت سنگدلی و به
بهای از دست دادن تمامی دوستانش سرانجام
به قدرت مطلقه دست یافت از تنهایی و بدگمانی
رنج می‌کشد او به این نتیجه می‌رسد که گشتار
های دسته جمعی اجتناب ناپذیرند و قلع و قمع
خانواده های اشراف را از سر می‌گیرد .
ایزنشتین به بررسی دنیای ذهنی ایوان مخوف
می‌پردازد از نظر او بی رحمی ایوان ریشه در
سیاست دارد نیاز به جلو گیری از پراکندگی
قدرت خوددالی نیاز به تحکیم بخشیدن دولت
خاطرات کودکی او تجاوزات اشراف درك
شهودی از توطیه های ستارینسکایای جاه طلب
در صحنه ای مادر ودایی ایوان خردسال را در
برابر دیدگانش شکنجه می‌کنند صحنه مشاجره
تلخ تزار با دوست کودکیش اوسیب کولی
چف ساکن کنونی پایتخت و صحنه های مناسب
رمزی گشایشان در معبد بانظری به گیرانداختن
ترساندن و شکستن مقاومت ایوان در نهایت
عزیمندی ساخته و پرداخته شده است .
بازیگران فیلم درایفای نقش‌ها قدرت خیره
کننده ای دارند نیکلای چر کاسف برگردان

داستانی در باره لنین (۱۹۵۸) و لنین در ایستگاه (۱۹۶۷) خدمت شایانی به سینما کردند. در فیلم اخیر شیوه گفتار و لحنی به شکلی استاندارد و موفقیت آمیز به کار رفته است که تفکر لنین روند تکامل اندیشه های او در باره انقلاب انترناسیونالسم جنگ های حق طلبانه و مبارزه برای صلح را نشان می دهد (مارک-دانسکوی) در دو فیلمی که در سال (۱۹۶۶) به نام های قلب یک مادر و فداکاری یک مادر در باره خانواده اولیاف تهیه گرداز دیدگاهی تازه به لنین پرداخت ناخایوف در این فیلم هاتصویری از لنین جوان را عر ضه می کند. فیلم ششم ژانویه به کارگردانی کاراز - یک عهد تازه خاطریوند دراماتیک استناد تاریخی معتبر اهمیت دارد این فیلم لنین را در مبارزه با کسانای تصویر می کند که به انقلاب پشت کرده اند بیشتر فیلم های انقلابی تاریخی کنونی بر پایه آثار ادبیات شوروی ساخته شده اند که از آن میان باید به این فیلم ها اشاره کرد. فیلم سه قسمتی آن آرام (۱۹۵۸) ساخته سرکی گراسیموف از رمان خماسی عظیم میخائیل شولوخوف فیلم سه قسمتی روشال از رمان راه رنج نوشته الکسی تولستوی، فیلم پاول کور چاکین به کارگردانی الوف و نایوموف بر مبنای رمانی چگونه فولاد آبدیده شد اثر استروفسکی از آثار ادبی دیگری که به فیلم در آمده اند این نام هارامی توان ذکر کرد زمین نو آباداتر شولوخوف، زمان به پیش اثر کاتایف اولین شادی ها نوشته فدین، شکست اثر فادایف، کمیسر ها اثر لریلید یسکی، تاریخ موقعیت اجتماعی شوروی و حزب کمونیست نیز از بقیه در صفحه ۵۰



صحنه بی از فیلم «جت هابه آسمان پرواز می کنند».

کوتاه) مضامین و انواع فیلم ها تنوع روز - افزونی یافته اند. نیاز به گفتن ندارد که همه اشکال و سخن های فیلم تاریخی انقلابی و بیوگرافیک در حال تکامل هستند. رویداد های سر نوشت ساز انقلاب کبیر اکتوبر، جنگ داخلی، اولین سال های ساختمان سوسیالیسم و شخصیت های انقلابیون

هدف کارگردانان شوروی از پرداختن به زندگی انسان های برجسته نمایش ماهیت فعالیت های آنان و ثبت سهم آنان در میراث فرهنگی نوع بشر است این تگرش به فیلم های زندگی نامه ای شوروی ارزش پند پذیری و آموزشی مسلمی می بخشد.

چهره دانشمندان بزرگ روس پاولوف میخورین و پرژوالسکی در فیلم های روشال داوژنگوویو تکه ویج به طرز روشن زنده شده گر یگروی روشال همچنین زندگی نامه های سینمایی با ارزشی از آهنگ سازان بزرگ

روسی موسورگسکی (۱۹۵۰) و ریملسکی گوسل کوف (۱۹۵۳) تهیه گردد و باز نمایش اصلی از اوپراهای مشهور آنان به روی پرده آورد زندگی نامه های سینمایی تهیه شده در موسسه های صنایع فیلم جمهوری های شوروی نیز سهم بزرگی در این حرکت اجتماعی دارند ایگو ساوچنگودراو کراین فیلم نم انگیزی به نام تاراس شو چنگو ساخت که سرکی پاندار چوک جوان را در نقش شاعر مردمی نشان می داد کامل پارماتوف در ازبکستان فیلم های درباره نویسندگان و دانشمندان بزرگ مشرق زمین مانند نوایی و ابن سینا تهیه کرد بدین سان سینما کمک کرده که عامه مردم با دست آورد های فرهنگی خلق های اتحاد شوروی آشنا شوند این گامی بزرگ در وحدت بخشیدن فرهنگ های ملی گوناگون در فرهنگ یگانه و چند ملیتی شوروی به شمار می رفت.

هم اکنون سینمای شوروی سطح تولید بالا دارد (سالانه ۱۳۰ فیلم دراز و بیش از هزار فیلم



صحنه دیگری از فیلم «جت هابه آسمان پرواز می کنند».



خودتر از همیشه شده و غرور و تکبری هم پیدا کرده بودند ، اگر کسی آنها را به کار دعوت می کرد با کمال بر روی دو برابر معمول مزد می خواستند و با این همه حالا که عروس خانواده از درد رنج می کشید و ناله می کرد به نظر میرسید این پدر و پسر فقط منتظر مرگ او هستند تا بتوانند بدون دغدغه و ناراحتی بخوابند .

فیس پس از آنکه يك كچالوی دزدی را از زیر خاکستر داغ بیرون کشید و مشغول پوست کردن آن شد ، گفت :

— بر خیز به کلبه برو و خبری از اوبیگر شاید اگر داکتر می آوردیم میتوانست کاری بکند ، اما درین حویلی اگر يك دایی پيسواد هم پیدا شود کمتر از يك روپیه نمی گیره مادهاوا میترسید که اگر برود فیس بیشتر كچالو هارا بخورد و برای او چیزی باقی نگذارد و به همین علت در جواب پسرش گفت :

— من میترسم بروم داخل کلبه . ساز چی میترسی ، مگر نمی بینی من اینجا نشستم ؟

— اگر اینطور پس چرا خودت نمیری ببینی چه حال داره ؟

— وقتی زن من میرسه روز تمام از کنار بسترش دور نشدم ، حالا هم حاضریم بروم ، اما زن تراز من خجالت می کشد ، چون من هنوز صورتش را هم ندیدم ، آنوقت تو می گویی بروم بدن لغزش را ببینم ؟

— اما من فقط به این فکر می کنم که اگر کودک به دنیا بیاید ، چطور خواهد شد؟ چون درخانه هیچ چیز نداریم ، نه قند ، نه روغن نه چای و نه هیچ خوراکی دیگر .

— اگر خدا بخواد همه کارها درست می شود مطمئن باش همان مردمی که تا امروز حتی يك تکه نان هم بها نمیدادند از فردا برای ما غذا و حتی پول نقد می آورند ، خدا بمن پسر داد ، در صورتیکه آنوقت هاهم هیچ چیز درخانه نداشتیم ، اما خدا کمک کرد و هر طور بود زنم ماندیم و زندگی کردیم .

— هر دو نفر كچالو هارا با شتاب از زیر خاکستر بیرون می آوردند و همانطور داغ داغ دردهان می گذاشتند و چون از روزی پیش تاکنون غذا نخورده بودند صبر نداشتند که بگذارند سرد شود و در نتیجه چندین بار دهانشان سوخت .

فیس در این حال جشن عروسی ارباب را بیاد میآورد که بیست سال پیش در آن شهرکت کرده بود ، لذتی که از آن جشن برده بود برایش این ارزش را داشت که در تمام دوره عمرش آنرا با خاطره بسیار و این خاطره هنوز هم در مغزش تازه بود و تمام لحظات آنرا به یادداشت ، می گفت :

— جشن عروسی ارباب را نمی توانم فراموش کنم ، چون نه به عمرم آن همه غذا خوردم و نه خواهم توانست بخورم ، آنقدر شربنی و

مردان کاری و زحمتکش صد ها نوع کار وجود داشت اما این دو نفر فقط در مواقع اضطراری بکار دعوت میشدند آن هم در صورتی که کار فرمایدو نفر که کار یکنفر را انجام میدادند قانع میشد ، راستی اگر اینها مرتاض میشدند به هیچ وجه لزومی نداشت که ریاضت بیشتری بکشند ، چون ریاضت کشیدن و تحمل رنج بخشی از طبیعتشان شده بود .

زندگی آنها عجیب بود ، در خانه هیچ چیز به جز چند کوزه و کاسه گلی نداشتند ، اتاق های خالی شان را با چند تکه گلیم پاره فرش کرده بودند ، علیرغم قروض زیادی که داشتند و رنج و محنتی که از پدر فتاری طلبکار ها میکشیدند ، ذره یی نگرانی نداشتند اما همیشه غمگین بودند .

مردم گاهی مجبور میشدند به آنان پولی قرض بدهند اما هرگز امید نداشتند که بتوانند آنچه را داده اند پس بگیرند .

هنگام درد هر طور بود خود شان را برای کار کردن در یکی از مزارع شامل می کردند گاهی دزدکی ، مقداری لبلبو از زمین بیرون میکشیدند و با آن غذایی برای خود درست می کردند ، فیس شصت سال عمر خود را همین گونه با سرگردانی گذرانده بود ، مادهاوا هم پسر حلال زاده یی بود ، چون پایش را درست جای پای پدر میگذاشت و حتی با افراط در این کار به افتخارات خانوادگی اش مسمی افزود .

زن «فیس» سالها پیش مرده بود و «مادهاوا» یکسال پیش از دواج کرده بود ، از وقتی این زن به خانه آنها آمده بود سعی داشت نظم و ترتیبی در زندگی این خانواده بوجود آورد ، با آسپاب کردن گنم برای يك خانواده وابسته بندی کردن علو له برای خانواده دیگر کمی آرد بدست می آورد و با آن شکم این دو مغلول بشرم را سیر می کرد ، اما از وقتی او آمده بود این دو نفر خیلی تپل تر و مفت

«نایاب رای» نویسنده این داستان بزرگترین نویسنده هندوستان است که بیشتر با نام مستعار «پریم چند» می نویسد و به همین نام نیز به شهرت رسیده است .

وی که سال ها به سمت معلم و مفتش در مکتاب هند ایفای خدمت کرده است زیر تأثیر تعلیمات گاندی رهبر بزرگ مردم هند قرار داشت و به خاطر بخش تعلیمات همین ابرمرد بود که از وظایف دولتی کناره گرفت .

کرکتر های قصه های او بینوا ترین و فقیر ترین مردم هند در نیمه اول قرن بیست می باشند که او با قدرت و مهارت زندگی غم انگیز آنان را تصویر می کند . این داستان نمونه خوبی از قدرت تخیل و نشاندهی تأثیرات فقر مسلط در جامعه هند است که در آن باتوانایی خصوصیات روانی کسانی که در زیر فشار فقر شخصیت غرور و حتی انسانیت خود را می بازند و از دست میدهند تصویر شده است .

این پدر و پسر از يك خانواده فقیر بودند که در سر تاسر ده به بیکارگی سپرد داشتند فیس یگروز کار می کرد و سه روز بیجا گردی میکرد ، پسر او «مادهاوا» چنان زود خسته میشد که بعد از هر نیم ساعت کار احتیاج به یکساعت دراز کشیدن و سکرت دود کردن داشت ، به همین دلیل این دو پسر جا می رفتند کمتر ممکن بود کاری برایشان پیدا شود ، از طرفی اگر این دو فقط کمی مواد خوراکی در خانه میداشتند از هر نوع کار و فعالیتی شانه خالی می کردند و معمولاً بعد از آنکه چند روز گرسنه می ماندند و روزه اجباری می گرفتند فیس از درختی بالا میرفت و مقداری از شاخه های آنرا برای سوزاندن قطع می کرد ، مادهاوا این شاخه هارا به بازار میبرد و می فروخت و تا زمانی که آخرین پول سیاه آن باقی بود هر دو در گوشه یی می افتادند و از جایشان تکان نمی خوردند ، وقتی دوباره کار شان به مرحله روزه گرفتن میرسید آنوقت باز شروع به شکستن شاخه های درختان می کردند و با دبال کار می گشتند . در دهکده آنان کار کم نبود بلکه برای

پدر و پسر ساکت دم در کلبه ی خود کنار آتش نشسته بودند ، داخل کلبه زن جوانی که «بدیهه» نام داشت از درد های بی در پی و سخت زایمان زجر می کشید و هر چند لحظه یکبار چنان نعره های گوشخراشی میزد که قلب هر دو میخواست از حرکت بایستد ، یکشب زمستان بود ، همه غرق در سکوت بود و در تاریکی غوطه می خورد . «فیس» گفت :

— مثل اینکه در حالت جان کندن اس ، تمام روز پیك لقمه نان میدویدم ، پستراس بروی داخل کلبه ببینی حالش چطور اس ؟ «مادهاوا» پسر فیس با ترش رویی و کج خلقی جواب داد :

— اگر مرد نه ، هر چه زودتر بهتر ، بروم چی را ببینم ؟

— خیلی بی عاطفه یی ، آیا بیرحمی نیست نسبت به زنی که يك سال تمام باتو زندگی کرده و آن همه در کنارش خوشبخت بودی تا این اندازه بی اعتنا باشی ؟

— چه کنم ، نمی توانم درد و شکنجه او را ببینم و تحمل کنم .

دادن ترجم به آنها نتیجه خوبی نخواهد داشت میخواست بگوید: زود از اینجا خارج شوید پست فطرنها اما بلا فاصله بیاد آورد که حالا موقع خشونت نیست و نباید عصبانی شد ناچار با تمام نفرت و انزجاری که داشت دورویه جلو پای آنها روی زمین انداخت و آنکه يك كلمه بگوید یا حتی به صور نشان نگاه کند از آنجا دور شده وقتی ارباب دو روپیه داده بود چطور امکان داشت پولدار هاومغازه دار های ده از دادن پول خود داری کنند، قیس خوب میدانست که چطور از نام لطفاً ورق بزنید

و فریاد زد، من و پسر من تا صبح کنار او نشسته بودیم، دوا های لازم را خریدیم و هر چه میتوانستیم کردیم، اما عاقبت مرد، حالا هیچکس نیست که حتی يك تکه نان بها بدهد ارباب، ماخانه خراب شدیم، چه کسی غیر از شما در این دنیا میباشد که در مراسم عزاداری آن بیچاره بها کمک کند؟ ما هر چه داشتیم خرج معالجه او کردیم، تنها در صورتیکه شما بها رحم کنید میتوانیم مرده را بسوزانیم.

ارباب مرد خوش قلبی بود اما خوب میدانست که دلسوزی بحال این پدر و پسر و نشان

نفر بیزار بود چون بار ها در مواقع مختلف به علت دزدی و سرکار حاضرنشدن کنکشان زده بود، او به محض ورود آنها گفت: - باز چه خبره قیس، چه شده که شما دو تا بیکار گریه می کنید؟ ماها شده که من حتی رنگ شمارا هم ندیده ام، چه می خواهید؟

قیس خودش را به پای او انداخت و پیشانی را به خاک مالید و در حالیکه چشمانش پر از اشک شده بود، گفت: - ارباب، من دچار بدبختی بزرگی شده ام زن مادهاوا دیشب مرده، تمام شب درد کشید

میوه چیده بودند که همه مهمانباراسیری - کرد چطور میتوانم برایت شرح دهم که چه غذا های لذیزی بود، هیچ معانعی برای خوردن وجود نداشت، هر چه میخواستی برایت می آوردند و هر چه میخواستی می - خوردی، من آنقدر خورده بودم که دیگر چا حتی برای نوشیدن يك قطره آب هم نداشتیم.

مادهوا که از تجسم این مناظر در خیال خود خیلی لذت میبرد، گفت: - این روز ها هرگز جشنی نظیر این نمی توانیم ببینیم.

- بلی، امروز ها چیز دیگری بود، حالا همه به فکر صرفه جویی هستند و حتی موقع عروسی و عزاداری هم نمی خواهند پول خرج کنند، معلوم نیست باین همه پول که از دسترنج فقرا و بیچاره ها بدست می آورند، میخواهند چه کنند؟ پول جمع کردن هم اندازه پی دارد اقلاً باید هما نظور که جمع می کنند خرج هم بکنند.

- پدر، حتما تو آتش پیش از بیست كيك خورده بودی؟

- خیلی بیشتر پسر من.

- اما اگر من جای تو میبودم پنجاه تا میخوردم.

من هم کمتر از پنجاه تا نخوردم، یادش بخیر امروز هاجیلی قوی بودم، توحی نصف قوت آنروز های مرا نداری.

بعد از تمام شدن کچالو ها آب فراوانی نوشیدند و در کنار آتش دراز کشیدند، زانو های ناخواسته به شکمشان تکیه دادند و خود را در چادر شب ضخیمی پیچیدند، در آن تاریکی به بدو مار بزرگی شباهت داشتند که چنبر زده باشد و «بدیعه» زن مادهوا هنوز هم ناله می کرد.

...

صبح هنگامی که مادهوا وارد کلبه شد زنش بیخ کرده و مرده بود، آنقدر مگس روی بینی و دهان و پیشانی نشسته بود که صورتش دیده نمی شد، چشمانش با نگاه ثابت و بیخ زده بی خبره مانده بود، تمام بدنش غرق در خال بود و بسج در رحمش مرده بود.

مادهوا دیوانه وار خود را به قیس رسانید و به او خبر داد، هر دو به صدای بلند شروع به شیون کردند وقتی عسایه ها صدای گریه آنها را شنیدند بطرف کلبه دویدند و سعی کردند این دو نفر مصیبت زده را بسا محبت و مهربانی تسلی دهند و ساکت کنند. اما آنها وقت زیادی برای گریه و شیون نداشتند، چون مجبور بودند کفن و چوب کافی برای سوزاندن جسد و برگزاری مراسم عزاداری بخرند ولی پولی در اختیار نداشتند.

پدر و پسر هر یک به کتان به خانه صاحب ملك رفتند، اما او حتی از دیدن این دو



ونفوذ ارباب به نفع خود استفاده کند و با همین نیت همراه پسرش برای جمع کردن پول براه افتاد، یکنفر به آنها دو «آنه» داد دیگری چهار «آنه» تا عاقبت پس از یکساعت قیس توانست پول زیادی که حدود پنج آنه میشد جمع کند. نزدیک ظهر همراه پسرش برای خریدن تکه کفن بازار رفت، همسایه عاصم شروع به بریدن شاخه های درخت و تهیه سایر لوازم برای سوزاندن جسد کردند.

گروهی از زنان رحمدل و مهربان دهکده هم بدیدن جسد آمدند و برای سر نوشت غم انگیز «بدیعه» اشک ریختند.

وقتی بازار رسیدند، قیس گفت: «برای سوزاندن جسد چوب باندازه کافی داریم، اینطور نیست مادها؟» «بلی پدر، چوب به اندازه کافی داریم اما حالا فقط یک کفن کم داریم.» «پس بیا برویم کفن ارزان بخریم.» «بلی برویم چون پیش از آنکه جنازه را آماده کنیم هوا تاریک خواهد شد و هیچ کس نمیتواند بفهمد که کفن از تکه ارزانی بوده است.»

«راستی چه رسم بدی است، فکر کن! کسی که در تمام دوره زندگیش بزحمت تن پوشی گیر می آورده وقتی میمیرد باید این همه پول بدهند و برایش کفن نو بخرند.» «بدر این تکه کفن را هم با جسد میسوزانند.»

«بلی راستی فکر کن اگر ما این پنج روپیه را زودتر بدست میاوردیم میتوانستیم دوی کافی برای زنت بخریم و نگذاریم که بمیرد.» در عین حال هریک افکار پنهانی دیگری را میخواند و هر دو باهم در بازار سرگردان بودند، به تکه فروشی های متعدد رفتند و انواع تکه های ابریشمی و پخته ی را پسندیدند. رفته رفته غروب نزدیک میشد، ناگهان گویی یک تمایل شدید درونی آنها را بدریک مشروب فروشی راهنمایی کرد، به محض رسیدن به آنجا وارد شدند، مثل اینکه هر دو قبلا نقشه این کار را در ذهن خود کشیده بودند، مدتی ایستادند، هر دو ساکت و مردود بودند، عاقبت قیس به مرد مشروب فروش نزدیک شد و گفت:

«آقا، لطفا یکبوتل ... بدهید!»

بعد یک خوراک های سرخ کرده سفارش داد و خوردنی های دیگری نیز خواست، باهم سر میزی که در گوشه تاریک قرار داشت نشستند و به آرامی شروع به نوشیدن و خوردن کردند.

پس از نوشیدن چند گیللاس پی در پی مشروب اثر خود را کرد و آنوقت قیس گفت:

«خریدن کفن فایده یی ندارد، چون بلافاصله بعد از پوشاندن آن به مرده باید

بسوزانش.

مادهاوا از پنجره به آسمان صاف نگاه کرد مثل آنکه میخواست فرشتگان را به شهادت بیگناهی خود دعوت کند و بعد گفت:

«بلی راست می گویی، اما این یک رسم است و ...»

«پولدار ها میتوانند اینطور پول مصرف کنند، همه هم مصرف زیاد آنها را تحسین می کنند اما ما که چیزی نداریم که از این پول ها خرج کنیم.»

«ولی پدر اگر مردم از ما بپرسند که کفن چطور شد، چه جواب بدهیم؟»

قیس به صدای بلند خندید و گفت:

«برایشان می گویم پول هارا کم کردیم و هر چه گشتیم پیدا نشد، البته حرف هارا باور نمی کنند اما دو باره برای ما پول زیادی میدهند.»

«مادهاوا هم از این فکر خوب خندید و گفت:

«چه زن خوبی بود! بعد از مرگش هم برای ما نفع می رساند!»

پیش از نصف بوتل را نوشیده بودند، آن وقت قیس سفارش چند نان تازه و جگر و گرده سرخ کرده داد، درست رو بروی دکان شراب فروشی یک دکان قصابی بود، مادهاوا به عجله به آنجا رفت و بعد از چند دقیقه با دو بسته بزرگ گوشت و جگر و گرده برگشت یک روپیه و نیم پول داده بود و دیگر بیش از سه چهار سکه کوچک برای شان باقی نمانده بود.

هر دو مثل حیوان گرسنه یی که به طعمه لذیذی رسیده باشد لقمه میزدند، دیگری به فکر پرسش مردم در باره کفن بودند و نه به فکر بدنامی و رسوایی، چون از سالها قبل به این احساسات خود فایق شده بودند.

قیس خیلی فیلسوف مابانه حرف میزد و می گفت:

«قلب های ما به خاطر این جشن کوچک و ادعا می کند و برای روحش آموزش می طلبد، این کار خیلی بیشتر ثواب دارد.»

مادهاوا با تواضع سرش را خم کرد و گفت:

«البته که ثواب دارد، ای خداوند بزرگ که بر همه چیز دانایی بهشت را به بدیعه عطاء کن، ما هر دو از صمیم قلب برای او طلب آموزش می کنیم چون هرگز به عمر خود این همه غذا نخورده بودیم، پس از مدتی کنجکاوی شدیدی در قلب مادهاوا به وجود آمد و پرسید:

«پدر، آیا ما هم روزی به بهشت خواهیم رفت؟»

قیس به این سوال معصومانه جوابی نداد، چون به هیچ وجه میل نداشت آن حال خوش را با تفکر در باره دنیای دیگر خراب کند.

مادهاوا دوباره پرسید:

«اگر یک روز زنم در بهشت از من بپرسد که چرا برایش کفن نخریدم، چه بگویم؟»

«چرند نگو پسر!»

«اطمینان دارم که خواهد پرسید، پدر! از کجا میدانی که او را بی کفن می سوزانند؟ کی گفته که او کفن ندارد؟ تو خیال می کنی پدرت احمق است؟ آیا فکر میکنی من در مدت شصت سال عمرم هیچ چیز در این دنیا یاد نگرفتم؟ مطمئن باش او کفن خواهد داشت و حتی کفنی خیلی هم بهتر از آنچه ما می خواستیم برایش بخریم خواهد داشت.»

مادهاوا که دچار تردید شده بود، با استفاده به پدرش نگاه کرد و گفت:

«کی این کفن را برایش میخرد؟ ما همه پولی را که گرفته بودیم خرج کردیم و حالا این منم که مورد باز خواست او قرار می گیرم و باید جواب بدهم، این من بودم که وقتی با او ازدواج کردم مسؤولیت همه امور او را به عهده گرفتم.»

قیس ناگهان عصبانی شد و فریاد زد: «بتو می گویم برای او کفن تهیه می کنند چرا حرفم را نمی فهمی؟»

«پس بگو کی این کفن را برایش می خرد؟»

«همان هایی که دفعه گذشته برای زن من کفن خریدند، تنها فرقی که دارد اینست که این دفعه دیگر پولی به ما نخواهند داد.»

هر چه هوا تاریکتر میشد و ستاره ها درخشندگی بیشتری پیدا می کردند، مشروب فروشی هم بیرو بار ترمیشد، یکی از مشتری ها آواز می خواند، دیگری با صدای بلند حرف میزد و قسم میخورد، سومی رفایش را در آغوش می گرفت چهار می ...»

مستی و بیخبری تمام محوطه میخانه و حتی فضای اطراف آنرا فرا گرفته بود، در اینجا عده یی فقط با نوشیدن چند قطره مشروب مست شده بودند چون در حقیقت محیط میخانه خیلی بیش از مشروب مستی آور بود اینها را معایب زندگی باینجا کشانیده بود تا برای مدتی فراموش کنند که زنده هستند یا مرده و بالا اقل به غم های خود اهمیت ندهند.

پدر و پسر با خوشحالی به نوشیدن ادامه میدادند، تمام چشمها بروی آنها خیره شده بود، همه فکر می کردند که این دو نفر چقدر خوشبختند که یک بوتل پر را جلو خود گذاشته اند، بعد از آن تا میتوانند خوردند مادهاوا نان ها و شیرینی های باقیمانده را به گدای داد که دم در میخانه ایستاده بود و با چشمهای گرسنه بطرف آنها نگاه می کرد، او برای اولین بار در دوره زندگی خود لذت بخشیدن چیزی و خوشحالی و غرور ناشی از

آن را حس کرد.

قیس خطاب به گدا گفت:

«بگیر، بخور و بما دعا کن! صاحب این پولها و خوردنی ها مرده، اما دعای تو حتما به او خواهد رسید، با هر موی بدنت به او دعا کن چون این پولها را او با زحمت و مرارت بسیار بدست آورده بود.»

ما دهاوا بار دیگر به آسمان نگاه کرد و گفت:

«پدر! مطمئناً او به بهشت خواهد رفت، اینطور نیست؟ او به بهشت خواهد رفت.» قیس از جای خود بر خاست و مثل اینکه بروی امواجی از غرور و تکبر شنا می کند، گفت:

«بلی پسر! مطمئن باش که او به بهشت خواهد رفت، چون هرگز آزارش به کسی نرسید و باعث ناراحتی کسی نشد، حتی هنگام مرگ هم ذره یی ما را اذیت نکرد تا آخرین لحظه به فکر آرزو های قلبی ما بود، اگر او به بهشت نرود کی پرود؟ آن شکم پندیده هایی که در خون فقرا و بد بخت ها غوطه می خوردند و بعد در رود گنگ غسل می کنند و به معابد صدقه میدهند تا گناهانشان پاک شود؟»

حالا دیگر هر دو غمگین و نا امید به نظر میرسیدند، مادهاوا گفت:

«اما پدر! این زن بیچاره در چه جهنمی زندگی کرد، چقدر زجر کشید و با چه درد و مشقتی مرد!»

آنوقت صورتش را در دودست پنهان کرد و به تلخی گریست، قیس او را تسلی داد و گفت:

«چرا گریه می کنی پسر! بر عکس تو باید خوشحال باشی که از اسارت فانی این دنیا نجات پیدا کرد، او از غم ها و درد های خود آزاد شد، او خیلی خوشبخت بود که به این زودی قید اسارت زندگی را شکست و به آغوش خاک رفت.»

ناگهان هر دو از جا بلند شدند و شروع به خواندن آواز مذهبی معروفی کردند که می گوید:

«ای مایا، ای الهه تخیلات و رویا های فریبنده ما، نگاه آن چشمهای فسونگر و فریبنده ات را از ما بپوشان ...»

چشمهای همه مشتر بهای مست بروی این دو نفر که با خوشحالی و لبریز از مسرت و بیخبری مستی آوازی خواندند خیره شده بود، آنوقت پدر و پسر شروع به رقصیدن کردند، جست و خیز می کردند و چشمهایشان از حدقه در آمده بود با تمام نیرو یی که داشتند می گوشیدند عیجان و شور درونی خود را نشان دهند و در پایان از شدت مستی بروی زمین میخانه غلطیدند و مثل مرده بیحرکت ماندند.

پایان

ژوندون

هنر و ادب

تئاتر و ناهمگونی

پیوسته گذشته :

نخستین ریشه‌های تیاتر

به طور قطع نمیدانیم که او لین نما یشنا مه چه وقت نگاشته شده و لی شروع تیا تر را تا ۴۰۰۰ قبل از میلاد در مصر جستجو کسر ده میتوا نیم . مصر باستان ، قدیمی ترین کشوری است که نشانه های تیا تر از آن به دست آمده شو اهد و مدارك حا صله نشان میدهد که در مصر تیاتر بوده و این تیا تر در خدمت دین و آیین قرار داشته است .

سال ۱۹۲۲ در «ادو» معبد هوروس سنگ قبری پیدا شد که به هوروس هدیه شده بود روی سنگ قبر این جملات به چشم میخورد :
«من کسی بودم که هر جا اربابم می رفت در خدمتش می رفتم ، از آن چه بیان میکرد خسته نشدم ، همه جا و در هر چه میگفت ، نقش مقابله بودم ...» (۱)

از عبارات (بیان کردم) و (نقش بمقابله) دقیقاً ثابت میگردد که منظور تیا تر است . زندگی ، جنگ ، کشته شدن ، زندگی پس از مرگ مضمون تیا تر مصر را تشکیل میدهد .

((اتین دریو تون)) در کتاب خود که راجع به تیا تر مصر نو - شته قطعات شعری را به چاپ رسانده که یکی هم قطعه شعری

نما یشنا مه هایش جنبه مذهبی داشت و راجع به ارباب انواع و شمشیر ((ترای)) مینوشت . از جمله ۹۰ نما یشنا مه آشیل تنها ۷ آن باقی مانده است ، تسرا - ژیدی ((رومته)) ((قربا نیدهند - کان)) ، ((خدایان انتقام)) از مشهورترین آثار او است . (۲)

سو فو کل نما یشنا مه نویسی دیگر (۴۹۷-۴۰۵ ق.م.) که نما یشنا مه نویسی را به کمال رسانده بود ، آثارش برای ۲۵ قرن دیگر سر مشق قرار گرفته ، یعنی هیچ نما یشنا مه نویسی که مانند او دارای فکر بوده باشد نتوانسته است نظر خود را از نظر فن، مثل

او عاری از نقص بیان کند . نوشته اند که سو فو کل ۱۲۳ نما یشنا مه نوشته است عنوان ۱۰۰ تای آن هست اما ۷ نما یشنا مه او به طور کامل باقی مانده که همه به شعر بیان شده اند . مضمون تیا تر آشیل آیین و ارباب انواع و بعضاً اساطیر بود ، اما با سو فو کل در های جهان تازه به روی تیاتر یونان گشوده شد . تیا تر از آسمان ها به زمین بازگشت یعنی تیا تری که سو فو کل عرضه کرد ، قصه گوی زندگی عادی مردم آن زمان بود . تیا تر سوفوکل حاوی چند چیز بود :

- ۱- انسان تنها رها شده ، باید خودش را باز بشناسد ، واوست که مرکز نقل نمایی است .
- ۲- انسان به دنبال کشف حقیقت راه می افتد ، ابرها را می شکافد و پیش میرود .

بقیه در صفحه ۵۰

- ۱- ایرج زهری ، ((تیا تر در مصر باستان)) ، تما شیا ، ۱۲۸۶ سال ششم (۱۳۵۶) ، ص ۲۴ .

- ۲- پیرامه تو شار ، ص ۶ .
- ۳- ام تنگ فرام ، تاریخ تیا تر ، ترجمه عبدالحق واله ، اکا پل (بیسقی) ، ص ۴۳ .



صحنه ای از نمایش اودیپ شهریار - اثر سوفوکل

دهر مندر هنر مند پر آوازه سینمای هند



های «تگ و تکمار» «خشم خلق» «ارباب بونستلا»
«ونوگرش مانی» «شریت غیرت» «عاطفه» «طیب»
«اجباری» «میرزا قلم ها» «سلما و بهرام»
«پشیمان» «رسوایی» و دیگر نمایشنامه ها موفقانه
درخشیده است. در نمایشنامه مرد عجیب که
فلا در افغان ننداری تمرین می گردد یکی از
نقش هارا به عهده دارد دیده شود که آیا
گردش مثل همیشه موفق خواهد بود یا خیر؟

الکساندر لازاریف چهره شناخته شده و محبوب سینما و تیاتر اتحاد شوروی

جوان خوش بر خور و جندی است ازدواج نموده و یک پسر دارد بعد از اینکه تیاتر هنری مسکو بنام ((گورکی)) را تمام نمود با تیاتر مایاکوفسکی شروع به همکاری نمود. از کار تیاتری وی می توان از نما یشنامه ((انسانی از ارمانچی)) یاد کرد. کاروی در سینما از سال ۱۹۶۱ شروع میشود از فلم های ((شمال



الکساندر لازاریف

ستارگان

افسانه

ساز

ترجمه وافی

هنر مند یکه نقش هایش را با مهارت بازی میکند

نعمت الله گردش یکی از خوبترین اکتور های جوان افغان ننداری به حساب میاید. نقش های زیاد را با مهارت بازی نموده است.

جوان با استعداد است و همیشه در اجرای نقش هایش خیل عمیق می شود در نمایشنامه

دهر مندر یکی از هیرو های موفق سینمای هند است در کابل اکثرا او را می شناسند و فلم های زیادی را بخاطر دارند که نقش های اول آنرا بازی نموده است. از جمله فلم های «پلک میل»، «مادر»، «سیتا و گیتا»، «یادون کی بارت»، دوست و فلم آزاد که چند قبل از طریق تلویزیون به نشر رسید. هما مالینی از جمله اکتوریس های خیلی ماهر و باکر کتر د هر مندر است چنانچه در فلم آزاد نیز نقشی مقابل وی را داشت و در فلم مشترک اتحاد شوروی و هند د هر مندر نقش «علی بابا» و هم مالینی در نقش پرنسس مرجان و نقش فاطمه را زینت امان بازی میکند.

نمره همکاری مشترک سینمای هند و شوروی چند فلم خیلی عالی بوده که از جمله می توان فلم «مسافر» و «میرانام جوکر» را یاد کرد.

درین اواخر استودیوی فلمبر داری «ازبک فلم» اتحاد شوروی باز هم فلم مشترک با هند تهیه کرد که خیلی مورد توجه واقع شد در بین مردم از زمانهای خیلی قدیم افسانه خیلی جالب راجع به «علی بابا» مرد دوست داشتنی، مهربان و هوشیار رواج دارد رئیسو ران معسوف جهان چندین بار به این افسانه رجوع نموده و فلم های از آن ساخته اند. در فرانسه نقش علی بابا را اکتور فرانسوی فرناندیل بازی کرد که خیلی مورد توجه واقع شد. در جاپان از روی این افسانه فلم کار توئی ساخته شد که سالها تما شا چس داشت.

اینک از نو این افسانه روی پرده جان می گیرد و رئیسو معسوف شوروی لطیف فیضی یفواو میش میراسازندگان آن می باشند. واکتوران هندی و شوروی آنرا ماهرانه بازی می کنند.

سینما شد خواهرش برای بازی در فلمی انتخاب شده بود و او کاترین را که شانزده سال داشت باخود آورده بود. امتحان موفقانه گذشت. البته ز یادتر به مفساد دینوی کوچک. کاترین در چندین فلم حصه گرفت که این فلم ها چندان مورد توجه واقع نشد اما کاترین را همه پسندیدند. اوژه وادیم و ژیسور معر و فرانسه از کاترین دعوت کرد تا در فلمش حصه گیرد و این فلم خیلی مورد توجه واقع شد اما فلم های دیگر بود که کاترین را به شهرت جهانی رساند مخصوصاً (چتری از شیر بزرگ و گلپای میسی) کاترین هر نقش را خیلی ماهرانه و متفاوت بازی می کند.



دهرمندر وهما مالینی در یکی از نقش های سینمایی

کاترین دینو ستاره زیبای فرانسوی



بیاتی تیشکیو یچ ستاره طناز

سینمای پولند

بیاتی از جمله آن عده اکتیس هاست که در اجرای نقش هایش موفق است. وی عقیده دارد که اکتور ورژیسور باید مستقل باشند و حتمی نمیدانند که اکتور حتما باید برای ورژیسور نظر بدهد. برای وی خوبتر این ورژیسوریکه تا حال همکاریش بوده اندری میخا لکوف کاینجسلو-فسکی است، فلم های «اماوانیا»، «آشیانه اشرف» «حماسه يك عشق» آسیه از ساخته های این ورژیسور موفق است که مورد استقبال مردم هنر دوستان تمام جهان واقع گردیده است.

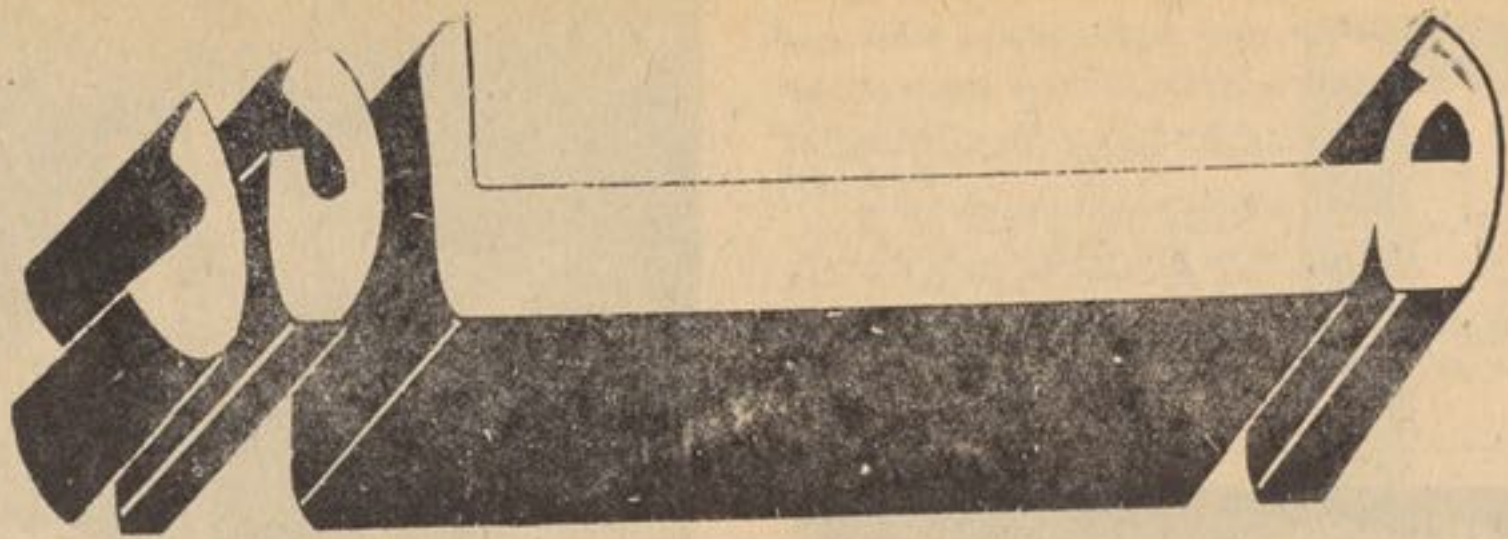
این ورژیسور اکتور را چنان رهنمایی می نماید که اگر اکتور نقش عاشق را داشته باشد او در حقیقت عاشق می شود.

اندری میخا لکوف ورژیسور دقیق و سختگیر است هر آنچه به اکتور میدهد از وی تقاضای ارائه آنرا دارد او زمینه را قسمی مساعد می سازد که فضای صمیمیت و اعتماد بین اکتور و ورژیسور بوجود بیاید و در نتیجه تما شاجی زندگی واقعی را روی پرده می بیند.

بیاتی عقیده دارد که تا حال آنچه دلش می خواهد نتوانسته بازی کند اما آنچه نخواست بازی نکرده است.

چندی قبل فلم مقبول فرانسوی بنام «وحشی» را از طریق تلویزیون تماشا کردیم. نقش اول این فلم را زیباروی فرانسوی کاترین دینو بازی نموده بود.

کاترین دینو از جمله اکتیس های خیلی خوب سینما بحساب می-آید که استعداد و زیبایی اش برای کامل شدن هنرش کمک کرده است. کاترین خیلی ساده داخل جهان



يك داستان واقعي

نوشته: اما لکنسیکيا

ترجمه: آ.ف.

نزد يك شهر كه با يلو رو سي
ژودينو مجسمه يی بر پا ست. از
يك مادر وطن پرست شوروی.
مودل اين مجسمه بر ای ما در
انستازيا کو بر پا نوا بود. او پنج
فرزندش را به جيبه فرستاد:
پنج فرزندش هرگز بر-
نگشتند.

انستازيا گمان برد كه طبيبان
از حالت قلبش نا را ضی اند
آنان يك آمبول و مقدار زي دوا
برایش داده بودند و او بدون
هيچ حرفی آنها را گرفته بود.
ميل داشت برود. ولی معلوم
می شد دكتوران هيچ شتا بی-
به گرفتن تصمیم ندادند. فشار
خون و تعداد ضربان نبضش را
گرفته بودند.

با داستان چرو كیده اش شال
سياهش را محكمتر بپچید. اين
شال را ديروز بر داشته بود
تا هنگام ديدار فرزندانش بپوش-
شد. و نگاه های مشوشی به
ساعت پدر کلان انداخت. روز
پيشتر دختران و بچه ها از مكتب
نزديك خانه آمده بودند تا به او
بگویند كه فرزندانش كنار سر ك
استاده بودند.

چرا نمی گذاشتند برود؟ آیا
این مردم با بالا پوش های سفید
واقعا نمیدانستند كه اگر نگذارند
به ديدار فرزندانش برود قلبش
زودتر از تپش می ایستد؟

مردم شهر شنیده بودند كه
آمبولانس دم خانه انستازيا
ایستاده و هر آن بيتا با نه
انتظار خبر تازه یی را می کشیدند

كنار سر ك استاده بودم واحساس
س كردم كه موج جمعيت به
جلو پيش رفت و بعد ناگهان به
عقب برگشت تا برای انستازيا
زيرا راه باز شود. و انتظینا-
تريشكوا شتابزده پيش رفت تا
انستازيا را ملاقات كند. او را
به آغوش گرفت و كمكش كرد
تا از راهروی كه جمعيت برايش
باز گذاشته بودند عبور كند.

از همان روز هایی كه انستازيا
را شما ختم بيوسته فكر می-
کردم اين زن شكستنی اين همه
طاقت را از كجا آورد است؟

وقتی مردم از يك خانه نواده کلان
گپ می زدند من همیشه در خست
تنو مندی را تصور می كنم كه
ریشه هايش با استوارى در زمین
فرورفته است. درخت كو بر-
يانوف شاخه های محكمی داشت:
پنج پسر و يك دختر. همه
تنو مند. مهربان و قشنگ
بايد آن درخت می گرفت تارشد
كند. بر كهپاش سينگر دو و
برای مردم شادمانی آورد. اما
جرقه سياه برید.

وقتی خبر مرگ آخرين وجوه-
نترين فرزند رسيد، همسا يگان
با هراس به آشپان نيمه و يرق
انستازيا نگرينستند. آنسان
احساس كردند كه بايد بروند
و آرامش سازند اما پا های شان
توان رفتن نداشت - كلمه يی
نبود كه با آن غم مادر را تسكين
دهند و درد لعنتی را كسا هش
بخشند.

او بعد از پنج روز از انزوا بر

آمد. موهايش از غم سياه. سفيد
شده بود.

در دهكده های با يلو رو سي
معمول است كه تصو يسر
نزد يکترين و گرامی ترين
بستگان خود را زير دستمال های
گلدوزی شده. روی دیوار
می آویزند. چه به سفری دور بروند
و چه جنگال هر ك گر بيان شان
را بگيرد. همه زير آن سقف می
مانند. مثل اينكه هرگز خانه مادر
را ترك نگفته باشند.

انستازيا. فرزندانش.
استين. ميخايل. ولاديمير و
بيو تر را اينچنين پيش خود
نگه داشته بود. جایی كه می-
بایست عكس كلا نترين فرزند.
نيكولای او يخته می بود. خالی
بود.

جنگ آنها از میان برده بود.
كو بر يانوف های جوان تکه
باريکی زمین داشتند كه پدر گر-
يگوری برايشان داده بود.

انستازيا با زهم شاد و سر بلند
بود: خانه نواده اش تا جاز بود ند
برای زمینداری کار کنند و از خود
زمینی نداشتند.

ملاقات گر يگوری جوان برای
انستازيا شاد پيخش بود.

او شوهری خوب و پدري
مهربان بود. حتی در خشك سالی
هنكا ميكه تکه زمین شان حا-
صل خیلی كم داشت او نگذاشته
بود خانه نواده اش نا اميد گردد ند
در هنگام بهار نيم نان شان
سبوس بود ولی خوشحال
بودند.

ولی اين خوشحالی دو امي
نکرد. جنگ اول جها نسی
كلمه تر سناك و نا آشتی ((آماده
باش)) را در دهكده بخش نمود
زنان و كودكان می گر يستند
و مردان گر دهم می نشستند
خانه شان سكرت دود می كردند.
ترنی كه سپاهيان را از
استيشن كو چك ((ژودينو)) انتقال
می داد زوزه می کشيد.

بعد نوبت اعزام گر يگوری
رسيد. او از انستازيا خواست
تا مرا قب بچه ها باشد و وعده
داد كه بر گردد.

او به وعده اش وفا كرد ولی
ديري درين جها ن بید. او بر-
گشت در حاليكه زخمی علاج نا-
يد بر داشته بود و تنه اش
چشمانش مثل گدشته بر چهره
افسرده اش متبسم بود. سر
انجام شمع زنده گی او خاموش
شد.

دو مين شادمانی انستازيا
بچه هايش بود ند كه هر يك
جای بخصوصی در دلش داشتند.
بچه او لباريش. نيكولای
پس از مرگ پدر به مادرش كمك
كرد تا بچه های ديگر را كلان
كرد.

وقتی انستازيا به جای خالی
عكس او می دید گفتي بر چهره اش
می نگر. مادر می گفت:

((او جوانی آرام و مهربان
بود. برادرانش همیشه دور او جمع
بودند. با دختری از دهكده ديگر
عروسی كرد. همسرش ز نسی

کارگر و خانه دار خوب بود. او نخستین نوا سه امرا بدنیآ آورد.))
فرزندانش از روی دیوار بر
چهره مادر می نگرستند.
«استیپین هرگز خاموش نبود
يك لحظه هم آرام نمی نشست
وقتی بزرگ شد در مزرعه
هیچکاری برایش سخت نبود
خیلی خوب درو میکرد.))
شادبخت ترین شام هایش
و قتی بود که فرزندان نشو در
چراغ تیلی جمع می شوند.
خواهرشان آنیا بلند بلند
کتاب می خواند و دیگران گوش
می دادند. وقتی تیل چراغ تمام
می شد از مادر می خواستند بر-
او در اندوه فرزندان نشو غرق
بود. گاهی آنان شبانه می

آمدند و چون می خوا بیدند او جا-
مه های شان را پیوند می زد
گاهی برای آنکه از فریاد زدن
خود مانع گردد.
للهای فکا می خواند.
مصیبت دم دروازه رسید. بود
همینکه ولادیمیر در آستانه در
ظاهر شد، مادر فهمید که حادثه
بی رخ داده است، دنیاییش چشمش
تاریک شد. میخائیل مرده بود.
دسته یی از یاران ها از
ماوریت برگشته بودند. آنان
فیصله کردند که جنگ نکنند
میخائیل در عقب از آنان مراقبت
می کرد. او هدف تیر نازی ها قرار
گرفت و بیوش و گرفتار شد
نازی ها یار تیزان جوان را ط-
لمانه شکنجه دادند به امید آنکه

سهای شان را می شست. او
در همه مصائب و سختی های
جنگل سهم می گرفت تا روزی که
تاتارهای ستاره نشان به ژودینو
وارد شدند.

در تابستان ۴۴ انستازیا و
فرزندان به ویرانه سر منزل
خویش بازگشتند.

تبا می همه جا را فرا گرفته
بود. وقت برای نوسازی کلبه
نبود. جنگ هنوز تمام نشده
و صرف به غرب را ندیده شده
بود. فرزندان انستازیا در
مقابلش استاده بودند از او
دعای می خواستند.

مادر در حالیکه گرد مجسمه ها

نقاب سفید به آهستگی پایین
افتاد و فرزندان نیرومند
و جوانش ظاهر شدند که
با مادر و داغ می کردند.

از مجسمه ساز بشنوید: روزی

انستازیا به دیدار مجسمه آمد
با لحن مهر بان و واقعی گفت:
پیترا، کلاهت را بپوش! سرد
است.

انستازیا يك زن اجتماعی
بود همیشه جوانان و شاگردانی
که به فرزندان شباهت داشتند
یا در قطعات آنان کار میکردند
مورد تفقد او قرار می گرفتند.

مردم از سراسر کشور با او



ایشان افسانه بگوید.
((مردم دهکده میخائیل
مرا مغول صدا می کردند. شاید
به خاطر بروت هايش بود، یا
ازین سبب که همیشه به منچو ریا
سفر می کرد، زیرا تکت فر و ش
آن تر بود.))
هیچکس نمی تواند از غبار تیره
غمی که جنگ به همراه دارد بگری-
یزد. يك جنگ شوهر انستازیا
را از و گرفت و جنگ دیگر بچه
های بزرگش را. آنان همینکه یو-
نیف ورم های سبز یار تیزانی در
جاده های ژودینو ظاهر شد
به یار تیزان ها پیوستند. کلبه
شان سوخت و انستازیا پایتیر به
یک چپری کوچک منتقل شد.

درباره کمپ یار تیزان ها
معلوما ت دهد و لی بیپو ده
بود.
یار تیزان ها از مرگ رفیق
قهرمان خویش عمیقاً اندوهگین
بودند. کمیساران را فرا
خواند و گفت: ((جرات، شبها-
مت و وطن پرستی میخائیل به ما
الهام می بخشید و یاد او در دل های ما
زنده می ماند.))
چندی بعد پیترا گرفتار وزندانی
شد و بعدا به جرمنی فرستاده شد
ولی فرار کرد.
پیترا به مادر گفت که آنها به
جنگل خواهند رفت و انستازیا
از آن پس مادر یار تیزان ها شد.
او برای شان غذا می پخت و لباس

می گشت فرزندان بر نزی اش را
خطا می کرد: ((چند وقت می
شود شما را ندیده ام؟)) حالا
همه یکجا بودند: نیکولای که در
آزادی بودند گشته شد، استیپین
که در پو لند دفن گردید، میخائیل
تیل که در شکنجه نازی ها جان
سپرد و پیترا که در جنگ لتوانیا
به قتل رسید و ولادیمیر که بر اثر
زخم های در خانه مرد.
اشک از چشمان انستازیا
فرو غلتید اشکی که سالها
نگهداشته بود. از آن به بعد
انستازیا غایب از دید مجسمه
های بر نزی فرزندان دید می
شد.

تماس داشتند و هر سال روز
تولدش را تبریک می گفتند و به
او تحفه می فرستادند. در ۱۰۷
سالگی او، اعضای سازمان جوانان
برای اظهار تبریک به
ملاقات او شتافتند.
در مراسم تدفین انستازیا
تمام مردم شهر شرکت کرده
بودند.
حالا هم در کنار سر انستازیا
زیارا می بینید که مراقب فرزندان
ان خویش است. چنین است
رسم جهانی: فرزندان مادر را
سرگردان رها می کنند و مادر
وفا دار و چشم به راه می ماند.
((ترجمه از مجله ادبیات
شوروی))

کلار از تکین

بنیانگذار روز جهانی زن

کمیتة های مختلف را برای رهنمای زن به میان آوردند و گروه های مختلفی برای سرپرستی و محافظت اطفال بوجود آوردند تا بدین وسیله به زنان و مادرانیکه بکارهای بیرون خانه اشتغال دارند یاری نمایند.

کورس های سواد آموزی در کارگاه های کارگری و در مزارع برای کمک زنان بیسواد تشکیل گردید و در پهلوی آن کورس های دایر گردید تا به زنان دانش سیاسی بیا موزد و زنان را در امور اجتماعی و سیاسی آگاهی کامل بخشد.

در این زمان کلار از تکین رساله یی تحت عنوان پرتسبب های تربیت اطفال و نو جوانان را انتشار داد این رساله با شور و شوق فراوان زنان کارگر رو برو شد.

کلار از تکین و دیگر هورا هاش که در زمان پرتلاطم آمادگی امپریا لست ها برای ایجاد جنگ خانمانسوز جهانی بسر میبردند پیش میتوانستند به روشنی نتایج و خیم جنگ و حوادث خونین آنرا برای زحماتشان که بار اصلی جنگ بدوش شان بود تصویر نمایند. بدین جهت بود که از طریق کورس ها و کمیتة های مختلف بزنان در مورد جنگ و نتایج آن آگاهی میدادند و بدین وسیله زنان را به نیروی بزرگ مقاومت در برابر دسایس جنگ طلبان تبدیل نمودند و هم بوسیله همین زنان بود که صدای استحکام صلح جهانی و مبارزه علیه جنگ بلند گردید.

در سال ۱۹۰۷ کلار از تکین در اولین کنفرانس بین المللی زنان سوسیالیست اشتراک و در سال ۱۹۱۰ در دومین کنفرانس زنان سوسیالیست منعقد گویسپان که در آن در حدود صد نفر زن از هفت کشور اشتراک نموده بودند شرکت ورزید. همین کنفرانس با اساس پیشنهاد کلار از تکین روز هشتم مارچ را بحیث روز همبستگی بین المللی زنان جهان برسمیت شناخت و بر اصل مبارزات وسیع زنان جهت کسب حقوق سیاسی و اشتراکشان در مبارزات انتخاباتی صحه گذاشت.

در سال ۱۹۱۱ در کشور های آلمان، استرالیا و فرانسه روز هشتم مارچ تجلیل گردید که در آن بیش از یک میلیون زن و مرد برای خواست های صنفی زنان به تظاهرات پرداختند بقیه در صفحه ۴۵

کارگر به اندیشه های او علاقه خاصی پیدا کردند. در یکی از این نشریه ها کلار از تکین بزنان چنین خطاب نموده بود: «زنان آگاه و مبارز، شما در ابتدای کار با مشکلات و موانع بیشمار در راه آرمان های تان برای صلح و همبستگی و اتحاد زنان مواجه خواهید بود. شاید جلب زنان پائین امر برجسته، در ابتدا معهود باشد ولی رسیدن باین پیروزی مبارزه خستگی ناپذیر می خواهد بشکار داشته باشید و موفق حساس خود را در شکل جامعه و نقش انگیزنده خویش را در فامیل و خانواده فراموش نکنید بیا خیزید و در راه زندگی بهتر و جامعه نوین مبارزه کنید»

در نتیجه بخش نظریات و اعتقادات وی بود که زنان در جاهای مختلف از شهرها و قریه ها گرفته تا دستگاه های کارگری و مزارع

کارگر عضو کنفرانس مواجه گردید. کلار از تکین و روزالوکزا میورگ زن مبارز و برجسته جنبش کارگری آلمان در سال ۱۹۰۰ در کانگرس بین المللی زنان سوسیالیست اشتراک نمودند درین کانگرس در پهلوی پیشنهاد و طرحهای مهم دیگر طرح مبارزه مشترک زنان در راه پشتیبانی از صلح جهانی و مبارزه علیه ارتجاع و امپریا لیزم بین المللی که در تدارک هسته های جدید جنگ بودند. نظر اشتراک کنندگان در کار کانگرس را جلب نمود و به آن توجه جدی صورت گرفت. بعد ازین کانگرس با آنکه کلار از تکین بلافاصله موفق نگردید تا همبستگی بین المللی زنان را تأمین نماید ولی افکار وی به صورت نشریه ها و جزوات کوچک در سراسر جهان بین زنان کارگر بخش و گسترش یافت و زنان



هدف مقدس این زن مبارز ایجاد جنبش بین المللی زنان جهان در راه صلح و ترقی اجتماعی بود.

کلار از تکین از برجسته ترین رهبران جنبش کارگری آلمان و یکی از بنیاد گذاران اصلی جنبش بین المللی زنان است که در پنجم جون ۱۸۵۷ زاده شد و در ۲۰ ژوئن ۱۹۳۳ درگذشت. کلار از تکین تمام زندگی آگاهانه خود را در راه مبارزه به خاطر آزادی زحماتشان بویژه زنان وقف کرد او با این اعتقاد که بدون شرکت برابر و فعال زنان، که نیمی از بشریت را تشکیل میدهند نمی توان جامعه ای آزاد و خوشبخت بوجود آورد و هم باین اعتقاد که فقط در جامعه مترقی میتوان آزادی و برابری واقعی زنان را تأمین کرد. در این بیکار عادلانه و آزادی بخش شرکت جست کلار در سال ۱۹۱۰ در کنفرانس بین المللی زنان سوسیالیست پیشنهاد کرد که روزی به عنوان روز بین المللی زن تعیین گردد. هدف از این پیشنهاد آن بود که هرچه بیشتر به جنبش زنان خصلت بین المللی داده شود و بدین وسیله بیکار در راه آزادی و برابری حقوق زنان را اثر بخش سازد.

کلار از تکین بیشتر از ۴۰ سال بهترین روز های زندگی اش را برای مبارزه در راه هدفش که ایجاد جنبش بین المللی زنان جهان در راه صلح و ترقی اجتماعی بود وقف کرد. با آنکه وی رسیدن باین هدف را دشوار میدانست ولی با ایمان و اعتقاد یکه باین اصل داشت بیسراس در این راه گام گذاشت و آنقدر جسورانه راه پیمود که تعداد زیادی از زنان مترقی و همزمانش نتوانستند از تعقیب راه او نظره برونند. کلار از تکین در جون ۱۸۸۹ زمانیکه ۳۲ سال داشت در کنفرانس کارگری منعقد گویسپان به حیث نماینده زنان کارگر برلین اشتراک کرد و در این کنفرانس با صراحت اظهار کرد که اشتراک هرچه بیشتر و وسیعتر زنان در امور تولیدی و اجتماعی یک امر کاملاً ضروری است. وی همچنان در این کنفرانس در مورد اشتراک زنان در احزاب سیاسی و اتحادیه های کارگری تأکید جدی نمود. طرح ها و رهنمود هایی که بوسیله کلار از تکین در کنفرانس تقدیم گردید با استقبال پر شور زنان

هشت مارچ یاروز همبستگی بین المللی زن



آن زنان رزمجوی فرانسوی در محلات کارگری
تظاهرات پر شگوهی رادر شهر پاریس در
مخالفت با دستگیری (روزالوکزامبورگ) زن
شجاع و مبارز آلمانی برآمده بودند و خواستار
آزادی هرچه زودتر روز الوکزامبورگ ازدولت
آلمان شدند.

در فاصله بین دو جنگ جهانی شعارهای
زنان صراحت بیشتری کسب نمود و نسبت
زنان بخصوص در فرانسه و آلمان باوج خود
رسید. و دامنه مبارزات زنان جهت احیای
حقوق شان و وسعت بیشتری یافت ولی با
تسلط فاشیسم در آلمان روزهای تاریک فرا
رسید و سایه شوم جنگ بر فضای کشورهای
جهان و بخصوص بر فراز اروپا گسترده شد
و در همه جا با خود مرگ و نیستی ترور و اختناق
را به ارمغان آورد که در آترو خشکسای های
نازیسم میلیونها انسان و کودک به خاک و خون
کشیده شدند.

از آنجاییکه زنان همیشه پاسدار صلح بوده اند
و میدانند که سعادت و آسایش کودکان شان
تنها در شرایط آرام و صلح آمیز می تواند
تأمین شود، باز هم شجاعانه سر تسلیم فرود
نیارودند و در مبارزات و مقاومت علیه نازیسم
فعالانه شرکت ورزیدند که نبرد قبرمانانه و
افتخار آفرین شان در اذهان تمام مردمان
صلح دوست و در صفحات زرین تاریخ نبرد
های عادلانه بشری جاودانه ثبت است. و اینک
نمونه از وحشیگریهای قاتلین بشریت را
برای شما یادآوری می کنیم:

دیوانه های هتلری این آدمکشان خون آشام
در ماه جنوری ۱۹۶۶ در راونسبرگ یک
گروپ نیروی مقاومت متشکل از چهار زن
فرانسوی، چهار زن انگلیسی، یک زن چک و یک
زن شوروی را بدار آویختند، اما هرگز
نتوانستند فریاد رسای آزادی و همبستگی را
خاموش نمایند و همانطور یک خون زن چکی
زن شوروی، زن فرانسوی و زن انگلیسی در
مبارزه علیه دشمن مشترک شان در سنگر
مشترکی ریخت نتیجه این پیکار مشترک ایجاد
فدراسیون دموکراتیک جهانی زنان در اول
دسامبر ۱۹۴۵ در پاریس توأم شد. جنبش
توده ای زنان با جنبش دموکراتیک جهانی
اهمیت بزرگی را در پیروزی جنبش عمومی
دموکراتیک کسب نمود.

در اغلب کشور هادر روز هشتم مارچ
جلساتی را بر پا میدارند کارهای یکساله
پیروزی هاو ناکامی های خود را ارزیابی می
کنند و نقش خود را در نهضت عمومی دموکراتیک
و در جامعه خویش محاسبه می نمایند. و طرق
نوین را برای موثر گردانیدن اشتراک خویش
در این نهضت جستجو می نمایند.

بدین جهت می توان به اهمیت روز جهانی
زنان نه تنها از لحاظ رشد جنبش برای وحدت
و همبستگی زنان بلکه از لحاظ اهمیت اشتراک
آنان در مبارزه عمومی مردم پی برد.

اگر چه سال ها قبل علایق زنان عمدتاً
بقیه در صفحه ۴۴

کرد امر به آتش بستن مردم بیگناه پاریس
داده شد.

یکبار دیگر زنان به مثابه مادران پیا خاستند
و موضعگیری قاطع و سر سخته در برابر این
دستور از خود نشان دادند، آنها عساکر را
متوجه وظایف وطنپرستانه شان در برابر
فرانسه نمودند. و بدین وسیله مانع به خاک
خون کشیدن باشندگان پاریس شدند.

همچنان تاریخ مبارزات شجاعانه ده هزار
زن از خود گذر فرانسوی رادر کمون پاریس
(اولین قیام کارگران فرانسه برای بدست
گرفتن قدرت سیاسی) هرگز از یاد نخواهد
برود همیشه رزم دلیرانه این زنان پیکار جو
را با افتخار و احترام یاد خواهند کرد.

بالاخره در اثر پیشنهاد گلاراز تگین زن
رزمنده آلمانی در دومین کنفرانس زنان سو-
سیالیست منعقد کوبن هاگن هشتم مارچ
به خاطر یاد بود از زنان قربان شده کوره راه
های نا منکشف پیکار و مبارزه برای آزادی،
برابری، صلح و ترقی توسط زنان متری
جهان پذیرفته شد و برای اولین بار در سال
۱۹۱۰ این روز توسط زنان امریکا و آلمان
تجلیل گردید.

زنان روسیه تزاری هشتم مارچ رادر سال
۱۹۱۳ با فریاد «سرتگون بادچنگ» مارشکنان
در جاده های شهر تجلیل نمودند و قاطعانه
مخالفت خود در را با جنگ این وسیله
تباهی بشریت اعلام نمودند، و یکسال بعد از

کارگری بود که بیش از سی سال منبع کارآرزان
صاحبان آزمند صنایع نساجی را تشکیل میدادند،
به راه انداخته شده بود.

هنگامیکه تظاهر کنندگان به مرکز شهر
رسیدند با مقاومت غیر انسانی پولیس برخوردند
و مظاهره مسالمت آمیز ایشان بشکل وحشیانه
سرکوب گردید و عده هم بدست دژ خیمان اسیر
شدند اعتراض اتحادیه کارگران مردان درین
زمینه با بی اعتنایی مقامات حاکمه مواجهه
گردید ولی سه سال بعد از این واقعه کارگران
نساجی پس از تلاش های پیگیر و خستگی
ناپذیر موفق به ایجاد اتحادیه خود شدند و به
اتحادیه ملی کارگران پیوستند.

از آن تاریخ به بعد مردم جهان شاعر
مبارزات پر شور زنان در امریکا و کشورهای
اروپایی بودند که به موفقیت های کوچکی نیز
نایل آمدند به دست آوردن حق رای برای زنان
بتاریخ هشتم مارچ ۱۸۷۸ در یکی از ایالات
شاهد خوب این ادعاست و این حق به زودی
در سایر ایالات امریکا نیز بزنان اعطا گردید.
در همین هنگام در لندن استوارت میل در
مقابل مجلس عوام در باره حق رای زنان
بیانیه ایراد کرد که در نتیجه آن زنان مالیه ده
انگلیس حق اشتراک در بلدیة هارا به دست
آوردند و این شکست کوچکی بود در دیوار
ضخیم امتیازات طبقات مرتجع حاکم، در سال
۱۸۷۱ زمانیکه امپراتوری فرانسه قرار داد
متارکه یعنی در واقع تسلیم را با پروس امضا

از هشتم مارچ به مثابه روز همبستگی جهانی
زنان و به مثابه روز برافراشتن درفش پیکار و
اتحاد به خاطر صلح و دوستی، به خاطر ترقی
اجتماعی و استقلال ملی، به خاطر دموکراسی
و برابری حقوق زنان و سعادت آینده کودکان
شان، در سراسر گیتی بوسیله درفشداران
صلح و عدالت تجلیل صورت می گیرد.

ولی باید دید که این حرکت مسالمت آمیز
انقلابی چه راه های پر خم و پیچی را پیمود
و چگونه از آزمون تاریخ پرافتخار پیروزمانده
سر بلند نمود، که اکنون نیروی آنرا در همه
جامیتهای احساس کرد و عظمت آنرا از گران
ناگران میتوان درک نمود.

باید دید که چه نیرو و شپامتی در وجود
پیش روندگان و قربان شده گان این روز
پرافتخار تاریخی نهفته بود که قهرمانان در
برابر دژ استبداد مقاومت کردند و این پایداری
را تا سر حدی رسانیدند که دشمنان نهضت
زنان را سخت بهراس انداختند.

بتاریخ هشتم مارچ ۱۸۵۷ حادثه بس عجیب
توجه باشندگان شهر نیو یارک را به خود جلب
کرد. گروهی از زنان در حالیکه لباسهای کهنه
کارگری بتن داشتند جاده های شهر را با
شعارها، مارشکنان عبور نمودند: «ما مزد-
های مناسب می خواهیم! ده ساعت کار در
یکروز عادلانه نیست» این اولین مظاهره زنان

قبال کودکان خانواده ها و اجتماع دارد بیشتر میتوان پی برد . یکی از وظایف اساسی مدرسه آماده کردن کودک برای زندگی اجتماعی و دوران بلوغ و پرورش قدرت شرکت در فعالیتهای دسته جمعی و معاونت و همکاری بادیگران و بالاخره ایجاد روح ساز گاری با محیط بزرگ اجتماعی است .

بنابر این مدرسه باید مرکز کوششهای فراوان برای نشان دادن حقایق امور و آماده کردن کودک برای برخورد های آینده با افراد و با همه اجتماع بالاخره ایجاد حس ساز گاری در جامعه باشد .

نا ساز گاری با محیط جدید: گرچه مدرسه از عوامل موثر ضد جرم به شمار می آید و اسلحه

برنده ایست که بخوبی میتواند با اعمال بد و زشت مبارزه کند ولی ناگفته نماند که اگر روشهای صحیح و مد برانه ای بکار برده نشود و بطریقی که لازمست عمل

— وظیفه مکتب: با توجه به قدرت مدرسه که از آن یاد شد بوظیفه خطیری که در



اطفال امروز

اهمیت مکتب و مدرسه

روان شناسان معتقد اند که یکی از قدرتهای قابل ملاحظه ای که قضایای ضد اجتماعی را در کودکان نا بود میکند مدرسه است . این نظریات يك واقعیت بسیار بزرگی را بیان میکنند چون کودک پس از یاد گیری آنچه که از اطرافیان خود در محیط خانواده مشاهده نموده است به محیط دیگری مانند مدرسه انتقال میدهد و از آن جا روشهای جدید را فرا میگیرد . در این محیط که اولین گام بطرف تطابق با اصول و مقررات اجتماعی است کودک میتواند بخوبی راه ساز گاری با افراد مختلف، گروههای گوناگون و اجتماع را بیاموزد .

مدرسه یکی از اولین محیط های اجتماعی است بدون آنکه اراده کودک در آن دخیل باشد باو تحمیل میگردد . در این محیط است که او با زندگی اجتماعی باید خو بگیرد و با افراد نا آشنا و بیگانه غیر از خانواده تماس حاصل نماید . بر حسب مطالعه ای که درین مورد صورت گرفته بخوبی اثبات شده است که اطفال با محیط نسو بیشتر از بزرگ سالان خود مانعی می شوند و عادت می کنند چنانچه محیط مکتب و مدرسه یکی از جا و مکانی است که بعد از چند روزی

واقعاً محیط واقعی زیست کودک را می سازد . قدرت مدرسه یا مکتب یکی از قدرتهای بسیار بزرگی است که تأثیر عمیق و نفوذ کننده اش در زندگی کودک میگذارد بر هیچکس پوشیده نیست زیرا نقش حیاتی و اساسی که در پی ریزی و ساختن بنای آینده او ایفا میکند میتواند از کودک انسانی کاملاً سالم و ساز گار یا بالعکس بیمار و متمرّد و مخالف اصول و موازین بسازد .

امروز کلیه محققان معترفند که مدرسه بخوبی قادرست که روح و روان کودکان را در حیطه ای قدرت خود بیاورد و وجود شان را بطور کامل تسخیر کند بنابر این مدرسه اگر از محیطی سالم بر خوردار نباشد محقق است که بسادگی کودکان را بکج رفتاری وامیدارد و با گمراه کردن آنان بسقوط شان در ورطه بد بختی کمک میکند در حالیکه اگر محیط مدرسه سالم باشد و روشهای صحیح تربیتی عملی شود بخوبی میتواند انسانی خوب درستکار و سالم تحویل اجتماع دهد .

بهمین جهت زیلیک اتریشی معتقد است که یکی از عوامل قدرتمند باز دارنده و درعین حال موثر در ایجاد جرم تربیت در مدرسه است .



مصرفیتهای سالم برای کودکان

که آنها با تاریخ، فرهنگ، جغرافیا و مسایل گذشته مملکت آشنایی پیدا میکنند البته در صورت امکان دارد که مادر از سواد بهره داشته باشد دیگر حس بشر دوستی و انسان دوستی با خواندن حکایات دلپذیر برای فرزندان بیان شود اما سعی کنیم که هدف مشخص را تعیین نماییم تا راه صحیح را در زندگی اجتماعی پیش گیرند. یاد دادن خیاالی، آشنایی، و کارهای دستی برای دختران جالب است دیگر رسانی نقاشی، و غیره مصرفیتهای مفید خلق نماییم تا فرزندان مصرفیت داشته و از بیکاری دلتنگی برایشان پیدا نشود.

برای فرزندان فعالیت، نشاط، علاقمندی و دوستی را خلق میکند دیگر مطالعه بعضی آثار تاریخی از طرف مادران در اوقات بیکاری



برای کودکان مفید و با ارزش است زیرا اگر فرزندان همه اوقات را به درس خواندن بپردازند نمیتوان مطمئن بود که بر داشت درستی نموده است. در ایام تعطیل مادران بکوشند که سرگرمیهای مفید بر علاوه درس مکتب تهیه نمایند.

خستگی که در اثر ورزش نمودن برای فرزندان پیدا میشود اشتباهی آنها را بهتر ساخته و فرزندان از این نوع خستگی لذت میبرند اما برای فرزندان در ایام تعطیل کار کردن یا مصرفیت سالم میسر شود حس مسئولیت در فرزندان بیدار شده و تجربه بیشتری کسب خواهند نمود. اما این نکته را باید در نظر داشت که کار متناسب با سن فرزندان انتخاب شود.

بر کردن اوقات فراغت فرزندان فوق العاده ضروری است و اگر کار خوب، مناسب و مشروع باشد و فرزندان آنرا خرج نمایند در او استقلال بوجود خواهد آورد.

دیگر اشتغال فرزندان در تفریح و ورزش

پایه و اساس آموزش فرزندان در خانواده گذاشته میشود پدر و مادر هر دو نقش موثر دارند اما مادر چون اوقات بیشتری را با فرزندان سپری میکند رول مهم و اساسی را به عهده دارد.

کودک در دوران مکتب ابتدائی تقریباً چند ساعت محدود در خارج از منزل بسر میبرد درین ساعات مربی جانشین مادر است در حقیقت معلم یا مربی نقش مادر را در مکتب ایفاء میکند.

در نتیجه هماهنگی بین افکار معلم، پدر و مادر ضروری است تا تناقض بین تربیت معلم و والدین ایجاد نشود ما در با مراقبت غیر مستقیم میتوانست عادت مطالعه را در فرزندان خلق نماید و کتابهای راجستجو نماید که مطابق میل و به سلیقه فرزندان برابر باشد، همچنان دیدن فیلمهای خوب، تربیوی نقش و تاثیر مثبت بسالای شخصیت اطفال میگذارد.

تفریح و ورزش فرزندان منزل تحصیل

میگویند:

«مدرسه یکی از عوامل مؤثر بازدارنده کودک از اعمال ضد اجتماعی است»

همین دو دانشمند نیز دارای قول متفقند که از طرفی عدم سازگاری با محیط مدرسه هم خود میتواند یکی از عوامل اصلی رفتارهای ضد اجتماعی آینده کودکان باشد.

مطالعاتیکه در همین زمینه صورت گرفته است بخوبی اثبات میکند که عدم هماهنگی با محیط

نگردد این عامل مفید و ثمر بخش خود میتواند زیان بخش و جرم زا باشد.

بسخنی دیگر شکست در این هماهنگی اجتماعی دارای عواقب بسیار نا فرجام و نتایج نامطلوب فراوان است. بهمین جهت در این تغییر محیط یعنی رفتن از گروه خانوادگی بطرف گروه اجتماعی یا از یک محیط داخلی بدنای خارج باید دقت کامل مرعی شود تا کودک بتواند خود را با محیط جدید هماهنگ سازد.

اند. برخی از آنان که در محیط مدرسه باقی مانده اند در زمره افراد بی انضباط متمرّد نا فرمان... در آمده اند و آزار همگان را فراهم آورده اند.

نوع نا فرمانی و بی انضباطی که در نزد بعضی ها مشاهده شده است عبارت است از فرار از مکتب و بی دسیپلینی، عدم اطاعت، فقدان نظم، پافشاری و سماجت برای اثبات و تحمیل عقیده تند خوئی و زشتی گستاخی و بی بندوباری در گفتار و رفتار تحریک و اقدام بی جا.

تحصیلی غالباً باعث فرار و ولگردی کودکان شده است که در نتیجه پایه های تربیتی آینده آنان را بنا کرده است.

ژامبو ملن یکی از دانشمندان که بر حسب مطالعات انجام شده عدم سازگرای با محیط مدرسه در نزد مجرمان جوان بسیار دیده شده است عده کثیری از آنان از مدرسه فرار کرده و به دوره گردی پرداخته و بالاخره منحرف گردیده

عشق و انسانیت

سرکه عشق و آرماترنداره

تنی گل و لعل جانرنداره

چو سنگ غار بر احسار و دره

سرکه عشق و انسانیت

بوه و ورخ

شعر: س. د. ((سنگر))

بوه و ورخ و مجا مخ شو
ما میره بیقله نعلی
شنا بسته وه لکه حوره
چا و دید له ، له مستی

برندی برندی بی کتلی
کب ص و لکه غو بی
چکه و نه مسکه غاره
توری خنی او کو خنی

بار خو سو ز لکه مده
شپلا سترگی توری توری
زپه زما بی را نه یوو
به کی و ی فنی لا توری

ارت پتر بی راو تلی
به یو یو به کی تیو نه
به کی مینه شهر تی وه
وه دمینی بی غو بینه

برندی سترگی سترگی
سترگی
دغما زله جوغلنو ب نه
ستری ستري وه ستو ما نه
داریده چی رسوا نه شی
خکه لاره شو به پیسمانه

دکب ۲۲-۱۳۵۲ کال کندها ر
دفتح خان کو خه

((ون ، بی ، تو))

رنگها

زندگی من صفحه سفیدی ارزشی
بود
سبز مایه بالیدنم شد
قرمز به من شوق بخشید
زرد انصاف و عدالت به من
آموخت
و کبود پاکدامنی را
سرخ به من امید داد
و خاکستری غم را پیادم آورد
برای تکمیل این نقش آبرو،
سیاه، مرگ را به سرم می آورد.
از نگاه
زندگی را می پرستم
زیرا که رنگ های آفرستایش
می کنم



میاموز

تو چشم شوخ را دیدن میاموز
فلک را راست گر دیدن میاموز
تو بکشا چشم تا مهتاب بینی
تو مهر را نور بخشیدن میاموز
تو عقل خویش را از می نگه دار
تو می را عقل دزدیدن میاموز
دل مظلوم را ایمن کن از ترس
دل اورتو لرزیدن میاموز
تو گل میریز به فرق عروسان
ز گل چینان تو گل چیندن میاموز
چو دیدی آفتاب شمس تبریز
چو رعد ایدل خرو شیدن میاموز

جامی

ای عقابهای میهن!

قفس ها را شکسته اید .
 دیگر نیست آن قفس های تنگ
 زبند ! سستباد رسته اید
 ای عقابهای میهن !
 ((صدای تان رسا))
 ((پرواز تان بلند)) باد
 ز سر این مردم و میهن
 گذشته روز های سیاه بسی
 ورنج دیده اند پیکران
 در تیره روزی شدند تباه بسی
 لیک عقا بهای غیور
 از پر واز نمادند
 ای عقابهای میهن !
 ((صدای تان رسا))
 ((پر واز تان بلند)) باد
 صیاد ها ، دیگر نیستند
 تا عقا بها را در قفس ها
 در تیره شبها کشند
 خورشید آ را دیست
 بدنبال پرواز تان
 ای عقابهای میهن !
 ((صدای تان رسا))
 ((پرواز تان بلند)) باد
 فضای میهن بها ران است
 از بهار آزادی
 پیام آزادی رسیده و میرسند
 از پرواز عقابها
 که عقابها پیام آوران است
 خون پاک عقابهای همپرواز را
 فراموش نکنید !
 پرواز هارا به پیش برید
 در دل تیرگی ها
 چو خورشید بتابید
 ای عقابهای میهن !
 ((صدای تان رسا))
 ((پرواز تان بلند)) باد
 بهار تان جاویدان
 بال و پر تان شکست ناپذیر
 راه دور است
 ولی رسید نیست
 پرواز تان بی امان
 تا به شهر خورشید ها
 ما همه میرویم و میرسیم
 تا آن قله های از مان
 ای عقابهای میهن !
 ((صدای تان رسا))
 ((پرواز تان بلند)) باد

صبر کم

دوستان این دل بیمار مرا یاد آرید
 صبر کم محنت بسیار مرا یاد آرید
 روز روشن چو بهم بزم طرب ساز کنید
 تیر گسهای شب تار مرا یاد آرید
 ناد از قید غم آزاد به بستان چورید
 به قفس مرغ گرفتار مرا یاد آرید
 ابر نیسان چو گهر بارشود وقت بهار
 گریه دیده خوبار مرا یاد آرید
 در صف لاله رخان چون به تماشا نگرید
 داغ های دل افکار مرا یاد آرید
 در چمن بر گل و سنبل چو نظر بکشاید
 طره عارض دلدار مرا یاد آرید
 چون صبا جعد بنفشه به چمن شانه زند
 زلف پر پیچ و خم یار مرا یاد آرید
 محجوبه هروی

که خد زور لری دینمند بی ایمانده
 مامسینه در قه سپر کری پد میرانده
 چپ می ولی لکه غله غوندی لشانده
 داخوزور نندی حوانی نده ناهخوانده

دو کتور زیار ۵۹، ۱۱، ۱۷

رشته گیسو

کیفیت چشمان تو میخانه ندارد
 سر شازی دیدار تو پیمانه ندارد
 خوبست به رخسار تو افتاده پریشان
 زلفین تو حاجت پسر شانه ندارد
 شمع گل رخسار تو پاتا بسرم سوخت
 این طاقت مارا پر پر واله ندارد
 در رشته گیسوی تو شد پای دلم بند
 بگذار دگر حاجت زولانه ندارد
 دشمن نکند آنچه بمن دوست نموده
 ظلم و ستمش از خود و بیگانه ندارد
 ناصح به نبائی تومده پندگزی بیش
 پروای نصیحت ، دل دیوانه ندارد

نباتی

انکشاف کلتور و سبک زندگی در کمونستان

پلان‌های وسیع برای تداوی

امراض قلبی

تداوی امراض قلبی هنوز هم یکی از مشکل‌ترین ساحه طبابت را تشکیل میدهد چه کارهایی درین ساحه در اتحاد شوروی انجام شده است. این سوال را ایکور سخوات سبایا امر انستیتوت تحقیقات امراض قلبی ما یسنیکوف طی مقاله به روز نامه مسکو نیوز انفارمیشن جواب گفته است.

امراض قلبی در حیات مدرن کنونی ناشی از علل مختلف است که شاید از قلت فعالیت تغذیه نادرست و نامعقول و آلودگی باشد به همین دلیل ما تحقیقات اساسی را بطور کل روی همین پرابلم‌ها براه انداخته ایم از اطلاعاتیکه تاکنون در دست داریم مرکز امراض قلبی اکادمی علوم طبی اتحاد شوروی در صدد آغاز از مایشات سیستم تدابیری جهت جلوگیری از ادامه افزایش در واقعات بی نظمی‌های دورانی در چند سال آینده می‌باشند چیزی که درین زمینه قابل یاد اوریست تاسیس یک مرکز خدمات امراض قلبی برای سراسر کشور میباشد سخوات سبایا می‌گوید:

تیم علمای این انستیتوت چندین پروگرام را برای احیای مجدد صحت مریضان پس از حملات قلبی طرح کرده اند که در آن مدت خیلی کوتاه به هزاران نفر حیات فعال اعاده خواهد شد. چندین کلینیک مسکو و بعضی مراکز صحتی جمهوریتهای مختلف اتحاد شوروی این پروگرام را قبلاً تحت تطبیق قرار داده اند و قرار است این مراکز در آینده بحیث مراکز یک سیستم واحد احیای مجدد برای تداوی امراض قلبی در سراسر آن کشور تبارز کنند.

در حال حاضر دیپارتمنت جلوگیری از امراض قلبی مرکز امراض قلبی بین المللی تحقیقی را در مسکو پیش میبرد که هدف آن وقایه همه مردم در برابر واقعات قلبی و همچنان آمادگی داشتن قبلی برای دفع چنین واقعات می‌باشد.

علمای این مرکز مطمئن هستند که تداوی‌های وقایوی خیلی مفید بوده و فشار خون مریضان را عادی نگه میدارد.

انکشاف کلتور در تر کمونستان

موزیم فارم اشتراکی عشق اباد در جنوب جمهو ریت اسپای مرکزی تر کمونستان شوروی یگانه جایی است که می‌توان در آن آثار زندگی دهاتی باستانی را مثل کلبه‌های مردمان بی بضاعت اسباب اولیه باستانی و ظروف قدیمی مشاهده کرد.

این وسایل بیانگر تغییر فاحشی در زندگی مردم در طول تاریخ میباشد این موزیم که تحت یک پلان تجربی در آن شهر ساخته شده بایک تیاتر و یک نمایشگاه رسامی احاطه شده و در نزدیکی آن یک ستدیوم قرار دارد.

قرار اظهار اشیر ما مییلیوف وزیر کلتور تر کمونستان شصت سال قبل زبان ترکمنی کلمات (تیاتر)، (کتابخانه) یا (انسامبل موسیقی) نداشت پس از انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ مردم پیشرفت‌های برابر با قرن‌ها را نصیب شدند تر کمونستان اکنون دارای هفت تیاتر مسلکی و سی و پنج تیاتر مردمی یک انستیتوت هنر ها، چندین موزیم، سینما و کلوپ‌ها می‌باشد. حق استفاده از مزایای کلتوری

در قانون اساسی اتحاد شوروی و قانون اساسی تر کمونستان محفوظ است این امر بوسیله یک شبکه واحد تا سیسات کلتوری تضمین شده و دولت شوروی برای انکشاف موزون انسان و توانایی روحی وی سعی می‌نماید. تخصیصات دولتی برای انکشاف فرهنگ همه ساله افزایش می‌یابد در سال جاری که سال اخیر دهمین پلان پنج ساله بود جمهو ریت تر کمونستان بیش از بیست میلیون ربل را برای همین مقاصد تخصیص داده است که بیست فیصد بیشتر از پنج سال گذشته میباشد در سال‌های اخیر صدها مرکز فرهنگ، کلوپ‌های دهاتی و کارگری مکاتب جدید موسیقی و مکاتب مسلکی و ثانوی در تر کمونستان افتتاح شده است. وزیر کلتور ترکمنستان خاطر نشان کرد که بیش از هفتاد روز نامه و مجله که اضافه از نصف آن به زبان ترکمنی می‌باشد در تر کمونستان انتشار یافته و در حالیکه مردم ترکمن قبل از تحکیم قدرت شوراها نه نشراتی داشتند و نه هم تحریر به زبان خودشان.

مشکلات انرژی و انرژی آینده

ترجمه نور محمد همتا

از مجله سپوتنیک

بشر در آینده از کدام منابع

انرژی استفاده خواهد کرد؟

آیا انرژی برقی - انرژی اتمی و انرژی بادی و انرژی حرارتی - تحت زمین جانشین منابع کنونی انرژی شده می‌تواند؟

چندی قبل نفت و گاز در بازار جهانی ارزشی نداشت، نتیجه بر آن شد که اکثر از منابع ذغال سنگ در اروپا استخراج نشوند و جای آنها را بایپالین های گاز و خطوط نفت اشغال کنند.

در اتحاد شوروی تجدید موسسات اساسی انرژی شبه آمیز بود. انکشاف همه جانبه در تمام ساحات انرژی بدون امتیاز به یکی از منابع ادامه یافت. این امر امکانات و شرایط بروز رقابت آزاد، بخش های مختلف انرژی را در بازار های داخلی از بین برد.

طوری که گذشت زمان تثبیت کرد که برد با انکشاف همه جانبه بخش های مختلف انرژی است به این علت بود که بحران عمومی و عمده انرژیست یکی اتحاد شوروی را متاثر ساخت.

امروز نیز در اتحاد شوروی انکشاف همه جانبه بخش های مختلف انرژی در نظر گرفته میشود یعنی علاوه از استحصال بر محصول و ترزاید ذغال به نفت و گاز هم توجه خاصی مبذول می دارند.

انرژی اتمی:

مخازن اساسی حرارتی و منابع آبی اتحاد شوروی در یسورال و تقاضای اساسی آن در قسمت اروپا ای نیست. این عدم تناسب جغرافیایی مصارف هنگفت اقتصادی را برای مملکت ایجاب می کند.

عین زمان يك واگون ذغال معادل با ماده احتراقی هسته ای به اندازه قطی گوگرد است. چنین شرایطی انرژی اتمی را با تولید بسرق خصوصاً در قسمت های اروپا ای اتحاد شوروی در يك ردیف قرار

میدهد. بدین ملحوظ تصمیم گرفته شد که آنجا ساختمان مراکز حرارتی ای که از نفت و گاز استفاده میشود قطع وبصورت عموم ساختمان مراکز حرارتی اتمی آغاز شود. ناگفته نماند که در سال های



در این عکس چند شکل استفاده از انرژی نشان داده شده است.

۱۹۷۸ به استفاده از مراکز حرارتی اتمی صد ها هزار واگون ذغال سنگ صرفه جویی شده است. اگر به آینده نظر اندازی شود قرار گفته وزیر برق و انرژی اتحاد شوروی پیاتر نیپار وژنی از سال ۱۹۸۰ به بعد قسمت زیادی تولید

انرژی برقی بخش از و پایی مملکت از استیشن های برقی اتمی حاصل میشود.

بدین منظور در ساحل ذخیره آب سیملیا نسک، کنار کانالیکسه ((ولسنگ)) را (با دون) وصل می کند ساختمان کار خانه اختصاصی تولید ریاکتور های اتمی برای اولین بار در پراتیک جهانی جریان دارد. قرار پروژه طرح شده کارخانه مذکور ریاکتور های اتمی ایرا تولید می کند که قدرت عمومی

آن سالانه ۸ میلیون کیلو وات است. ساختمان مراحل اولی این پروژه در سال ۱۹۷۸ شروع شد.

در زمان حاضر انکشاف انرژی اتمی در اتحاد شوروی دارای دو مرحله است:

مرحله اول: بکار بردن ریاکتور های اتمی در صنعت که باجنراتور های عنعنوی با امنیت تخنیکی رقابت کرده بتواند تا (۳۰) سال آینده جهت ساختمان استیشن های برقی اتمی منطقه ای انتخاب میشود که کثرت نفوس کم و برای زراعت مساعد نباشد. اگر محل ساختمان ساحل انتخاب شود در ینصورت طوفان ها، امواج بحری و لغزش ساحل باید نیز در نظر گرفته شود.

بقیه در صفحه ۵۱

قدرت

فرخنده باد روز بین المللی زنان جهان

شته بر قدرت و توانایی زنان
حما سه آخرین کشور ما بدیده
قدر نمی نگر یستند و سعی می
نمودند تا از جنبش تو فانی
بیداری زنان افغان جلو گیری
نمایند و سد راه مبارزات عادلانه
و برحق ایشان گردند، ولی
همانسانکه مردان افغان این
گردان بیکار جو و دورا نسا ز
کشور برای محو و نابودی انواع
رنج و ستم از دامان مطهر میهن
خویش بدور حزب دموکراتیک
خلق افغانستان «پیش آهنگ طبقه
کارگر و تمام زحمتکشان کشور»

حلقه زدند و در تحت رهبری
اصولی این حزب قهرمانان مبارزات
عادلانه طبقه ای ضد فئودالیستی
و ضد امپریالیستی خویش را -
آغاز نمودند، زنان حماسه ساز -
ما نیز بدور سازمان دموکراتیک
زنان جمع گردیده صفوف انقلابی
شان را فشرده و فشرده تر -
مستحکم نمودند.

سازمان دموکراتیک زنان
افغانستان که شانزده سال قبل
از امروز پا به عرصه وجود گذاشت
منحیت اولین سازمان تو ده
بی زنان در شرایطی ایجاد شد
که حاکمیت دوی هزار ساله فئودالی
و ماقبل فئودالی و باز مانده های
جایگاه پدر شاهی و نظام قبیلوی
در افغانستان زنان را تسلسل
به نسل به برده دست و پا بسته
تبدیل نموده مرد را عملاً به سر
نویشت وی حاکم گردانیده بود.
سازمان دموکراتیک زنان
افغانستان با درک این واقعیت
که آزادی زنان و تأمین حقوق
سیاسی و اجتماعی آنان بدون
آزادی تمام زحمتکشان کشور از
تحت ستم و بیعدالتی ناممکن
است دوش بدوش حزب زحمتکشان
افغانستان بر ضد فئودالیسم،
ارتجاع و امپریالیسم و سایر
قدرت های حاکمه مرتجع کشور دایران
و وطن پرستانه مبارزات خویش
را به جلو برده است.

بعد از آنکه انقلاب نجات بخش
تور بر هبری حزب دموکراتیک
خلق افغانستان به پیروزی انجام
مید و قدرت حاکمه از سلطه
جباران و ستمگران به زحمت
کشان کشور و به نماینده گئی
از آنان به حزب دموکراتیک
خلق افغانستان ((پیش آهنگ
بقیه در صفحه ۳۷

آزاد و انقلابی پیش از آنکه
انقلاب نجات بخش تور به پیروزی
انجام دهد، زنان هموطن ما مانند
مردان و حتی بیشتر از آنان مورد
ستم و استثمار قرار می گرفتند
و از همه حقوق انسانی خویش
محروم بودند.

با و صف آنکه تاریخ در خشان
کشور ما مثال های فراوانی از
قهرمانانی های حماسه انگیز
زنان دلیر و غیر تمند میهن مارا
بیاد می دهد و قهرمانانی های -
را به ها، ملالی ها و عایشه ها
همه و همه چون رشته های ار -
غوانی در دل تاریخ کشور نقش
زنان بیکار جو و مبارزات عادلانه
و وطن پرستانه آنان را
برضد ظلم و بیعدالتی ارائه می
دارد محافل حاکمه مستبد کند

تعیین گردد و هدفش از این
پیشنهاد این بود که به جنبش زنان
هر چه بیشتر خصلت بین المللی
داده شود و از این طریق مبارزات
آزادی خواهانه زنان جهان اوج
گیرد و در امر احقاق حقوق حقه
ایشان اثرات سودمندی بسیار
آورد.

زنان که نیمه ای از بیکار اجتماعات
بشری را تشکیل می دهند
در نظام های سرمایه داری
و سیستم های ماقبل سرمایه
داری به مشا به انسان از حقوق
انسانی در تعیین سر نوشت
خویش بر خور دار نمیشدند و
در تحت ستم های دو گانه طبقاتی
و اجتماعی با مضایب و مشاکل
روزگار پنجه نرم می کنند.
در کشور محبوب ما افغانستان

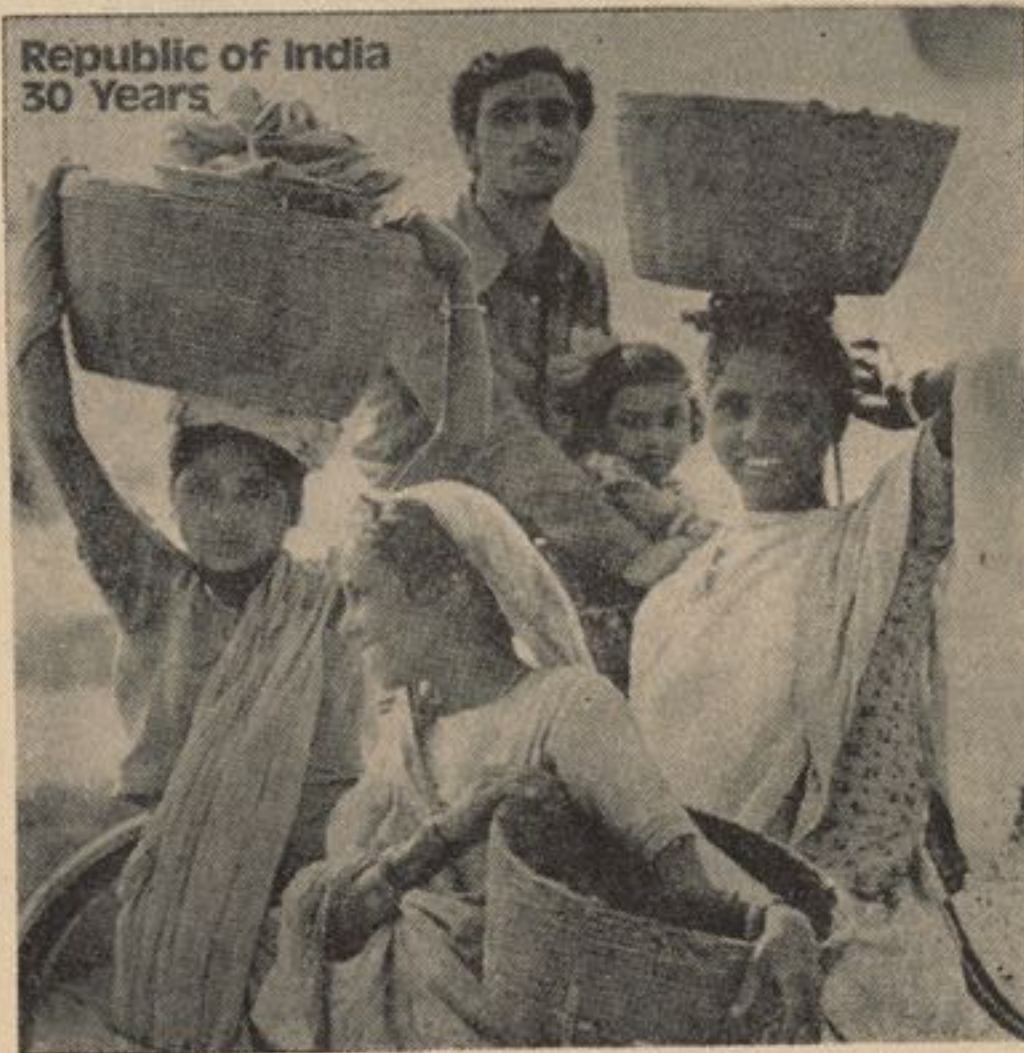
روز هفدهم حوت ۱۳۵۹ مطابق
به هشتم مارچ ۱۹۸۱ مصادف
است به هفتاد و یکمین سالروز
بین المللی زنان جهان و همه
ساله از این روز تاریخی در سراسر
کشور ما و جهان با تدویر محافل
شکوهمند استقبال بعمل می
آید، بی جهت نخواهد بود تا
پیرامون سوابق این روز تاریخی
مطالع و برشته تحریر گردد.

بنیان گزار این روز تاریخی
یعنی روز بین المللی زنان جهان
شخصیتی بود بنام کلا راز تکیه
که یکی از مشهورترین رهبران
نهضت کارگری در آلمان و یکی از
اساسگذاران اصلی جنبش بین -
المللی زنان بشمار می رود.

او در ژوئیه ۱۸۵۷ چشم جهان
گشوده در ۲۰ ژوئیه ۱۹۳۳ بدرود
حیات گفت. این شخصیت ترقی
خواه و بشر دوست تمام دوره
حیات خود را وقف مبارزه در راه
آزادی و احقاق حقوق زحمتکشان
و بخصوص کتله زنان نمود.

کلا راز تکیه به این عقیده
بود که بدون سهم فعال و شرکت
زنان این نیمه کمالی از بیکار
جوامع بشری هرگز نمیتوان جامعه
مطلوب انسانی را ایجاد نمود.
او عقیده داشت که فقط آزادی
و برابری حقوق زنان در جامعه
بی توانند تأمین شود که قدرت
حاکمه دولت از طبقات حاکم
جامعه به طبقه محکوم ورنجدیده
و به نمایندگی از طبقه عذاب
دیده به حزب زحمتکشان تعلق
گیرد.

ز تکیه در سال ۱۹۱۰ هنگام
تدویر کنفرانس بین المللی زنان
سوئیس لیست پیشنهاد کرد که
روزی بنام روز بین المللی زنان



زنان کشور هندوستان در دوران سی سال قبل

«کروپسکایا زن مبارز و قهرمان»

نادیردا گنستانیتنو واکروپسکایا همیشه باعاست آنهائیکه اورا میشناسند ویا باوی ملاقات کرده‌اند ویا آثار اورا مطالعه نموده‌و یا الا یکبار به عکس اونگاه نموده این شعار بزرگ که (او همیشه باعاست) را پذیرفته‌اند. کروپسکایا در ۱۴ فیبروری سال ۱۸۶۹ در خانواده خورده بورژوازی تولد یافته ودر سال ۱۸۸۵ پدر او چشم از جهان پوشید، کروپسکایا پدرش را بفالک سپرده و به زندگی پر مشقت خود آغاز نمود او فعالیت خود را از وظیفه مقدس معلمی در مکتب شبانه که در آنجا کارگران تعلیم می‌آموختند آغاز نمود تعداد زیاد شاگردان او به اثر فعالیت وی شامل کورس های آموزش مارکسیستی بود و کروپسکایا به ایشان اثر بزرگ مارکس ((سرمایه)) را آموزش میداد. اولین ملاقات وی در سال ۱۸۹۴ هنگام کار در یکی از حوزه های کارگری بالین صورت گرفت.

گلارازیتکین در مورد کروپسکایا چنین می نویسد: «عمیق ترین توافق نظر به زندگی کروپسکایا را بالین وابسته می ساخت او بازوی راست لینن کبیر بود اولین و خوبترین سکرتر و مطمئن ترین رفیق هم رزمش بود»

در سال ۱۸۹۵ وای لینن حوزه های مارکسیستی پتر بورگلا متحد ساخته و سازمان سیاسی واحد بوجود آورد که «مبارزه برای نجات کارگران» نام داشت از جمله هیات رهبری این سازمان یکی هم ن.ک. کروپسکایا بود در ۱۳ فیبروری سال ۱۸۹۷ لینن مدت سه سال رابه سائیریا تبعید گردید و در ماه می همان سال به قریه دور افتاده سائیریا بنام شوشینسکایا وارد شد یکسال بعد کروپسکایا را نیز به آن جا تبعید نمودند و در همان قریه لینن و کروپسکایا ازدواج نمودند کروپسکایا همسر لینن شد و تا آخر دوست، همکار و یاور صلیق لینن باقی ماند. کروپسکایا سکرتر روز نامه های اسکره فیبریود و پروتاریات بود و با تحریر صد ها مقاله پلان های وسیع لینن را در مورد اعمار جامعه سوسیالیستی تبلیغ نمود.

بعد از پیروزی انقلاب اکتوبر کروپسکایا عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست و وکیل شورای عالی گردید. کروپسکایا در راه صنفی ساختن جامعه شوروی و کلیکتیو شدن زراعت فعالیت چشمگیر نمود کروپسکایا زن دانشمند و با استعداد و یکی از اولین زن

شماره ۵۲



نادیردا گنستانیتنو واکروپسکایا

کنگره کارگران و دهقانان اتحاد شوروی او خطاب به پروتاریای جهان گفت: «برای به دست آوردن آردمان های انقلاب اکتوبر تحت پرچم لنینیستی متحد گردیده و بسیج شوید. سال هابعد فیلیکس کوون می نویسد: «وقتی که من در بالای تریبون کنگره دوم شوراهای ن.ک. کروپسکایا را دیدم و دعوت وی را بابلند داشتن پرچم لنینیستی شنیدم برایم هویدا گردید که این زن در حزب کمونیستی شوروی چه خدماتی بزرگی را انجام داده است و فهمیدم که چه اراده شکست ناپذیری برای انجام این وظیفه لازم است»

من در حزب کمونیستی شوروی ۴۰ سال مبارزه نموده‌ام ولی آن چه را که در لحظه بیانیه انسانی و پر محتوای کروپسکایا در دومین کنگره درک و احساس کردم در هیچ لحظه زندگی و مبارزه ام احساس و درک نکرده بودم»

شهیدر های زن جیر

شکن

کار من شولیر قهرمان جنبش مقاو مت پاراگوای و شاعره معروف به زندگی وی می توان با ارائه يك كلمه «مبارزه» روشنی انداخت این است مفهوم زندگی يك زن شجاع.

نگرش به زندگی کارمن شولیر، بازگویی قصار کلماتی از وی به آغاز می گیریم:

قدرت قلب عشق، نفرت و همه احساسات درونی کارمن در مبارزه است تمام مفهوم و هدف زندگی کارمن شولیر در مبارزه او است او میدانند برای چه مبارزه می کند.

کارمن شولیر در يك فامیل ثروتمند تولد یافته است پدر او وکیل مشهور و دیپلمات بلند رتبه دولتی بود ولی چون انسان دارای مفکوره مترقی بود فرزندان خود را بارو حیه دموکراسی و وطن پرستی تربیه نمود.

برادر کارمن میکیل انجین شولیر منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست پاراگوای بود آخرین بار در سال ۱۹۷۵ محبوس گردید به اساس شهادت مشهور دین اورا سختترین شکنجه ها میدادند و از آن آوان تا حال از میگیل هیچ خبری نیست.

بقیه در صفحه ۴۵

صفحه ۳۵

مخالف با هر نوع تظاهر، صمیمی و در مناسبات خود بی آرایش بود.

گلارازیتکین می نویسد: اگر اتفاقا در تاقی که کروپسکایا با خانم های دیگر می بودند و اطفال بدانجا راه می یافتند بدون شك تمام اطفال پروانه وار بدور وی می چرخیدند و سر به آغوش پر لطف او می گذاشتند کروپسکایا در بین مردم از محبوبیت خاصی رابر خوردار بود و خودش به اطفال و بزرگان توجه و احترام خاصی داشت. در مراعات نظم و دیسپلین و پرنسیپ ها شکست ناپذیر و جدی بود در بر خورد با لعنات بحرانی و مشکلات زندگی چون سخره ستیگی محکم و استوار بود در سال ۱۹۲۴ رو زهای غم انگیز جنوری که قلب رهبر کبیر پروتاریای جهان متوقف گردید کروپسکایا با تمام غم ها و اندوه هار دانه و با عظمت بر خورد نمود. در دومین

اکادمی سین شوروی بود در سال ۱۹۳۱ عضو افتخاری اکادمی علوم انتخاب گردید.

کروپسکایا بیشتر از صد اثر در مورد نظریات مارکسیستی تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی اعمار جامعه سوسیالیستی آموزش مردم و تربیت کمونیستی زحمت کشان نوشته است.

عزم آهنینی، زحمت کش او انسان را متعجب می سازد.

اینك مقالی را که خودش تحریر نموده تقدیم می نمایم:

«اکنون حساب نمودیم: ۳۸ جلسه ۲۰ کنفرانس ۱۴ مقاله و ۱۶۰ مکتوب را جواب داده ام يك سلسله یاد داشت هارا در ج نموده ملاقات با نمایندگان مختلف انجام داده ام» کروپسکایا يك انسان خارق العاده بود: شجاع قهرمان، خیر خواه، انسان دوست و

های قدیمی و پل های معلق فقط به حیث نمو نه یی از زندگی قدیم مانده است . اکنون در داغستان مصنوعات ماشین ها و ابزار سازی ساخته می شود که در سراسر جهان مورد استعمال و استفاده قرار می گیرند . در طول ۶۰ سال حکومت شوراهای صنایع ما شینی این سر زمین دوصد برابر شده است . صنعت قالین نیز در داغستان قابل توجه است . صنایع دستی دهکده های داغستان شهرت فوق العاده دارند .

منابع انرژی :

به صورت کلی ۱۸۰۰ رودخانه بزرگ و کوچک از داغستان می گذرد . انرژی آبی آن از انرژی آبی نازوی ، سویدن ، یا فنلند بیشتر است . داغستان سالانه بیلیون ها کیلووات برق تولید می کند .

کوه زبانه ها :

وقتی یک گروه رقص داغستانی از سفری باز گشتند این قصه را گفتند : پس از اجرای یک کنسرت با نمایندگی یک روزنامه معتبر غربی مواجه شدیم . خبرنگار از یک نوازنده پرسید :

می گویند از داغستان هستید . این داغستان چه جایی است ؟
- داغستان سرزمینی است از کوه ها و زبانه ها .

خبرنگار از جواب هنر پیشه مشوش شده پرسید :

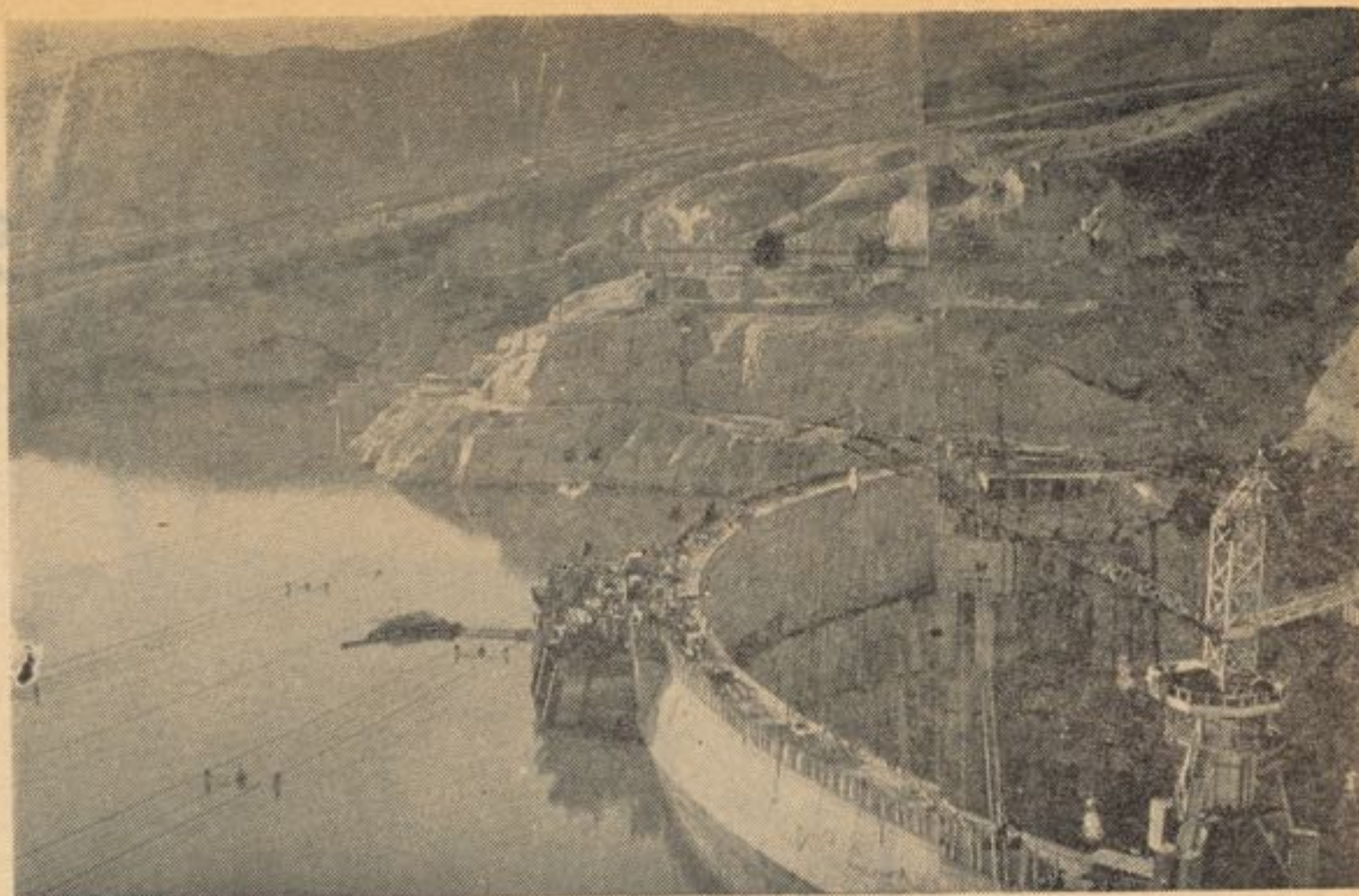
- داغستان در کجا موقعیت دارد ؟ از مسکو خیلی دور است ؟
- کاملاً در قفقاز !

- حالا می توانم بفهمم چرا در عوض زبان خود به زبان روسی گپ می زنید .

خبرنگار تیوری و سیع غرب ، یعنی به اصطلاح روسی ساختن ملیت های کوچک را در ذهن داشت ولی هنر پیشه گفت :

- بنویسید که از هر سه نفر داغستانی یک نفر به چندین زبان به شمول روسی که زبان دوم بومی خود می داند گپ می زند . نزد ما روسی زبان مفا همه جهانی است . شاعر داغستانی رسول غمزا تو ف باری گفته بود : مانخواستیم و نمی خواهم یک ماه از همه ستارگان بسازیم .

هر گروه نژادی داغستانی هر چند از ۲۰-۳۰ هزار نفر کمتر باشند رادیوی خود ، اخبار خود و آواز ادبی مخصوص به خود را دارد .



نمایی یک بند برق آبی در داغستان

جمهوری سی زبان و هزار کوه

دهکده های لک ها و دارغین ها ، و در بستر سمور گروپ های ملل رزگین ، اگول ، رو تول ، ساخور و تپساران زندگی می کنند .

در جنوب رودخانه تریک کومیک ها و در شمال ناگی ها ساکنند . مسافران در کهن ترین شهر داغستان ، دربند ، باتات ها ، یهو دیان کوهی ، آذر بایجانی ها و روس ها بر می خورند . جمهوری خود مختار داغستان هنگام تشکیل در جنوری ۱۹۲۱ نام باستانی بخش کوهستانی را برگزید .

بر فراز ابرها :

«داغستان» یعنی «کوهستان» حتی پس از پیوستن دامنه های ناگی و دشت های کیزلر ، ۵۰ درصد این سرزمین کوهستان است . در کوه ها در هر کیلومتر مربع ۴۰ نفر بودو باش دارند . گاهی ابرها در میان طبقات منازل قرار می گیرند . اکنون این خانه های کوهستانی همه وسایل را حتی را دارند و کوره راه

قبیله های مختلف با فرهنگ های گوناگون و زبان های متعدد را مانع شده است . این است که داغستان بایک میلیون و ششصد هزار نفوس ، چندین زبان دارد .

در این سرزمین نسبتاً کوچک ۵۰۳۰۰ کیلومتر دهمایلیت زندگی می کنند در کوهستان غربی اوارها ، اندی ها ، اکواک ها ، بوتلیک ها ، قراتای ها و دیبای ها ساکن اند . در کوهستان شرقی

سیاحان شکفت زده با رها یاد کرده اند که مردم هر تشیب کوهی در داغستان به زبانی جداگانه گپ می زنند .

کاوش های باستان شناسی نشان می دهد که این سرزمین هزاران سال پیش مردم نشین شده است . کوه های بلند ساکنان این سرزمین را از تاخت و تاز دشمنان گوناگون نگه داشته است . این کوه ها ، از جایی ارتباط میان



چوپان داغستانی ورمه اش

سطح دانش در این سرزمین کوهستانی از حالت بیسوادی به سطح تاسیس اکا دیمی علوم ارتقاء یافت.

امروز در جمهوری داغستان ۱۷۰۰ مکتب عمومی ۲۹ مکتب ثانوی تخصصی و پنج موسسه عالی آموزشی وجود دارد. داغستان از نگاه شمار شاگردان از کشورهای پیشرفته کاپیتالیستی پیشتر رفته است. نمایندگان ملیت های بومی تقریباً ۷۰ درصد تعداد داخله شاگردان کالج ها و مکاتب ثانوی

تخصصی را تشکیل می دهند. در سال ۱۹۲۰ داغستان یک تیاتر روسی و یک استند دیوی درامه غیر روسی را به زبان محلی افتتاح کرد. حالا در این تیاترها هنرمندان داغستانی نمایش اجرا می کنند.

در سال ۱۹۲۲ لنین ابراز امیدواری کرد که پیوند های نزدیک این ملیت ها چنان نمونه ای از یک دنیای کثیرالملل بیافریند که در تحت حکمروایی بورژوازی ها غیر قابل پیش بینی باشد. اکنون امیدلنین عملی شده است.

و دست آورد های انقلابی آن ایفا می نمایند.

بیر که کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان در کنفرانس سر تا سری زنان جمهوری دموکراتیک افغانستان که در ماه قوس سال جاری در کابل گشایش یافت در این مورد چنین بیان داشتند:

((حزب به نقش شما زنان نجیب افغان در دفاع از دست آورد های انقلابی مردم ما ارج و ارزش بزرگ قایل است، امروز بد را ن برادران فرزندان و شوهران شما از آرمان های مقدس خود دفاع می کنند و حماسه می آفرینند اما در پشت سر این قهرمانان و حماسه آفرینان زنان و مادران قهرمانان این حاملین اندیشه ها و ارمان های انسانی و نجیبانه قرار دارند.))

به یقین امروز مردان و زنان دوار ساز ما در فروغ آرمایان های والای انقلاب آزادی بخش نور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن بر همه تاریکی ها و نا بسامانی های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دی چیره گی حاصل می نمایند و با همت والای خویش دشمنان آتش بجان دین و آئین و مامن مقدس خود را یکی بعد دیگر محو و نابود می سازند و سرانجام جامعه ای را ایجاد می نمایند که در آن ظلم، تبعیض، حق تلفی و سایر تفاوت ها و نابرابری های نژادی، قومی و لسانی جنسی و منطقه ای راه نداشته باشد و همه زحمتکشان افغانستان نوین در فضای کاملاً آزاد آباد و صلح آمیز بزرنگی آرام و شرافتمندانه خود ادامه دهند.

بقیه صفحه ۳۴

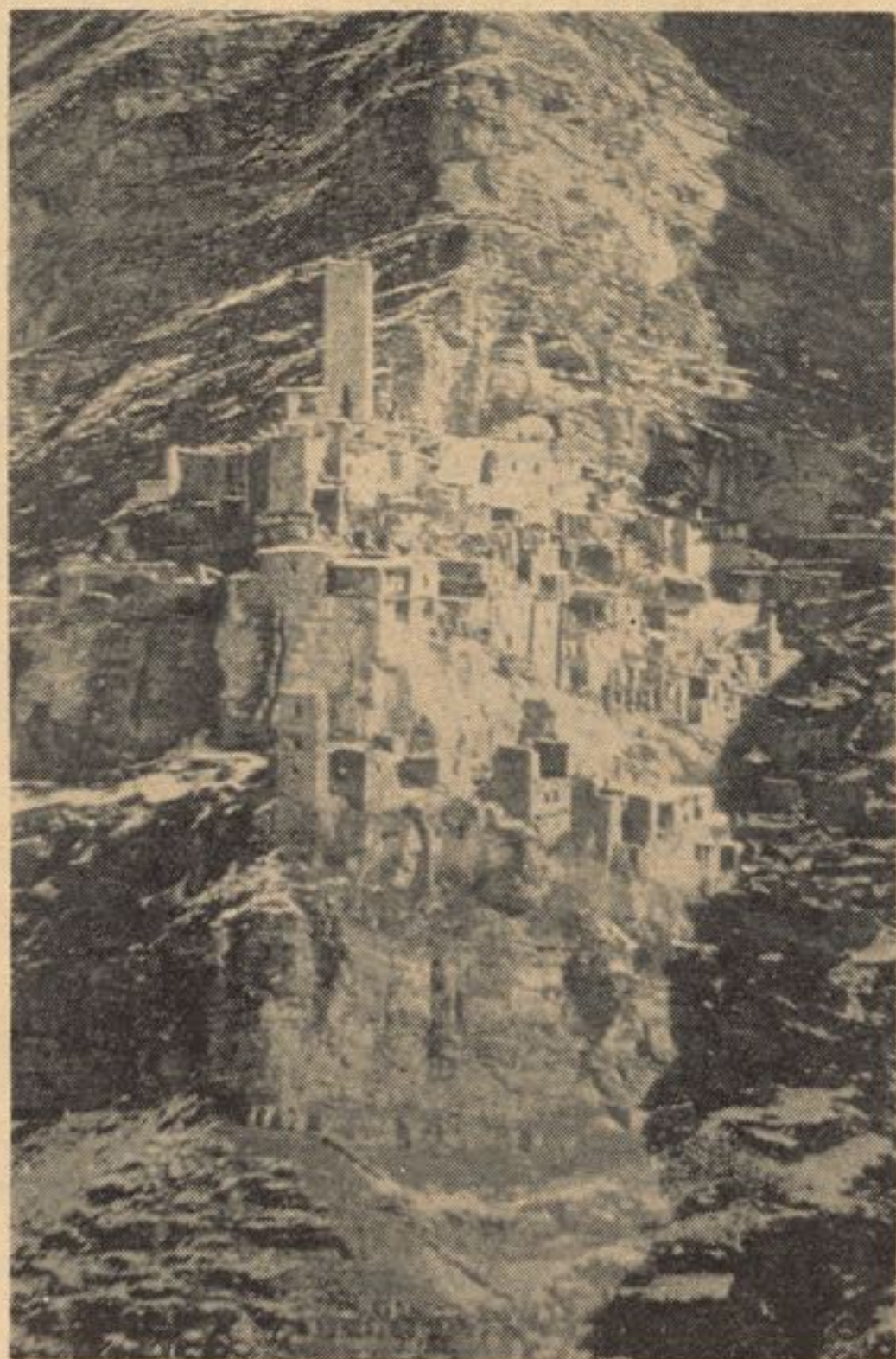
فرخنده باد..

طبقه کارگر و تمام زحمتکشان کشور ((انتقال نمود، زنان افغان نیز مانند مردان بلا کشید و میهن ما به سرنوشت خویش مقدر گردیده برپسا از حقوق و آزادی های دموکراتیک و انسانی خود تا یل آمدند. ولی حقیقتاً الله امین - خون آشام این اجنت معلوم - الحال سی، آی، ای هماغه طور - یکه با وطن و انقلاب ما کینه دیرینه داشت و به هنگام غصب قدرت حزبی و دولتی در کشور استقلال ملی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور ما را در معرض معامله بیگانگان قرار داده بود باکشتار بیرحمانه هزار ها زن پیشتا ز و انقلابی میهن ما در زندان ها و شکنجه گاه ها دشمنی دیرینه خود را با نهضت جوان پیداری زنان کشور پر ملال ساخت و بدین ترتیب مورد نفرین همه زنان پیشا ز و دوار ساز کشور ما واقع گردید.

با بمیان آمدن تحول شش جدی و سقوط ابدی امین جت - یتکار و دار و دسته آدمکش وی زنان پیکار جو و انقلابی افغان - ستان در پهلوی برادران زحمتکش خویش بر آزادی های مسلم و دموکراتیک خود دوباره نایل آمدند و امروز هر زن افغان با فراخ خاطر و اطمینان کامل در یک فضای آزاد و صلح آمیز همدوش مردان مبارز و انقلابی کشور در امر بزرگ دفاع از میهن و انقلاب و ایجاد جامعه عادلانه نوین قازق از ستم انسان توسط انسان سهم فعال می گیرند و نقش ارزنده و مهمی را در امر دفاع از انقلاب شکوهمند ثورانه خود ادامه دهند.



نمونه ای از صنایع دستی داغستان



گوشه ای از یک دهکده قدیمی و کوهستانی در داغستان

دکتور روان فرهادی

ضرورت نشر

آثار نوائی

(۱۸۴۴-۱۹۰۶ ه. ق)

ولزوم نشر آثار در باره او

اینک ۵۴۰ سال شمسی پس از تولد نظام الدین امیر علی شیرنوائی (۱۴۴۱ تا ۱۵۰۱) م درمی یابیم که وی نه تنها هنر مند هنر پرور، شاعر، پادب شناس و ادب دوست، وزیر دانا و کار گزار، پارسای پاک دین، پاکدل و مدد کار آدمیان، صوفی نقشبندی دلدادۀ کردگار بود (و این همه رادر باره او قدیمیان در یافته بودند)، بلکه ملتفت می شویم که او نیز (بحساب جستجوی علمی امروزی) وعده گاه تاریخی، جغرافیائی، بشری آسیای مرکزی، با خراسان بود: شخص حلقه وصل و اتحاد جاودان مردمان نیکودل و تازه خون شهنسوار دشتبای آسیای مرکزی و آسیای علیا باد هقانان روستا و شهر نشینان جهان کهنسال خراسان امیر علی شیرملتقای چمن زار باکشت زار بود و این معنی بهناور دارد.

از هر جانب اندازه کنیم، باهر مقیاس اندازه کنیم، از هر بعد بنگریم چاپ آثار و ترجمه آثار امیر-نظام الدین علیشیر نوائی را از ضروریات عمده عصر خود تشخیص خواهیم داد. پس باید با او بیشتر و بهتر آشنا شد: با او و با آثار او، با او و با احوال او.

آن بزرگوار چهار دسته آثار دارد: نشر ترکی، نظم ترکی، نشر دری، نظم دری. همه آثار او را که در جهان امروز بدست داریم باید چاپ کنیم، آنچه را به ترکی نوشته نه تنها بچاپ رسانیم بلکه باید ترجمه کنیم.

در باره احوال او دیگران در زمان او و پس از او، آثاری نوشته اند که آنرا باید نشر کنیم، در قرن حاضر تحقیقات مزید به طرز امروزی در باره او شده است که باید ترجمه و مجمل آنرا نیز تهیه و بچاپ رسانیم. ازجانب دیگر، چون خوانندگانی کلیات هر نویسنده بزرگ کار متخصصان است، باید برگزیده همه آثار او را با ترجمه چاپ کنیم (چنانکه برگزیده آثار امیر خسرو بلخی دهلوی رادر سه جلد کو چک چاپ کرده ایم) باینصورت عده کافی خوانندگان به آثار آن بزرگوار دسترسی خواهند داشت.

چاپ های تاشکند ولینگراد بایه سودمند چاپ کلیات خواهد بود اما رجوع به عکس نسخه های خطی معتبر کتابخانه های استانبول، تاشکند، پاریس و غیره ضروری می افتد.

درین مقاله مجمل، بر نامه کار های اجرا شدنی را پیشنهاد می-کنیم خوانندگان باید برای آشنائی با فهرست آثار امیر نظام-الدین علیشیر نوائی به مقاله دکتور محمد یعقوب واحدی جوزجانی مراجعه فرمایند.

استنساخ متن کلیات

استخراج متن همه کتب و رسایل نوائی به ترکی و دری که میسر باشد با استفاده از:

- ۱- نسخه های خطی میسر در کشور.
- ۲- نسخه های خطی عمده میسر در کتابخانه های عمده جهان.
- ۳- نسخه های چاپی سابق موجود به خط عربی.
- ۴- نسخه های چاپی موجود بخط گریلی (مشهور به خط روسی که در آسیای مرکزی شوروی متداول است).

مندرجات هر کدام از اجزاء کلیات:

مقدمه الف: پیشگفتار بر چاپ با معرفی نسخه های خطی عمده که مرجع متن مرتبه برای چاپ قرار گرفته است.

ب: مختصر احوال امیر علی شیرنوائی.

ج: مقام همان کتاب یار ساله در مجموع آثار امیر علی شیرنوائی.

متن کتاب یار ساله :

حواشی بصورت باورقی شامل توضیح مختصر لغوی یا ادبی یا تاریخی.

فهرست های الفبائی اعلام

(اشخاص، اماکن، کتب قدیم و غیره).
فهرست الفبائی مطالب
فهرست الفبائی لغات دشوار و قابل توجه و معنی آن
فهرست مندرجات
تصاویر بشمول مینا تورها
مندرجات اجزاء کلیات که به نشر ترکی است.

علاوه بر مندرجات فوق الذکر (یعنی بیان مندرجات هر کدام از اجزاء کلیات):

- ۱- ترجمه کامل متن بزبان پشتو یا دری (صفحه مقابل صفحه یا ستون مقابل ستون).
- ۲- فهرست الفبائی لغات قابل توجه از نظر زبان شناسی یا ترجمه.

مندرجات اجزاء کلیات که به نظم ترکی است :

علاوه بر مندرجات قبل الذکر (یعنی بیان مندرجات هر کدام از اجزاء کلیات):

- ۱- ترجمه تحت الفظ به نشر دری که امکان ترجمه منظور دری را برای علاقمندان در آینده میسر کند.
- ۲- مقارنه و مقایسه به اشعار دری عهد امیر علی شیر نوائی علیه-الرحمه.

مندرجات اجزاء کلیات که به نظم یا نشر دری.

علاوه بر مندرجات قبل الذکر (یعنی بیان مندرجات هر کدام از اجزاء کلیات):

- ۱- مجمل کتاب یار ساله بزبان

ازبکی
۲- مقایسه اثر به آن آثار ترکی مولف که در موضوع ارتباط با این کتاب یار ساله داشته باشد.
منتخبات آثار نوائی (با ترجمه و مینا تورها).

- ۱- برگزیده نظم ترکی.
- ۲- برگزیده نظم دری.
- ۳- برگزیده نشر ترکی
- ۴- برگزیده نشر دری
- ۵- منتخبات نظم و نشر بر ای کود کان (باتصاویر)

نشر کتب و رسایل شرح احوال و آثار و افکار امیر علی شیرنوائی:

- ۱- نشر متن کامل همه آثار دری و ترکی که در عصر نوائی و قرن های بعد از و درین زمینه تالیف شده و متن خطی یا چاپی آن میسر شده باشد.

۲- مجمل اصل یا ترجمه مجمل کتب عمده که در عصر حاضر درین زمینه به ترکی یا دری تالیف شده است (بشمول زندگی نامه که عالم شرف الدینوف نگاشته است).

۳- ترجمه مجمل آثار محققان دیگر درباره امیر علی شیر نوائی (بشمول زندگی نامه ای که بر تلس فقیه نوشته است) و کتب تحقیقی درباره مثنوی های نوائی.

۴- روابط مولانا جامی و نوائی در یک رساله خاص.

نشرات علمی ما بعد :

- ۱- الف: نشر دیوان اشعار شعرای ترکی زبان که معاصر نوائی بوده اند بطور خاص آنان که درساحه جغرافیائی، افغانستان زیسته اند (مانند لطفی هروی، ثانی بلخی).
- ب: ضمناً تاریخ ادبیات ترکی شرقی بخش دوره تیموری باید تالیف و نشر شود.

۲- نشر آثار منتشر ترکی زبان معاصر نوائی که نویسندگان ترکی زبان معاصر نوائی نگاشته اند، با ترجمه.

برنامه چاپ کتب و رسایل معاونه:

- ۱- قاموس جیبی او زبکی به پشتو و دری.
- ۲- قاموس جیبی او زبکی به پشتو و ترکمنی.

۳- قاموس جیبی دری به اوزبکی و ترکمنی.

۴- دستور زبان اوزبکی (بطور مجمل یا شرح پشتو و دری)

بقیه در صفحه ۵۳

مخمس نوابی بر غزل نوابی



از شکوه آریانا نام بلخ آمد پدید
عالم عرفان از اسلام بلخ آمد پدید
خوبه ایام از ایام بلخ آمد پدید
بزم می در کام در آشام بلخ آمد پدید
این همه اعزاز از انجام بلخ آمد پدید

آن شکاری این دل غمگین ز خود نکند
گرد سرد ورم نداد و جان شاز خود نکند
دوره سان آن شمس تابان بهیت از خود
هیچکس عشقای معسر را سکار خود نکند

شاد باش ایل کاندردام بلخ آمد پدید
مدتی شد در دم افتاده سودا می
عاشقم بر شهید جان بخش و لای
ای خوش آن فرصت که نوشتم می زمینانی
گوهر غایب شد اندر قعر دریایی

وین زمان از قبه الاسلام بلخ آمد پدید

از گریبان افق نجم جلی پیداشود
از میان اقیانوس باری می پیداشود
اندرین ظلمت سرانور علی پیداشود
شامیان را بعد ازین قمر علی پیداشود

کاین مژگان شمع اندر شام بلخ آمد پدید

چشمه سار بلخ می باشد شفا بخش و معین
شستشو کن قلب خود ای جان تو با عین یقین
رنهایت می شود ای استکار و پاک دین
ثانی خلد برین یعنی مرا شاه دین

در مقام لازم الاکرام بلخ آمد پدید

آبرو از جویدار بو که می جسته خلق
از سریر بارگاهش تنخم می جسته خلق
لاله و نسرين و گل از شوره می جسته خلق
عین آب زندگی از کوفه می جسته خلق

ای سکندر بین که اندر جام بلخ آمد پدید

(۱) چشمه شفا مقصد تمام چشمه شفا معروف است که در نوادر و اسرار و کتب و ...
(۲) بو که که از معاذ بکا، یعنی که بهت درین مقام سعدون اصحابا معتمد بود و در تاریخ کریمه که در ...
(۳) باز گاه نام قمر است در و سالی چنان بلخ که مقام و منزلت سعدون در نیمه اول ...

اندرین راه ای سخنور یا خاظر خواه جوی

روشنانی بزم عرفان از مرا شاد جوی

از نوابی ای نوابی یا عالیجاه جوی

در مقام تقسیم زندگی همراه جوی

که شاه شاهی نام بلخ آمد پدید

شمار خج نوابی یو یان
خط از امیر فقیر

د مینې

مرغلره

دغه افسانه به شمالي هند کسی
پېښه شوی. هو په هغه سیمه کسی
چی له بل هر ځای نه ئی به زمکه کی
دمینې نیالکی ډیره ښه وده کوی.
د هندوستان په قطبي برخه کی یوه
داسی سیمه پرته ده چی تورو او
گورو ځنگلونکیو منظرو او د سیند
ونو باکو اوزرو او بوته ئی دجنت زړه
هم پسخیری.

ښکلی او زړه وړونکی دری نسی
دکال په هر موسم کی دگلونو په
بوټواو غوټیو باندی پتی دی په افق
کی ئی تور لوړ لوړ غرونه چی دارو-
نکی پتی لری هسک دریدلی. څوکی
ئی به سپینو واوورو پتی او سرونه
ئی اسمان ته رسیدلی دی. دننه ډیر
کلونه وړاندی په دغه ملک کی یو ښکلی
ځوان شاهزاده چی دډیر ښه احساس
خاوندو حکومت کاؤ دغه شاهزاده به
ټولو خلکو گران ؤ او هر چا به ورته
داحترام په سترگه کتل. یوه ورځ
ددغه ځوان شاهزاده زړه دیسوی
داسی بیغلی دمینې ددام به لومه کی
ښکیل شوچی دحسن او ښکلااو -
ازه ئی به ټول هیواد کی خبره شوی
وه او هیجری ساری نه لیدل کید.

هغه خپل مین زړه دهغی په پښو
کی واچاؤ او هغه ښکلی پیغله چی
لکه دیسری نوی غوټی به نسی
ځوانی راغلی وه خپله میرمنه کړه دوی
دواړو یو د بل سره ډیره مینه درلوده
یو به دبل په لیدلو خوشحاله او
دیوی ډیری پتی او رو ښانه راتلونکی
په هیله ئی دژوند شپې او ورځې به
ډیر ښه رنگ سره تیرولی. او دا
فکر ورسره ؤ چی ددوی راتلونکی
ژوند دی لکه دجنت غونډی وی. ددوی
دواړو به زړه ونو کی دو مړه پاکه
مینه به ټوپووه چی دشاعرانه تخیل
په چوکات کی هم نه ځاییری مینانو
ددغی سوزونکی مینې څخه لایونیم
کال نه ؤ تیرشوی چی ناڅاپه سر
نوشته دژوند دکاډی ارا به بلی خواته
ورخوله. او هغه ښکلی تجلی چی د
خپلو خومینو سره یو نږدی ځنگل
ته دسیل دپاره تللی وه دیو سا رانی
گل دږیو لوله کبله مسمومه شوه
او چی کله ئی مانی ته راوړه نوسه
ډیره گرازی سره ئی سپاه ورکړه.
شاهزاده چی کله دخپلی معشو قی
په نا بیره مرگ دخپل ژوند مانی
نږدلی ولیده نو به ژوند کی ډیر
بی هیلی شو.

دخپلی مینې له مړینې نه به وروسته
تل به یوه گوښه کی غلی او چسپ
ناست ؤ اودغم پیتی به ئی په زړه
بروت ؤ. دهیچا سره ئی خبری نه
کولی. یوی ورځی نه به ئی بلی ته
غوښی او به کیدی تر دی چی د مخ
هډوکی ئی به کی راووتل او لاسی
تیریدخلک به ویره کی شوه چی هسی
نه کومه ورځ ځان مړ نه کړی. خو دا
چی شاهزاده نه ورور نه مور نه خور
نه او لاد اونه نور څوک داسی لنډ
خپلوان درلودل چی غمونه ئی ورسره
سپک کړی اودزړه به زخم ئی ورته
ددرته ډاډ اوتسل پتی کیردی. شپې او
ورځې به ئی دخپلی معشوقی دبی
سپاه کالبوت له څنگه تیرولی تکیه به
ئی ورته وهلی وه او دیو ژورغم به
سمندر کی به لاهوشوی ؤ.

خو یوه ورځ ناڅاپه دخپلی مړی
معشوقی له څنگه پاڅید او خپلی مانی
ته لاپ داسی بریښیده لکه چی په
وضع کی ئی یو څرگند بدلون راغلی
وی. په تندی کی ئی دیو هوډ ښی
ښکاریدلی. سمند لاسه ئی امر وکړ چی
دځنگل دخو شپو په ونودلر گیوڅخه
دی دده دمینې دپاره یو صندوق جوړ
کړی شی. او بیا دی دهغی مړی -
دږورو او سپینو زرو څخه به جوړ
شوی پوښ کی ونغاړی او به دغه
صندوق کی دی کینودل شی. دصند-
وق مخ دی په بی مثال مرمی ډبرو
چی ډیری گرانی او نادر وی و
پوښی. چی ددغه کار دسر ته رسولو
دپاره ئی ډیر مشهور سنگ تراشان
له هری خواته راو بلل. دا امر ئی
هم وکړ چی ډیر قیمتی جواهر دی به
کی ولگوی. خوچی دصندوق مخ ډیر
ښکلی شی. په ټوله هغه موده کی چی
سنگ تراشان او هنرمندان ددغه
لوی شاهکار په جوړولو بوخت ؤ
نو شاهزاده به هره ورځ دمانی دانگر
په منځ کی ددنگو رنگو ونو دکورو
ښاخو نو په لمر او بر کی دخپلی
پخوانی مینې په فکر کی ډوب تللی
ؤ. کله به دخپلی مینې کوټی ورته
او بیا به هغو ځایونو کی چی یو له
بله سره به ئی دمینې راز ونیاز کاؤ

او خوږی شیبی به ئی تیرولی کیده سته
او په خپلو تیرو شوونیک مرغیو پسی
به یی دارمان لاسو نه وروړل داسی به
ښکارید چی دژوند په ټولو شیبو کی
ورسره هغه ښکلی تر څنگه ناسته ده

او دخپلی پخوانی مینې راز او نیاز
ورسره کوی. په ډیر غم کی هم دهغه
له سترگو څخه داوښکی یو څا څکی
نه تویده څکه چی ژړا او اوښکوتیو
لودانه شو کولی چی دهغه دخوږو
تسکین دی پری وشي.

هغه هیڅکله نه اغوښتل چی خپله
سوزونکی مینه دی دنورو خلکو
غوندی هسی به یی گټو چاروسره له
یاده وباسی.

خویوه ورځ چی دهیواد گن خلک
دهغه دلیدلو دپاره راغلی ؤ. نو به دغه
وخت کی خلکو ته دخپل تصمیم څخه
داسی خبر ورکړ او وی ویل:

شاهزاده ... زما دپاره نور هیڅ
نه دی پاتی شوی. وروسته له دینه
داهم تشم کولی چی دبلې مینې زولنی
به ښوکی واچوم او یا خپل لاس
دبلې ښځی به لاس کی کیږم د م
یوازینی هیله چی لرم هغه داده چی

یو یوه او په کار کی هوښیار ځوان
پیدا کړم دخپل نظر لاندی ئی وروزم
او یوه ورځ وروسته له ځانه دهیواد
هر څه او ټولی چاری هغه ورپریږدم.

نو تا سو ته وایم چی سر له نن
ورځی څخه زما هوډ دادی چی خپل
ټول وس دخپلی معشوقی په یاد
دیوی داسی مانی به ودانولو کی به
کار واچوم چی به ټوله نړی کی ساری
او مثال ونه لری. دامانی باید دو
مړه ستره او ښکلی وی چی وکړای
شی زما دمینې تابوت ته به خپله
پراخه سینه کی ځای ورکړی. غواړم
چی به دغه ځای کی دی یو داسی مانی
دآبادولو کار پیل کړم چی تر اوسه
پوری چاته وی جوړه کړی. او نه ئی.
څوک وروسته به دی جوړه کړی.
داسی مانی چی دټولی نړی دخلکو په

زړه وځو کی ئی دلیدلو او ننداری ولولی
راپورته شی. هوداسی یوه مانی چی
دیوی ډیری شته من خزانی به دود
دتل دپاره به دغه جنت نشا نه سیمه
کی پاتی شی او به لیدلو سره ئی هر
څوک لوی وی او که کوچنی ښځه او

که نری دهغی بنخی روح دینبی دغاو کړی
چی عشق ئی دومره لوی شاهکار
منځ ته راوښکلی دی. زه په دغه
مائی باندی دهغه سوزانه عشق له
کبله چی په گوگل کی ئی لرم دمر -
غلری دماهی نوم ږدم. خلکو چی دخپل
خوان شاهزاده سره ډیر مینه لرله
په ډیره خوښه ئی دهغه دروند هرکلی
و کړ اووئی مانه. او په هغه ورځ ئی
کار دیوی ښکلی دری په لمن کی
چی دستر گودیدنی دغرونو پسه
سپینو څوکو لکید پیل شو. ورځی
میاشتی او کلونه تیر شول خوان -
شاهزاده خپل ټول وخت دمرغلری
دماهی دجوړولو او ښکلی کولو په
چارو وتیراوه او یوه شیبه به ئی هم په کی
بی پروائی نه کوله. دهغه ځای په
شاهوخوا کی چی مائی په کی جوړید
له کلی زرغونی غونډی پرتی وی او
ښکته خوانه ئی یومست سنیډ چی
دلیونیو غونډی ئی سپین زگونه په
خوله باد یدل په غورزنگو نو روان و
له ورايه په په شته خړه کی دنو رو
نمارونو دآبادی نښی اونښانی هم
ښکاریدلی. دماهی دودانیدلو کار په
ډیره بیره روان و او دسرو مرمرو -
ستنی لکه دسرو گلو نو په رنگت
پورته کیدلی او د شاهزاده دمعشوقی
په جواهرو کی نغښتی تابوت دماهی
دلوی تالار په منځ کی کیښودل شو
دهغو ستنو په منځ کی چی په لوړ
والی کی ئی داسمان سره سیالسی
کوله دهنداری غونډی روښان دیوالو
نه جوړ کړی شول او بیا ورباندی
یوه خوړنده گنبد دمرمو څخه ووهل
شوه چی کلونه، کلونه د رښاندی
ستگ ترا شانو او معمارانو دخپل
فن او هنر داد ورکړ. دغه گنبد په
لکه دالماس داسی بریښیدله وکار
په بیل کی دامائی دومره باعظمته او
لویه نه وه اونقشه ئی ډیره کو چنی
کښلی وه. په زرو چې او شوی پردی
به دستنو له څنگه خوړندی وی او
د ښکلی معشوقی تابوت به ددغی
ماهی په منځ کی هغه دماشوم غونډی

غلری اوآرام له سترگو کیدچی دسرو
گلونو په منځ کی په یوه خوازه خوب
ویده وی. دماهی گنبد ئی هم په اول
سرکی په شنه کاشی باندی پوښلی
وه او په منځ باندی ئی ورته سپین
زرلکولی و خو یوه ورځ چی شاهزاده
راغی نو دغه ټول شیان ئی خوښ نه
شول. نو امر ئی وکړ چی مائی بیرته
له سره جوړه کړی. ده به ویل هغه
عظمت جلال او کمال چی مائی تصور
کاؤ دغه مائی ئی زما په نظر کی نه
شی خلولی. اودمینی داسمانی رویا
سره سمون نه خوری. شاهزاده اوس
هغه پخوانی په زړه نازک اوحسا -
ساتی خوان نه و چی یوازی دیونجلی
مینه ئی په خیال باندی لوبی وکړی
اودزړه تاورنه ئی ورته ولړزوی بلکه
دوخت تیریدلو دهغه څخه دیو پوځ
فکر څښتن جوړ کړی و. او په بڼه کی
ئی دژوند سره دمینی او کلک هوډ
نښی ښکاریدلی. ده به په پوره قوت
دمینی دمرغلری دماهی دجوړولو په
کار کی ونډه اخیسته. چی دډیرو
کلونو په تیریدلو سره ئی دښکلا
پېژندلو په هنر کی هم لوی لاس
پیدا کړی و. اودهغه نبوغ له کبله
چی درلود هره ورځ به یی یوه نوی
نقشه چی هیڅ سابقه به ئی نه درلوده
جوړوله. او دماهی دچارو په بیلوبیلو
برخو کی به تطبیقده له دسلگونو
ډولوقیمتی ډبرو په ښکلا پوه شوی و
او امر یی کړی و چی په هره بیه وی
باید چی هغه واخلی. او دمینی دمر -
غلری دماهی دښېرولو په چارو کی
ورته کار واخیستل شی. درنگو لو
په چارو کی هم دیو لوړذوق خاوند
اوپوځ اشعار شوی وه او وروسته
له دی یی دپخوانی شیانو په باب فکر
نه کاؤ دمثال په ډول نور دهغه دپاره
لعابی- سپیایی او طلائی رنگونو
ار زشت نه درلود یوازی فیروزه یی
رنگ چی لکه دیسری دشین آسمان
غونډی خلیدونکی وی ډیره ئی خوښوه
چی ددی سره یی تیز ار غوا ئی
رنگ هم په زړه پوری و. هغه دا

غوښتل چی دماهی لوړی ستنی لکه
دیو نامعلوم سیوری غونډی ددغو
رنگو نو ترمنځ وکسید ما ئی ټولی
ډیری ښی چاری او دستنو دښکلا
برخی ئی خپله نقشه کولی چی خلکو
او نندار چیانو به ورته له هغی اولی
ورځی څخه دحیرت په نظر کتل خو
هیڅکله ئی دهغه جلال- عظمت ښکلا
او جمال چی دکار په پای کی ئی ځان
راڅرگند کړ تصور قدری هم نه شو
کولی. هر کله به چی نندار چیانو
ددغی ستري مائی دچارو جریان ته
کتل نویو بل ته به ئی په غوږونو کی
ویل. رښتیا چی څومره ستره او
ښکلی مائی ده. وگوری چی عشق او
مینه په سپری کی څومره لوئی او نا
شونی چاری تر سره کوی. دهغه
هیواد ټولی بنخی اومدارنگه دنری
بنخی به چی دمینی له دغی کیسی
څخه خبریدلی اودشاهزاده وقایه یی
لیدله نو په زړونو کی به ئی ورسره
مینه پیدا کوله. او دیوی داسی
رښتینی مینی هیله به ئی درلوده د
ماهی په منځ کی دتیریدلو یوه لویه
لاره جوړه شوی وه چی سرو ستنونو
په دواړوخواو کی کتار جوړ کړی و.
دکار په پای کی به هره ورځ شاهز -
اده دماهی په لوی تالار کی کښیناسته
اوله دغی لاری څخه به ئی مخامخ
لوری ته کتل. ښکلو ستنو پراخه
تالارونو دزړه وړونکو رنگو نوسره
یوبی مثله تړون درلود. چی بی
اختیاره به ئی دهر لیدونکی په زړه
باندی لږزه راوستله. او ښکته به
لوید. شاهزاده به شیه او ورځ چې
او په فکر کی ډوب دماهی په لوی
تالار کی کښیناسته. اودگڼو څنگلونو
پراخه منظری ته به ئی کتل. له ورايه
به ئی دغرونو سپینی واورینی څوکی
تر نظره کیدلی. او ددغو ښکلاؤ له
خوسره لروی ټولوبیا هم خو شحاله
کید لو څخه به یی احساسات را
پار یدل خو سره له دی
ټو لو بیا هم خو شحاله
نه ښکارید. دهغه په نظر کی دمینی
مرغلری اوس هم نیمگړی وه او هره
ورځ به ئی ځنی کوچنی بدلونونه په

کی راوستل. یوه ورځ ئی وویل
چی دقبر په منځ ډیر باید ساده وی.
او چی دلری شیبی دپاره هلته په فکر
کی ودرید بیایی وویل. دقبر له سره
او شااو خوانه دی ټول ښکلی شیان
لری شی. ددی خبرونه وروسته دوه
ورځی پرله پسې مائی ته رانه غی په
دریمه ورځ په داسی حال کی چی
دسیمی یو شمیر خلک څو تنه مېند -
سان. معماران او دښکلا پېژندلی
پوهان ورسره و دمینی مرغلری مائی
ته راغی. کله چی خپلو دمینی دمر -
غلری مائی وکتله نو ټول دهغی
ښکلا- جلال او جمال ته حیران پاتی
شول. دمینی مرغلری سوزه هیڅ
نیمگړتیا نه درلوده. او لکه دښکلا
دالهی غونډی ئی خپل سرد شنواو
ښکلو باغونو ترمنځ اسمان ته پورته
کړی و. خو یوازی یو شی موجود و
چی هغه دماهی دښکلا او ښایست
تناسب له منځه وړی و او هغه دشا -
هزاده دمعشوقی تابوت و. یعنی هغه
تابوت دیوی داسی ستري مائی په
نسبت ډیر کوچنی او نا چیزه له
سترگو کید. هو دغه تابوت دماهی
ټوله ښکلا ورخرايه کړی وه او اوس
دیو بی ارزښته صندوق څخه زیات نه
و. چی په هیڅ ډول ئی دمینی دمرغلری
دعظمت او لو یوالی سره سمون نه
درلود. داتاوت دندار چیانو له نظره
داسی ښکاری لکه چی دالما سو په
سنیدکی یوه بی ارزښته غونډی کڅوړه
پرته وی شاهزاده دیو څه وخت لپاره
دخلکو په وړاندی چې او په فکر کی
پاتی شو دخلکو څخه یو هم نه پوهید
چی په دغه شیبه کی شاهزاده په کوم
فکر کی وخودغی بی خبری و یر -
وخت ونه نیو. ځکه چی شا هزاده خو
له پراښتله په سوړ غزل وویل :
یوازی یوشی دمینی دمرغلری دماهی
ښکلا ورخرايو چی هغه ددغه تابوت
شته والی دی. هلې ډیر ژر هغه زمانه
دغه ښکلی مانډی څخه دبا نښی
وباسی

(پای)

مهمواره ای رنگین کمان ، در کناره های بام ای گلین زیباست در شب های پر فی پیش آتش ها نشستن و دل به رو یاهای دامنگیر و گرم شعله بستن ، بسیار زیباست شب و آتش ، برف و شعله ، آتشی که شب را می سوزد و شعله ای که برف را آب می کند ، و به یاد آوردن آیین نیاکان را و دل بستگی های آنان را به آتش ، آتش که انسان را گرم کرده است و مقدس است و یاد آور بسیاری از چیز ها می تواند بود . به یاد آوردن آتشیگاه ها و آتشیگاه ها و آیین زردشت که داد را بنیان نهاد و بر ضد بیداد ، ظلمت سیاهی و تاریکی به ستیزه برخاست . و آتشی که او افروخت گنم اهریمنان و جا دوان و سیا هکاران را سوخت ، داد را بر روی زمین بر قرار کرد ، آتش او نشانه ی زندگی است . زندگی خود مانند آتشیگاه است . این آتشیگاه رادم انسان ها گرم و فروزان می دارد . کار شان ، حرکت شان و پویندگی های شان . زندگی آتشیگاه

آفتاب و باد و با دان بر سر ت افشان جان تو خدمتگراتش ...

سربلند و سبز باش ای جنگل انسان ! ، لبخند پیر مرد که برای کودکان داستان از خود گزری های ارش کمانگیر را می گوید و خود عاشق شهادت های ارش است و قصه های حماسی گذشتگان و با زمستان و دلمردگی و سردی همیشه سترزه کرده است .

شب های زمستان را با قصه هایی از باغ های آتش و قهرمانی های ارش به صبح رسانده است و مزدهای روشنی مید هد و بشارت بهاران و کندهای دیگر گذاشتن او در کوره آتشی که رو به سردی و خاموشی است و همچنان خیره شدن او در سیاهی ها کلبه و کتاب زمان را و رق زدن و به گذشته ها فرو رفتن و پرداختن و آنگاه زیر لب آهسته با خود گفتگو کردن او ، تصویری است شاعرانه و در اوج گویایی تمثیل و راهای از یک شب تاریک

خود کودکان است پیر مرد نتیجه گیری نمی کند و در سطح واعظان اندر ز گویان بی عمل سقوط نمی نماید او این نکته را در یافته است که داستان های حماسی قصه ها و روایت ها و اسطوره های ملی و مبین خود به خود تاثیر گذارند .

کودکان سرا پا گوش اند . یکجا به ارش کمانگیر قهرمان بزرگ ملی ، به شور و شوق می آیند دل شان می خواهد که ارش باشند ارش های آینده ادامه دهنده راه آن جهان پهلوان . حماسه ارش آنان را بیدار نگاه میدارد در شب های دراز و سیاه زمستان و کارنامه ارش چراغ رده شان است . قوت روان های شان کودکان با شنیدن حکایت بلند ارش مهربانی را و خشم را یاد می گیرند مهربانی برای آنان که ستم دیده اند و زحمت کشیده اند و در اسارت نگاه داشته شده و خشم و نفرت بران برای آنان که از رنج دیگران گنج اندوخته

انسان جنگلی است روینده و بالنده در برابر حوادث سیلاب ها و توفان ها سر خم نمی کند ، از هر شکستی بارور تر می شود و ریشه های خویش را در زمین فرو ترو عمیق تر میکند جنگل انسان خاموشی و سکوت را و خشکی و افسردگی را هرگز نمی پذیرد . همیشه سربلند و سرسبز و سایه افشان است .

جنگل انسان با هر چه باد و توفان با شد به مبارزه بر می خیزد افسرده برگ ریزان و پژمرده نمی شود . جنگل انسان چشمه ها را در سایه ساران خویش می پرورد آشیان ها را می آراید و می سازد . جنگل انسان انبوه است بی پایان است بیکرانه و جا و دانه است آفتاب و باد و باران خدمت گزاران جنگل انسان اند جنگل انسان خود روان آتش را زنده می دارد آتش مقدس بیکار را و سیطره را و حرکت و پوشش را جان جنگل انسان که این همه سبز است شاداب است و سر زنده پاسدار آتش

حماسه ی ارزش کمانگیر

م . عاقل بیرنگ کوه دامن

دیرنده پا بر جاست ، باید این آتشیگاه را پاس داشت تا رقص شعله هایش در کرانه ها بگسترند . بدون تلاش مقدس بدون نفس آتشین کوره ی زندگی سرد و آتشیگاه زندگی خاموش می گردد ، که این گناه است گناه بزرگ و نا بخشودنی و سر بیچی از آیین نیاکان که دل بستگان روشنی ها بودند و پاسداران باغ آتش ، آتش ، رقص شعله ها الهام دهنده است و بیدار کننده و بر انگیزنده .

پیر مرد آرام و بالبخند

کنده ای در کوره افسرده جان افکند . چشمپایش در سیاهی های کوه جستجوی می کرد .

زیر لب آهسته با خود گفتگو می کرد .

(... زندگی را شعله باید بر فروزنده شعله ها را همه سوزنده .

جنگل هستی تویی ای انسان !

جنگل ! ای روینده آزاده .

بی دریغ افکنده روی کوهپادمان

آشیان ها بر سر انگشتان تو جاوید

چشم هادر سایبان های توجو شنده .

و سرد و یخ زده زمستان که ((نمون روز)) برای کودکان خویش که عاشق کار نامه های گذشتگان اند و پیر مرد آنان را باروح وطن پرستی آشنا می کند حماسه های قهرمانان ملی را به یاد شان می آورد و به آنان می آموزد که چگونه وقتی که بزرگ می شو ند از هم مبین خویش دفاع نمایند و وطن را و مردم را دوست بدارند . پیر مرد برای کودکان قصه های زردپری و سبزیری را نمی خواند . قصه انسانی از چمن را میگوید که برای آسودگی و رهایی دیگران خود را فدا کرد و قصه هایی از این گونه برای کودکان آموزنده است و بر انگیزنده کودکان را باید تربیتی چنین داد نه اینکه آنان را به افسانه

هایی در خواب کرد که سرگذشت شاهزادگان و دختر شاه پریان باشد . کودکان نباید با اسطوره های میهنی بزرگ شوند به داستان های پر شور و انقلابی عادت کنند پیر مرد بهترین قصه های زمان را به کودکان خویش می گوید . پیر مرد اندر ز نمی گوید حکایت می کند نتیجه گیری و فضاوت به دست

اند . تن به تولید و کار نمی دهند غاصبان اند و مستکبران پیر مرد که گرم و سرد روزگار را بسیار دیده است خود نیز عاشق کارنامه ارش است و در لحظات تنهایی نیز حماسه ی ارش را با خود زمزمه می کند و آتش یاد گذشتگان را فروغمند می دارد .

پیر مرد از لحظاتی که کوره ی زندگی خاموش شود شعله ی زندگی به افسردگی گراید بسیار بیمناک است و بیزار او دل بسته یی شورا ست و شتاب و شوق و دوست داشتن زندگی و انسان ها که زندگی را می آرایند و پاسدار آتش زندگی اند . او در کوره ی زندگی کسند های دیگری گذارد یعنی سرود شهادت انسان را می خواند .

شعر عصیان او را و داستان مقا و مت و ایستادگی او را و نفی کردن بیداد ارش از تبار آریایی است و برضد نهاد های بوسیده ای به مبارزه برخاسته است که تورانیان و افراسیاب هابنید نهاده اند . یعنی تهاجم سیطره جویی غارت و تاراج و پیر مرد قصه گو ارش را و حماسه ی او را سخت دوست دارد .

است نگا جهان مهربانی و داد گستری پس ((سر بلند و سبز باش ای جنگل انسان)) زندگی شعله می خواهد صدا سر داد عمو نوروز

شعله ها را همه باید روشنی افروز

کودک نام داستان ما زارش بود .

اوبه جان خدمت گزار باغ آتش بود .

قصه ی عمو نوروز : (که : خود سوگوار ترین مرغ است و یگانه عاشق جنگل) از اینجا آغاز می شود تا حال هر چه دیدیم چشم دیدند شاعر بود که در روزی بارانی و برف آلود از شهر روانه ی کوهستان ها شده است به دهکده ها روی آورده است که از شهروندان دل گرفته است و ملول او که صدای های درگلو خفته ی نسلی را و ملتی را فریاد می کنند از جایگاه خویش از شهر بیرون می گردد به گشت و گذار می پردازد تا خود ببیند و تجربه کند و لمس نماید که : ((آسمان هر کجا آیا همین رنگی است)) که او در دیاران خویش می بیند یا آسمان در هر کجای رنگ را ندارد . تا اینجا مقدمه ای بود از شاعر

برحماسه‌ی ارش کهانگیر - پیر مرد ازین
جابه بعد داستان خود را آغاز می کند . او
پیش ازین نیز به کودکان بیدار و به آینه
سازان هوشیار قصه های گفته است .
قصه ها یسی گاو ها و رستم ها
و سپر ها و اسفندیار ها داستان زر دست
و مزدك و بابك و مانی را که کارنامه های
درخشان و شیوا و گیرنده دارند . و حالا
حماسه‌ی ارش کهانگیر را قصه می کند او که
« خدمت گزار باغ آتش بود » و خود در ختی
تاور و پالنده از جنگل انبوه انسان پیر مرد
چنین ادامه می دهد .

((روزگاری بود .

روزگار تلخ تلخ و تاری بود

بخت ما چون روی بد خواهان مایه

دشمنان بر جان ما چیره

شیر شیلی خورده عذیان داشت

زندگی سرد و سیه چون سنگ

روز بدنامی

روزگار تنگ

غیرت اندر بندهای بندگی بیجان

عشق در بیماری دل مردگی بیجان

فصل ها فصل زمستان شد .

صحنه‌ی گلگشت عالم شد نشستن در
شبهستان شد .

در شبهستان های خاموش

می تراوید از گل اندیشه ها عطر فراموشی

ترس بود و بال های مرگ

کس نمی جنبید چون بر شاخه برگ از
برگ

سنگر آزادگان خاموش

خیمه گاه دشمنان پر جوش

مرز های ملک

همچون سرحدات دامنگیر اندیشه بی
سامان

برجهای شهر

همچو بارو های دل بشکسته و ویران

دشمنان بگلشته از سر حد و از بارو

هیچ سینه کینه‌ای در بر نمی اندوخت

هیچ دل مبری نمی ورزید

هیچکس دستی بسوی کس نمی آورد .

هیچکس در روی دیگر کس نمی خندید .

باغهای آرزو بی برگ

آسمان اشک ها پر بر بار

گرم رو آزادگان در بند

روپسی نامردمان در کار ...

انجمن ها گرد دشمن

رایزن ها گرد هم آورد دشمن

تابه تدبیری که در ناپاک دل دارند

هم به دست ماشکست مابرا ندیشند

نازک اندیشان شان بی شرم

که مبدا شان دگر روز بی در چشم

یافتند آخر فسونی را که می جستند ...

پیر مرد برای کودکان بیدار قصه می کند

از روزگاران تلخ و تار می گوید از هنگامی که

سیاه ا غریمنی افراسیاب به سر زمین آریانا

تاخت و تاز آورد . فضا را تنگ کردند نفس
هارا در سینه ها زندانی نمودند . به بیداد
و تاراج و آدم کشی پرداختند ستم ها روا
داشتند . و پاك یتان را که پاسدار کردار نیک
پندار نیک و گفتار نیک .. بود در اسارت
گشودند سیاه لگام گسیخته و دیوانه‌ی
افراسیاب که از هاروی سیحون آ مرده
بودند ناتوانستند ویران کردند و نا بسود
نمودند . آتشگاه ها و دانشگاه ها و کتابخانه ها
را بادانش دانشمند به ستیزه و پر خاش
پرداختند . مجال هر گونه اعتراض را نمی -
دادند اعمال بیداد گرانه‌ی خویش را موجه
می پنداشتند سیاه شیطانی افراسیاب ر حرم
نمی شناخت از سلاله‌ی ظلمت و ظلم بودند
روشنی هارا رخصت ظهور نمی دادند با
جراغها و چراغداران به دشمنی برخاسته
بودند فرمان می رانند و یکه نازی میکردند
و به آریا نژادگان اذیت و آزار می رساندند
سیاه بی دادگر افراسیاب برای به کرسی
نشاندن منطق زور و دروغ گو شش میکردند
جواب آن کسی که از رفتار خود سرانه‌ی
شان انتقاد می کرد سر نیزه و خنجر بود .

باری روزگار تلخ و سیاهی بود افراسیابیان
آریایی نژادگان را تازی توانستند تو عین
و تحقیر می کردند . کار به استخوان مردم
رسیده بود باید با این وضع خاتمه داده
میشد ورنه تباهی و نابودی را در پی داشت
بخت با پاسداران بیداد و سیاه تاراج گر
افراسیاب یار گشته بود آ نان بودند که
بر مرکب مراد سوار گشته بودند و به یکه
تازی و شمشیر بازی می پرداختند . سیاهیان
افراسیاب از آریایی نژادگان هر که در برابر
شان مقاومت می کرد می کشتند . هیچ رحم
نداشتند چون خرد نداشتند و بی بهره از
دانش بودند و در وجودشان جاودان و دیوان
رختم و نفوذ کرده بود باری دشمنان سیاهیان
افراسیاب تسلط و قدرت و جبر می یافتند
بودند روز روز آنها بود به گنج های سرشار
دست یافته بودند به سر زمین فیض بار
آریایی نژادگان که در اثر کار و تلاش صادقانه
سرزمین خویش را آبادان و شاداب کرده
بودند آبادی و شادابی و سر سبزی قلمرو
آریایی ها افراسیاب را به و سوسه افکند
اوبه سرزمین روشنائی عاناخت و بخت با او
یار گردید و توانست به امیال شوم خویش
برسد و این دل آزار و غم انگیز بود برای
آریایی نژادگان بزم می آراستند و شادمانی
برآوردند از سر زمین های خویش بیرون کنند .
تادیگر مهاجمان را یارای یورش نماند .
آریایی نژادگان را غیرت و عشق و پایداری
بود اما مجال نمی یافتند اگر سر بلند می -
کردند سرکوب می شدند . دشمن مسلط
گشته بود دشمن تا می توانست از اوضاع
به سود خویش استفاده می کرد . دشمن فضا
را بسیار تیره و تاریک و دود زده و غم انگیز
کرده بود دشمن زمستان آورده بود زمستان

اندیشه هاروش های دشمن مجال شگفتن و قد
برافراشتن نمی داد ترسی را که دشمن
تبلیغ کرده بود کارگزاران بود ز مستان شده
بود و همه سردرگریان بودند مردم از گلستان ها
به شبهستان هاروی آورده بود گلگشت و
شادمانی را ترک کرده بودند به خلوت و
اندوه پناه برده بودند و در شبهستان های
خاموش از گل اندیشه ها عطر فرا موش می -
تراوید)) سکوت بود و زمستان سر مایود
آرس و وحشت گرگی مرگ و وحشت بر سر
توده هاسایه‌ی شوم و نا مبارک خویش را
گسترده بود . باری « بسرگ از باد و باد
از ابر و از ماه » می ترسیدند گروهی از فرو -
مایگان که نژاده‌ی آریایی داشتند نیز به سیاه
دشمن پیوسته بودند و ازین رو بود که -
((سنگر آزادگان خاموش گشته و خیمه
گاه دشمنان گرم و پر جوش بوده « نیرو های
غارتگر و وحشی افراسیاب از مرز های آریا
نژادگان گذشته بودند به خاک آریایی هانجاو
کرده بودند برج ها و باروها و دیوار ها را
در هم شکسته بودند تا چشم کار می کرد
ویرانی بود و زبونی و بی سر و سامانی
دشمنان خانه ها و آشیانه ها و دل های مردم
را شکسته بودند شهر در خوابی عمیق و پستی
سنگین فرو رفته بود گویی به روی شهر
سیلی ای محکم نواخته باشند که شادابی
و سرزندگی خود را جوش و خروش و هیاهوی
خود را از دست داده روزگار تلخ و سیاهی
بود)) افراسیابیان که از سلاله‌ی ظلمت
بودند و از دود مان آزادی هاک (ضحاك) و
استبداد و ناروایی را پاس می داشتند
سرزمین آریایی نژادگان را تنگ و تاریک
کرده بودند در هر خیمه ای نهایی و در هر
خانه‌ای جاسوسی را گماشته بودند آدم ها
حتی حق کینه داشتن با کسی و دوست داشتن
کسی را نداشتند . روزگار تلخ و تاری بود
« هیچکس در روی دیگر کسی نمی خندید
و هیچکس دستی بسوی کسی نمی آورد و در
(زمستان بود ز مستان سخن گفتن ها و لب
گشودن افراسیابیان آمده بودند در کشور
آریایی نژادگان بزم می آراستند و شادمانی
های کردند سرود فتح گشایی شان را سر
می دادند و ((... آهن دلاان صخره شکن
عم بسان پیکره ها نقش ها عرو سک ها
استاده بودند « اما نه در میان مردم
(... آن سوی شیشه های ز مان ...)) و
« تناوران را می پنداشتی که همه سنگواره
شده بودند)) ((چهره های شان همه آینه
های تیره‌ی مسخ گشته بود دست هایشان
چون دشته های زنگ آکین « که قدرت بزرگی
را از دست داده بودند . « گامهایی که بر می -
داشتند بسیار بطی بود مانند نبض مردگان))
و سرانجام ((چشم هاهمه چون شیشه های
رنگ آکین و خشم ها نازی و خواب ها
سنگین) گشته بود . گویی ا هریمنان و
جادوان همه را در طلسمی بسته بودند

باید مردی مردستان آن طلسم را در هم
می شکست باغها و درختان و آسمان یکجا
بالافاده در سو می عمیق نشست بودند و گریه
می کردند . آنهایی که سری بلند کرده بودند
قامتی افراخته بودند در بند و زنجیر
کشانده شده بودند دوران نامردان و فرو -
مایگان بود که فرمان می رانند و حکومت
می کردند . ستم کاران این را در یافته بودند
البته (به زعم خویش) که دیگر آریایی
نژادگان را تاب برخاستن نیست قدرت ستیزه
و قیام برای شان نمانده است . برای آنکه
قیامتهای دادگران و عدالت گستران به خود
بیگردند و متجاوز و مداخله گر معرفی نشوند
(که البته شده بودند) از سر تمسخر و
ریشخند اعلام کردند که ما حاضر به مذاکره
مصالحه هستیم تیری باید پرتاب شود و
هر کجایی آن تیر فرو نشست و آنجا خط
فصل میان آریایی ها و تورانی ها با شد
آنجا مرز شناخته شود تو رانیان این ر
به خوبی می دانستند که سخت گمان ترین تیر
انداز ان هم اگر تیر بیندازد آن قدر فاصله
رانی بیاید که سرزمین آریایی ها را
گسترده‌ی بخشد تو رانیان به ریشخند
ایمن پیشنهاد را کرده بودند تعیین مرز به
وسیله پر واز تیری پرواز تیر محدود است
نمی تواند دورها را بیاید تا قلمرو کشوری
را تعیین کند . دشمنان این عو شیاری را
داشتند که شکست آریایی ها به دست
خود شان عملی سازند تا دیگر آنان را جای
هیچ اعتراضی بر ضد آنها تهاجم و تسلط
جویی نماند آ نان این منطق را بید پرند
که تقسیم عادلانه انجام گرفته است و تورانیان
به قلمرو شان تعرض نکرده است با ر ی
دشمن مشاوران و رایزنان را گرد کرده بود
و به همین نتیجه نهایی رسید . بود که
به این وسیله می تواند عمل ددمنشانه و
اهریمنی خویش پنهان بدارد و اعمال شرم
و بلید خویش را موجه جلوه دهد . این
پیشنهاد نوعی تخدیر بود و افسوس که از
سر ریشخند و تمسخر و استهزا عنوان
شده بود .

((تو رانیان این را خود به خوبی می -
دانستند و این واقعیت بود که تیری که از گمان
رها می شود اگر پهلوانی نیرو مند هم آنرا
رها کرده باشد هدفی معین و محدود دا رد
دشمن سخت شاد مانه می نمود و از خود
راضی زیرا اطمینان داشت که پس از فرو
نشستن تیر به زمین قلمروی و سیع و
گسترده در تصرف خوا هد داشت و سر -
زمین آریایی محدود و تنگ و کوچک خواهد
گشت .

چشمها با وحشتی در چشمخانه هر طرف را
جستجو می کرد .

- و این خبر را عر دهانی زیر گوش
می کرد .

ناتمام

بوی نفت و سود سرشار...

امپریالیزم جهان خوار و دارای قدرت مالی و اقتصادی افسانوی هستند. جنول زیر این ادعا را بخوبی ثابت می‌سازد.

فعالیت های انحصارات چند ملیتی نفت در سال ۱۹۷۷ به میلیون دالر

همه این کمپنی هادر ردیف آن انحصارهای غول آسایی هستند که دامنه فعالیت آنها حتی از سرحدات يك قاره نیز فراتر می‌رود و تقریباً سراسر جهان سرمایه داری را دربر می‌گیرد. برای بدست آوردن تصویر روشن از گستره عظیم عملکرد این کمپنی ها کافی است یاد آور شویم که در سال ۱۹۷۲، یعنی در اوج فعالیت آنها، اراضی تحت امتیاز این کمپنی هادر سراسر جهان سرمایه داری به بیش از ۴۵ میلیون هکتار بالغ می‌شد. در همانسال هفت کمپنی نام برده ۸۰ درصد تمام تولید نفت خام کشور های عضو اوپک را تحت کنترل خود داشتند.

در سال ۱۹۷۷ انحصار های هفت گانه عضو کارتل بین المللی نفت که به هفت خواهران معروف هستند، حدود ۸۰ درصد تجارت جهانی نفت را تحت کنترل خود داشتند.

بقیه صفحه ۲۷

دالر رسید که ۶۷ فیصد مجموع فروش هفت خواهران را شامل بود. بزرگترین انحصار نفت جهان سرمایه داری، اکسون است که سود ناخالصش در سال ۱۹۷۷ به ۶۴ میلیارد دالر می‌رسید. در همان سال اکسون بزرگترین سرمایه گذار در رشته انرژی بود طبق پروگرام طویل المدتی که در دست اجراست، مجموع سرمایه گذاری اکسون در سال های ۱۹۷۸-۱۹۸۱ به ۲۴ میلیارد دالر خواهد رسید و ۱۷ میلیارد دالر از این سرمایه گذاری در ایالات متحده امریکا و کشور های اروپای غربی انجام خواهد گرفت. عرصه فعالیت این انحصار ها فقط به نفت محدود نمی‌شود، مجله «وال ستریت ژورنال» در ۲۵ ماه می ۱۹۷۷ نوشت که انحصار های نفتی در سال های هشت رخنه به منافع ذغال سنگ و منابع انرژی های غیر فسیلی از قبیل انرژی خورشیدی، انرژی هسته ای و انرژی ژئو ترمال را آغاز کردند و در حال حاضر ۲۰ فیصد استخراج ذغال سنگ و ۳۳٫۳ فیصد استخراج یورا نیوم را تحت کنترل دارند. شرکت «گلف اویل» ذخایر عظیم او رانیوم را در امریکا تحت نظارت گرفته است. شعب انحصارهایی چون اکسون شل و بومیل اوایل در زمینه ایجاد تکنولوژی پیشرفته برای بهره برداری از انرژی خورشید

نفت را تحت نظارت مستقیم خود داشتند در سال ۱۹۷۸ مجموع فروش هفت کمپنی عضو کارتل بین المللی نفت به ۲۴۳ میلیارد دالر بالغ شد. به این شرح:

نام کمپنی - میزان فروش به میلیارد دالر
اکسون - ۳۳ - ۶۰ میلیارد دالر
رایل دج شل - ۴۴۰۰ - ۴۴۰۰ میلیارد دالر
بومیل اوایل - ۴۳۷۳ - ۴۳۷۳ میلیارد دالر
تک اوایل - ۲۸۶۰ - ۲۸۶۰

بریتش پترولیم - ۲۷۳۹ - ۲۷۳۹ میلیارد دالر
استاندرد اویل آف کالیفرنیا - ۲۳۲۳ - ۲۳۲۳
گلف اوایل - ۱۸ - ۱۸ میلیارد دالر
از هفت انحصار چند ملیتی فوق، پنج کمپنی امریکایی نفوذ گسترده ای در جهان سرمایه داری دارند.

در سال ۱۹۷۷ ارزش سرمایه اصلی آنها ۵۴ میلیارد دالر بود که معرف قدرت عظیم مالی آنهاست. در همان سال ۵ کمپنی امریکایی با ۹ میلیارد دالر سرمایه گذاری، بیش از ۶ میلیارد دالر سود خالص بدست آوردند. مجموع فروش پنج کمپنی در سال ۱۹۷۸ به ۱۶۵ میلیارد

هشت مارچ یاروز...

جوزای ۱۳۴۴ به ابتکار زن مبارزه پیشرو افغانستان داکترانهیتا رانب زاد در کارو مبارزه سرانتمندانه به خاطر احیای حقوق زنان دموکراسی، استقلال ملی، ترقی اجتماعی صلح و نجات خلقهای تحت ستم و بخصوص زنان کشور بوجود آمد و پیروز مندانه عرصه های مختلف مبارزه سیاسی، اقتصادی و سازمانی را پیمود و موفقانه مراحل رشد و تکامل خود را می پیماید.

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان بهمانه گردان متشکل زنان مسین مادلبیرانه و شجاعانه در طی یازده سال اخیر از آزمون تاریخ موفقی و با افتخار سر بلند نموده است ایجاد اولین کنفرانس سازمان دموکراتیک زنان افغانستان و تصویب مرام نجات بخش آن در سال ۱۳۴۶ نقش بس عظیمی را در تاریخ نهفت رهایی بخش زنان افغانستان اجرا نمود.

با جرئت و افتخار میتوان یاد آور شد که سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در طی پانزده سال عمر از تلاش و مبارزه خود، هیچ مسئله از مسایل سیاسی و اجتماعی را به خاطر ندارد که در آن بخاطر انجام وظایف وطن پرستانه سهم فعال و ارزنده نداشته باشد. سازمان دموکراتیک زنان افغانستان از انقلاب شکوهمند نور طاعانه دفاع و پشتیبانی خود

متنصر به امور منزل و تربیت کودکان بود ولی امروز بیش از يك سوم نیاز مندی های مادی بشریت توسط زنان تامین می گردد که ثبوت روشن به تغییر در موقف اجتماعی زنان اشتراك فعال ایشان در ساختمان زندگی نوین در برخی از کشور های جهان است اکنون تمام مردم ترقی خواه جهان در تلاش آن اند که برای از میان برداشتن نابرابری بین زنان و مردان و شرکت موثر آنان در حیات سیاسی اقتصادی و اجتماعی توجه بیشتر مبذول گردد.

علی الرغم اینکه نیرو های ارتجاعی در کشور های استبدادی و امپریالیستی به وسایل مختلف منجمله از طریق تبلیغات تغذیرکننده و فریبنده بوسیله مطبوعات، رادیوها، سینما ها و غیره تلاش می‌ورزند که زنان را از اشتراك در جنبش های دموکراتیک و مبارزه طبقاتی دور نگه دارند ولی ضرورت اشتراكشان در مبارزات وطنپرستانه و ترقی خواهانه به مثابه نیروی رشد یابنده روز تا روز بیشتر می گردد.

بادرك این ضرورت در وطن با استفاده از امکانات و مساعدت زمان و به خاطر پاسخ مثبت به خواستهای زنان کشور و با درك این واقعیت انکار ناپذیر که زنان مسین ما از ابتدایی ترین حقوق بشری محروم بودند، هسته سازمان دموکراتیک زنان افغانستان بتاريخ هشتم

مبالغ هنگفتی سرمایه گذاری کرده اند. موجزا باید گفته شود که جهان سرمایه بخصوص ایالات متحده از تجارت نفت سود افسانوی و معجزه العفولی بدست آورده اند. جستر پنج یکی از سود خواران عمده امریکایی سود انحصاری کمپنی های نفتی را چنین توصیف می‌کند: «صنعت نفت در جهان یکی از صنایع محدودی است که شما در آن میتوانید شب تپیدست به بستر بروید و صبح تروتمند برخیزید! بهره برداری غارتگرانه از منابع کشور های صادر کننده نفت و جیپول بی بندوبار مصرف کنندگان دو منبع عمده سود انحصاری در صنایع نفت است. لذا امپریالیزم و بخصوص امپریالیزم ایالات متحده در منطقه خلیج و دیگر جاها سرو صدا های دروغین امنیت ملی خویش را برای سرهم بندی بهانه جهت مداخله نظامی در آن کشور ها عنوان می‌کند، در حالیکه در حقیقت این بوی نفت آن منطقه و سودهای هنگفت ناشی از تجارت نفت است که امریکا را دیوانه ساخته نه خطر به امنیت ملی اش»

منابعی که از آن درین مقاله استفاده شده است اینها ست: انرژی در سال ۱۹۸۰ صفحه ۱۴ مجله تایم هفت می ۱۹۷۹ - پترولیم اکونومیست جولای ۱۹۷۸ - نیوزویک جولانی ۱۹۷۹ و دیگر منابع.

•••••

از دست ندادید و با ایمان به این واقعیت که مایپروز خواهیم شد و فاشیزم محکوم به فناست شکنجه های درنده خویان امیشی را تحمل کردید.

افتخار بشمارفقای همبند که در کارو پیکار انقلابی برای ایجاد افغانستان آزاد با فردای شگوفانی انسانی لحظه هم درنگ ننمودید و قهرمانانه صف متشکل و فشرده رادر مبارزه بادشمن های چون امین و باند خونخوارش ایجاد گردید.

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان قیام ظفر مند ششم جدی را بهمانه چرخش عمیق از الام و بدبختی ها بسوی ایجاد افغانستان آباد، شگوفان و مرفه میندارد و همبستگی خود را با ح.د.خ.ا. در نبرد علیه دشمنان انقلاب اعلام داشته و تعهد می سپارده که راه تطبیق آرمانهای والای انسانی ح.د.خ.ا و جمهوری دموکراتیک افغانستان و به خاطر رفاه و آسایش مردم عذاب کشیده وطن محبوب ما لحظه ای هم فرو گذاشت نخواهند کرد.

فرخنده باد هشتم مارچ روز جهانی همبستگی زنان!

برافراشته باد درفش صلح، آزادی، استقلال ملی و ترقی اجتماعی!

سرگت بر امپریالیزم امریکا، فاشیزم و صیو نیزم!

به پیش در تحت درفش جبهه وسیع ملی پدر وطن در راه آبادانی و شگوفانی مسین زیبای ما افغانستان انقلابی!

ارزشها و مایه‌های...

صاحب علائق ملی بی اکنون در کشور ما یافت نمی شود که به ارزش این دوستی بی نبرده باشد و آنرا خلل ناپذیر و خدشه بردار نداند.

...

صدیق الله کار گر آزموده و با تجربه دیگری است که در مسایل مربوط به دوستی خلق های افغان و شوروی صاحب نظر و اندیشه است و با اطلاعات و آگاهی نسبی یکده در زمینه دارد میتواند خصوصیات عمده این دوستی دیرپای و با سابقه را بر شمارد.

وی در نخست کلام اشاره می دارد به ارزش های جهانی این دوستی و معتقد است که صفا صمیمیت و احساس مشترک مردم افغان و شوروی در روابط حسنه شان، همسایگی نیک و احترام متقابل که هر یک به ضوابط و شرایط حاکم بر کشور دیگری دارند، وی اشاره می

هم به اثرات بارز این دوستی در زمینه های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی کشور ما کرده می گوید: همین اکنون به تعداد هزاران جوان مادر کشور بزرگ شورا ها مصروف تحصیل می باشند و صد ها کارآموز، و متخصص این کشور در امور علمی و تخنیک در داخل کشور

مادوش بدوش برادران افغان خود ما را یاری میدهند، از سوی دیگر پروژه های فراوان و عام المنفعه ای که به کمک کشور کبیر شورا هادر کشور ما به ثمر آمده است همه و هر یک به تنهایی نمونه ای است از این همکاری مثمر و بارز در جریان دهه هایی که از عمر این دوستی می گذرد.

او اظهار عقیده می کند که دوام روابط نیک و حسنه میان مردم دو کشور و تلاش در راه تحکیم روز افزون آن چیزی است که ما را نوید میدهد که با سرعت بیشتر بتوانیم خود را با آهنگ زمان هم آوا بسازیم و پسمانیهای خود را جبران کنیم.

...

کریمه دانشیار که تازه تحصیلات خود را در لیسه آریانا به اتمام رسانیده است در جواب به یک سوال پیرامون ارزش های روابط نیک میان ما و همسایه بزرگ شمالی ما ابراز نظری می کند که شوروی از بعد از استرداد آزادی کشور ما تاکنون تنها کشوری بوده است که بدون نظر خاص سیاسی صرفا به منظور انکشاف کشور ما و جبران عقب ماندگی های اقتصادی و فرهنگی آن کمک های بدون قید و شرط خود را در اختیار ما قرار داده و باز هم میدهد.

کلار از تکین...

در سالهای بعد زنان کشور های دیگر نیز از این روز تجلیل بعمل آوردند. چنانچه در سال ۱۹۱۲ کشور ها لند، سویس و در سال ۱۹۱۳ کشور روسیه تزاری از تجلیل کنندگان روز هشتم مارچ بودند در سال ۱۹۱۵ کنفرانسی تحت ریاست کلار از تکین تشکیل گردید که در آن سازمان های زنان کشور های هالند، سویس انگلستان، فرانسه و پولند و ایتا لیا اشتراک فعال نمودند شعار عمده این کنفرانس را مبارزه زنان علیه امپریا لیزم تشکیل میداد. از آن به بعد در روز هشت مارچ زنان جهان در عین ابراز همبستگی بین المللی متناسب با شرایط خاص و خواست های ویژه زنان هر کشور مراسمی برگزار می کنند.

امروز آرمان کلار از تکین و همه زنان مترقی که برای ایجاد این روز و رسمیت بخشیدن به آن دلیرانه پیکار نموده اند در بخش وسیعی از جهان که در آن نظامات کهن بورژوازی سرنگون گردیده و به جای آن رژیم های مترقی برقرار شده تحقق پذیرفته است از همین رو زنان کشور های مترقی روز هشتم مارچ را به مثابه جنبش پر شکو هی برگزار می نمایند.

شهرهای...

کارمن شولیر بعد از ختم تحصیلات در ولایت دور افتاده چاکو وظیفه معلمی و فعالیت های انقلابی خود را آغاز نمود.

به رهبری کارمن جنبش دموکراتیک زنان یعنی جنبش طرفداران صلح فعالیت می کرد. باید یاد آور شد که بنیان گذاران جنبش پدر کارمن بوده خاطر شرکت ورهبری قیام ضد دگناتوری مود ینیگو کارمن شولیر در سال ۱۹۴۷- از پاراگوای تبعید گردید این آغاز شکنجه ها بود که بعدا بندی خانه تبعید گرسنگی شکنجه و تنها یی او را استقبال نمود کارمن شولیر در عقب میله های زندان اشعاری را در ذهن خود سروده و حفظ می نمود اشعار او نیز حق آزادی را نداشت در حالیکه او به آزادی سخت ایمان داشت اشعار وی خیلی پرارزش می باشد.

باخون انسان مزرعه گنم را آبیاری می کردند ولی خود دیم و ایمان دارم قسم یاد می کنم که ایمان دارم که در آن مزرعه تخم های بود که از آن شهر های زنجیر شکن می روئید ند.

کارمن خوشبخت است زیرا شوهر یگانه فرزانش رفقای هم رژیم او می باشند در حال حاضر کارمن شولیر باز هم در فراق دوری از عین می سوزد ولی باز هم او یک لحظه مبارزه خود را متوقف ننموده است.

وی در جواب به سوال دیگری در همین زمینه از کمک های فرهنگی این کشور از پروژه های تفحصاتی و استخراجی نفت و گاز از فارم های زراعتی و صد ها کیلو متر راه اسفالتی یاد آوری می کند که همه و همه به کمک کشور دوست و برادر ما اتحاد شوروی عملی شده و طبیعی است که هر یک در انکشاف امور اقتصادی کشور ما و تحکیم زیر بنای اقتصادی نقش عظیم و سترگ دارد.

کریمه دانشیار در جایی دیگر از سخن خود و به پاسخ یک پرسش دیگر می گوید:

موجودیت قطعات محدود نظامی شوروی در کشور ما که صرفا به منظور جلو گیری از توطئه های ارتجاع داخلی و امپریا لیزم جهانی و به خواست حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان صورت گرفته است نمونه بارز چشمگیری از همکاری دوستانه و حسن همجواری میان کشور ها به حساب می آید.

وی معتقد است موجودیت این قطعات محدود در کشور انقلابی ما افغانستان عزیز موجب شده است که امپریا لیزم جهانخواه و در راس امپریا لیزم امریکا نتواند توطئه های ضد صلح و ضد آزادی را در این منطقه جهان به عمل پیاده کند و همین موجب خشم دستگاه های دروغ پرداز این کشور ها شده که همه روزه به اشکال گوناگون می کوشند واقعیت های کشور ما را دگرگون جلوه دهند.

دکوه نورالهاس

سره ددی الماس به قربانیانو یو بل هم ورزیات شو.

دشیر سنگ دم پیتی خخه وروسته دکوه نور الماس دلیپ سنگ ته پاتی شو اود لپ سنگ هم چی ددی الماس وروستی هندی خاوندو دا نگریزانو ته ماتی وخوره او دقیمتی مرغلو او جواهراتو ستیری خزان دکوه نور الماس سره یو خای د ختیخ هندی دا نگلیسی کمپنی لاس ته ورغلی.

دکوه نور الماس د (۱۸۵۰) عیسوی کال دجون به دریمه نیمه دبرتانی هندی دوایسر اله خوا ددوو افسرانو یوسیه دانگلستان دامیر- توری ملکی و یکتور یا ته به لندن کی وپاندی شو او به کال (۱۹۳۷) عیسوی کی رسما دملکی الیزابت د

خاو ندانو دوژل کیدو خخه نه میده دگر گ سنگ بل ورو شیر نسنگ ته ورسیده مگر اوسن قول خلک بو هیدل چی دا الماس به خپل روینانه ظاهر کی یو بد کاره او خبیث باطن لری اوداسی یو عجیب روح پکی دی چی آرام نلری! آیا د دکارنا دله غونی هندی د ستر قهرمان روح نهوی!

شیر سنگ به ددی بو هیده اوداخر مگر روینانه الماسی یی پت ساته او دیره لره استفاده به یی قری کوله. شیر سنگ به دا الماس کنه کله به جشنونو او یاد خوینیمو به مرا- سمو او عمومی غونده کی دپره اود همد غوجشنونو خخه به یوه کسی کله چی ده دا الماس به خپلی بگری کی تپلی و، ووژل شو او به دی دول

مثل همه کار کنی

مرحوم او ناسیس، چند سال پیش ازدواج آفازاده اش را که تازه به سن کار وزندگی رسیده بود صدا کرد و گفت:

«پسر من، تو دیگر به سنی رسیدی که باید خودت کار کنی و گلبم خودت را از آب بکشی و راه و رسم کار وزندگی را یادگیری، خیال دارم تو را در شرکت حمل و نقل دریایی خودم استخدام کنم اما خیال نکنی که چون پسر او ناسیس هستی شغل مهمی برایت میدهم... نغیر... باید مثل همه مردم از کارهای معمول شروع کنی... به همین جهت شغل معاون و مقام مدیر عامل و رئیس هیات مدیره شرکت را برایت در نظر گرفتیم.»

زنی جوانی که چند ماه از ازدواجش گذشته بود دوباره شوهرش کرد و گفت:

«تو هم از این بیاد داری روزی که از من تقاضای ازدواج کردی و من از شدت خوشحالی مدت یکساعت قادر به حرف زدن باتو نبودم.»

مرد آهی کشید و گفت:

«بلی عزیزم آن یک ساعت خوش ترین ایام زندگي من بود.»

ارسالی: یوسف امیری



و فتنه خاک روپ بخواد روز گذرانی کند.

در کشتی

در کشتی مسافری، یکی از مسافری پس از خوردن غذا حاش خراب و دچار حالت دل بدی شدید شد به کنار کشتی رفت...

در این موقع پیشخدمت رستوران با سینی کباب آمد و گفت: ببخشین قربان: کباب نان را در همین جامیل میکین یا بیرم در اطاق نان؟؟

مسافر که از دست خوردن به آن حال افتاده بود بزحمت جواب داد: بعقیده من بهتر است از همین حالا بریزین درین دریا... چون کارمن آسانتر میشود!!

تمرین ویلون

مردی پس از مدت‌ها دوستش را که کورس موسیقی میرفت دید و پس از صحبت از او پرسید:

«راسی تمرین ویلونت بکجا رسیده... همچنان ادامه دارد؟»

او جواب داد:

«بلی... خیلی هم پیشرفت کرده ام... چه خوب... عقیده دیگران چیست؟»

«من از روی عقیده دیگران این حرف را میزنم... چون خانواده ای که در همسایگی ما بودند وقتی من شروع تمرین ویلون کردم یک هفته بعد تغییر منزل دادند...»

«استاجرین بعدی هم یک هفته نماندند... اما همسایه سوم یک ماه مانده همسایه جارم اکنون شش ماه است که در اینجا سکونت دارند!...»



بدون شرح

زولنون



پدر و مادر

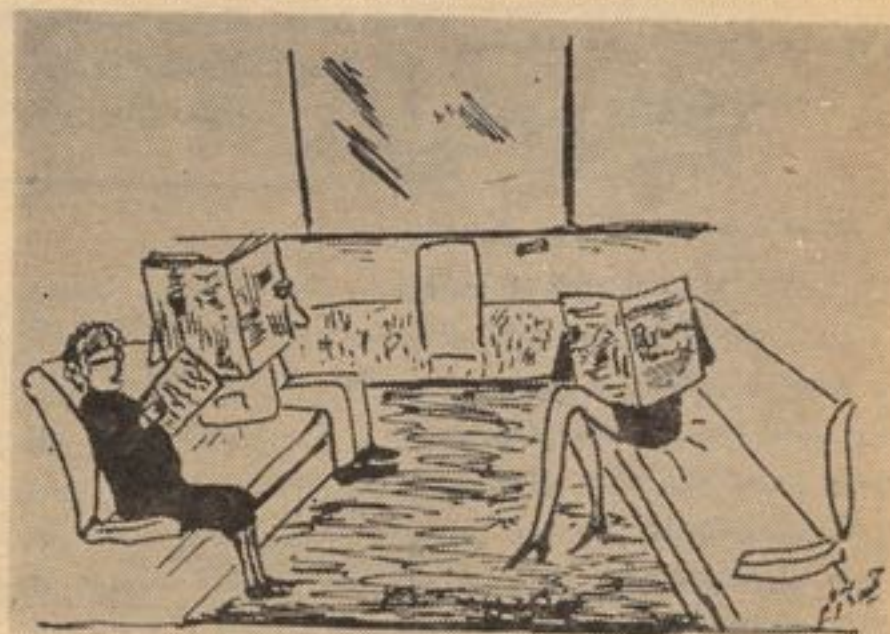
دو دختر فرانسوی دریکی از کافی های ساده رو یاریس نشسته و باهم می‌زدند... یکی از آنها گفت:

«خواهر جان... راستی میدانی تا حال صدوقه از من می‌خواستن ازدواج کنم.»

دختر دومی با خوشحالی گفت:

«اوه... چه بدشانسی... خوب چه کسانی از تو خواستن ازدواج کنی»

«خوب معلومدار است... پدر جانم و مادر جانم دیگر!!»



بدون شرح

مردی در سینما

مردی برای یکی از همکارانش تعریف میکرد:

«بلی... نمیدانی... دیشب رفتم سینما»

«... بسیار هم خوش گذشت:

همکارش پرسید:

«حتما فلم بسیار خوب بود!»

«بلی... بد نبود!»

«حتما جای من خالی بود؟»

«نی بابا!»

«چطور مگر؟»

«برای اینکه همه جوگی های سینما پر بود»

«و اصلا جای خالی نداشت.»

صفحه ۶۶



برادر جان تو باخانم چه گفته بودی که

به این حال شدی!

کارت ویزت

شکارچی برای شکار مرغ غایب رفت و هرچه مرغی داشت مصرف کرد و نتوانست یک مرغ غایبی را هم بزند... چون کمی باروت همراه داشت، با

چند عدد کارت ویزیت خود، چند مرغی درست کرد و آنها را بمصرف رساند و دست خالی بمنزل برگشت. موقع شام زنش او را صدا کرد. بیا عزیزم غذا بخوریم! مرد پرسید:

— شب چی داریم؟

— خوراک مرغابی سرخ کرده!

— مرا مسخره میکنی؟

نه عزیزم... ایدا... چون یکی از مرغابیها که کارت ویزیت تو بدستش رسیده خودش بخانهما آمد و من او را گرفتم و سرخ کردم!!



در معاینه خانه داکتر اعصاب



شما از من نشر میت کمی سر خود را بالا کنید

یک سال به شکم مادرم بودم

خانمی برای دریافت کاری به یکی از اداره ها رفته بود... مامور مربوطه پرسید:

— خانم... شما چند سال دارید؟

خانم جواب داد:

— بیست و نه سال؟

— پس چرا اینجا درین تذکره

تو نوشته شده سی سال؟

خانم عشوہی کرد:

— آخر یک سال هم در بین شکم مادرم بودم.



بدون شرح



زن - عزیزم تلفون را باید قطع کنم... فکر میکنم که کدام حادثه رخ داده است

مرد خیال باف

دو مرد نیمه های شب در کافی بی نشسته و مشغول با ده گساری بودند... یکی از آنها رو بد دیگری کرد و گفت:

— واه یک ساعت بعد از نصف شب مانده برای چی بمنزل نمیری؟ هست دو می سری تکاندا و گفت:

— بروم چه کنم... هر شب که بخانه میرم، زنم او قاتش تلخ و بامن دعوا میکند...

— برای چه همرايت دعوا میکند! — برای اینکه من هر شب نا وقت بخانه میرم!!



بدون شرح



بدون شرح

جوانان و روابط خانوادگی

کرده های خود هر دو پشیمان هستیم دیگر چاره نیست زیرا مدتی است که از هم جدا شده ایم . خوب چه درد سر بدهم یکسال قبل که ما با هم از دواج کردیم ، فکر میکردیم می توانیم در زندگیمان خوشبخت باشیم ، و واقعا اگر حوصله می کردیم شاید می توانستیم به این خواست خوشبختی برسیم ، ولی عجلانه تصمیم گرفتیم و بالاخره از هم جدا گشتیم .

علت این جدایی و این ناسازگاری رابه شما جوانان ارجمند و عزیز که شاید روزی از دواج کنید و پیوند زندگیمان مشترک را ببندید ، متذکر می دهیم :

يك هفته پس از ازدواج من و همسرم به خانه خسرمد دعوت شدیم شروع ناسازگاری ما از همین دعوت آغاز گشت : ابتدا دعوت با خوشی باخته و تفریح آغاز شد ولی بعد ها آرام آرام مداخله ای

به زندگیمان گذشت ، به زندگیمان یکسال مشترکمان فکر میکردم ، به نقاط ضعیف که باعث شد در طول این یکسال زندگیمان مشترک زناشویی ما چندان خوشبخت نباشد ، فکر میکردم و هر قدر بیشتر متوجه چه خطاهای که در طول این یکسال از طرف من و همسرم سر زده بود میشدم بیشتر افسوس می خوردم که چرا سعادت و خوشبختی خانوادگی خود را با دست های خود آگاهانه خراب ساختیم .

قصه ازین قرار است : یکسال قبل با دختری یکی از اقوام خود از دواج کردم . با اینکه قرابت نزدیک داشتیم ولی متاسفانه از هم دیگر شناختی که لازم بود و برای يك زن و شوهر حتمی و لازمی شمرده می شود با هم دیگر نداشتیم . چرا؟ شاید این چرا علت های گوناگونی داشته و لی به عقیده من با اینکه ماهر دو از يك فامیل بودیم و لی تربیه ما و طرز



و آن باعث شد که بین من و همسرم گفتگوی لفظی صورت بگیرد ، این گفتگوی لفظی بالاخره با وساطت دیگران پایان یافت و ما به منزل خود برگشتیم آن شب نه من با همسرم حرفی زدیم و نه او با من ، به همین ترتیب صبح شد و روز دیگر این کدورت ادامه داشت تا اینکه من پیشقدم شدم و خواستم که این را از میان بردارم شروع کردم شوخی با همسرم و گاهی هم همراهی در امور منزل کمک می نمودم اما همسرم مانند گذشته با سردی با من رفتار می کرد . خوب بهر صورت باز هم حوصله کردم و کوشش نمودم که

دید ما تفاوت داشت ، او طوری تربیه یافته و من طوری دیگر ، با این تضاد ما با هم ازدواج کردیم و فکر می کردیم که شاید به مرور سالها این تضاد تربیت از بین برود و بتوانیم زندگیمان خوش و سعادت باری خانوادگی را بسازیم . ولی افسوس که این خواسته ما جامه عمل نپوشید و ما سخت اشتباه نموده بودیم . میگویم : ما ، برای اینکه هر دو یعنی هم من و هم همسرم هر دو مقصر هستیم .

اگر به راستی به زندگیمان با نگاه واقعیت می نگریم امروز این حالت را نداشتیم و چنین بدبختی و بی چاره نمیشدیم ، حالا که از



هیله

پیوسته گذشته

از تاریخ باید آموخت

حمله برق آسا بر میکفرسن و لشکرش حمله ور شد چنانچه جنرال انگلیسی نه به جلو رفته توانست و نه مجال عقب نشینی یافت ، همچنان قوای رزمندگان وردک تحت فرماندهی محمد جان خان بر قوای تحت فرماندهی جنرال میسی حمله ور شد . هکذا لشکر ((بیکر)) در چار آسیاب مورد حمله ناگهانی قوای لوگر قرار گرفت . لذا در نتیجه این رشادت های وطن پرستان دشمن در هر طرف تحت حمله قرار داشته و تلفات سنگینی را متحمل شد . در این هنگام جنرال را بر تسخیر قوای خود را در حال اضمحلال دید شخصا با قوای باقیمانده بمقابله سپاه محمد جانخان شتافت . باز هم درینجا رشادت يك مبارز دیگر از اهالی چهاردهی قابل ذکر است . او شخصا بالای رابر تس حمله ور شد ولی يك نفر از سپاه انگلیسی او را نجات داد . در نزدیکی قلعه قاضی نبرد شدیدی بین قوای افغانی و انگلیسی در گرفت . این جنگ چندان شدید و چنان طولانی بود که به جنگ تن به تن منتهی شد . رابر تس به همه قوای انگلیسی در هر جا که بودند امر صادر کرد که عقب نشینی نمایند . اینست کارنامه شیر مردان دلیر افغان که علاوه از مباحثات قابل آموزش و تجربه است و جوانان ما باید اعمال نیاکان خود را همیشه سرمشق قرار دهند .

ولی در مقابل این همه و وطن پرستان و رزمجویان قهرمان بودند عده ای قلیل و ناچیز نابکاران که به دشمن جاسوسی می کردند و اخبار رزمندگان راه آزادی را به انگلیس ها می دادند . ازین حمله یکی هم ولی محمد خان بود که مردم او را ولی محمد لاتی می نامیدند چنانچه در جریان قیام عمومی مردم ما که در ماه دسامبر ۱۸۷۹ بر علیه تسلط استعمار انگلیس صورت گرفت ، همینکه گروه های جنگجوی افغان تحت رهبری برادر پر ویز شاه خان یغمانی آماده حرکت به جانب کاریز میر شدند و هم چنان دیگر اخبار مربوط به این قیام را ولی محمد لاتی به جنرال انگلیس ها (رابرتس) داد و دشمن با استفاده ازین معلومات جاسوس خوش آمادگی گرفت ، لذا ((میکفرسن)) با قشون خود کاریز میر را قبلا موضع خود قرار داد ولی از جانب شمالی دسته های رزمندگان تحت قیادت میر بچه خان روز و شب به وادهم دسمیر یا دشمن رزمیده و خود را به کاریز میر رسانید ، دسته جات مبارز وردک تحت فرماندهی جنرال محمد جان خان وردک کسی خود را به قلعه قاضی رسانیدند . دشمن که تحت فرمان رابر تس قرار داشت از دو جناح ((میکفرسن)) از طرف راست و جنرال ((میلیسی)) از طرف چپ بر قوای افغانی حمله ور شد ولی قبل از آنکه دستور فرماندهی انگلیس ، عملی شود میر بچه خان با قوای خود بایک

ادامه دارد

نگرشی به سینمای...

زوایای گوناگون ترسیم شده است. آثار ادبیات کلاسیک روس سوزه بسیاری از فیلم های تاریخی ادوار پیشین قرار گرفتند. فیلم سرگسی باندار چوک بر پایه رمان تولستوی بنام جنگ و صلح (۱۹۶۷-۱۹۶۴) دوسر اسر جهان مورد ستایش قرار گرفته است باندار چوک کوشیده که نه تنها داستان و پوسته بیرونی این رمان پر مفهوم و شخصیت های جذاب آن را به روی پرده بیاورد بلکه عمق اندیشه تاریخی تولستوی و درک فلسفی او را نیز نمایش دهد سایر آثار تولستوی مانند دستاویز فراق ها و آنکارینا، نیز به فیلم برگردانده شد بسیاری از آثار پوشکین لرماتوف، تور گنیف کومول، داستایفسکی چخوف و گورکی به فیلم در آمده است.

اندری روبلف فیلم تاریخی اندری تارکوفسکی که نام اندری روبلف (۱۹۶۷ و ۱۹۶۴) از روی یک فیلم نامه اصیل ساخته شد بی تردید یک اثر تاریخی درخشان است این فیلم شامل هفت داستان است همگی از یک اندیشه الهام پذیرفته و از یک احساس مایه گرفته اندر یسمانی که این داستان ها را به هم می پیوند و جنبه های گوناگون زندگی اجتماعی و روحانی روسیه قرن پانزدهم را نشان میدهد سیمای افسانه ای روبلف است نقاشی مومن راهبی خاموش و سلیم النفس و ناظر خستگی ناپذیر زندگی که تغیل خلق او واقعیت را دگرگون ساخت و پیوند های او را با زمان و خلقت قوام بخشید.

سراسر فیلم انباشته از صحنه های هولناک و خشونت بار روسیه قرون وسطایی است باز نمایش نیرومند رویداد های خون بار فیلم، گاه تا حد تحمل ناپذیری تکان دهنده و خشن است در صحنه پایانی فیلم تفسیر دقیقی از شمایل ها و تابلو های اندری روبلف (این کمیوتوی روسی) به عمل می آید.

فیلم اندری روبلف با نظر های گوناگون مواجه شد بحث درباره کارگردانان به موقعیت های تاریخی و شخصیت های فردی همچنان ادامه دارد اما در بخش و رسالت هنرمندانه فیلم تردید ناپذیر است جان مایه فیلم طنین والایی دارد. جاوداتی هنرمندی که سرنوشت خود را به خلقی توانا و ایثار مگر مژه زد.

سینمای جنگی :-

فیلم های تاریخی شوروی در عین حال که زمان های دوری مانند قرن پانزدهم را ترسیم می کند به نحو فزاینده ای به تشریح رونده های تاریخی گذشته و نزدیک می پردازند و از همه بیشتر به دوران جنگ بزرگ میبنی.

به راستی که این موضوع پایان ناپذیر است سینمای شوروی تعداد زیادی فیلم در باره جنگ جهانی دوم تقدیم کرده است که از میان آنها به

این فیلم ها اشاره می کنیم. گارد جوان (۱۹۳۸) از گراسیموف، سوین ضربه از ساو چنگو داستان یک انسان واقعی از ستولیر، لکناک ها به پرواز درمی آیند (۱۹۵۷) از کالاتوزوف، حماسه یک سرباز (۱۹۵۹) از جوخرای - سر - نوشت یک انسان (۱۹۵۹) از باندار چوک و کودکی ایوان (۱۹۶۲) از تارکوفسکی.

توصیف این فیلم های بسیار متفاوت از عهده

بقیه صفحه ۲۱

نخستین ریشه های...

اسرار پیش چشم او ما نند طومار کاغذ باز میشود. هیولای گناه لحظه به لحظه بیشتر دهان باز میکند و انسان را که مسئولیت کامل اعمال خود را پذیرفته است با خود به دیا ر نیستی می برد.

۳- در تیا تر سو فو کل رها یی نیست، رها یی از سوی خدا یان نیست و انسان خود در باره بودن یا نبودن خود تصمیم میگیرد.

همچنان سو فو کل از لحاظ تیا تر شناسی در تکنیک تراژیدی تغییراتی داد:

۱- شخصی سو م را وارد بازی کرد.

۲- گروه همسر ایان را از ۱۲ نفر به ۱۵ نفر رساند، ولی بر عکس آشیل همسر ایان را در آثار خود بیشتر به تفسیر و توجیه نمایش و داشت تا در خالست در بطن نمایش.

۳- سو فو کل شیوه کشف ساقیه یک اتفاق و تولید هیجان ناشی از کنجکاوی را به تیا تر آورد.

۴- آشیل برای قیام انسان احترام قایل است، ولی قیام و آزادی هر دو را از سوی خدایان میداند. سو فو کل قیام انسان را محترم می شمرد اما آزادی و

این مقاله بیرون است اما تمام این فیلم ها به تعهد هایی چند وفادارند القای روحیه دوستی بشری، نفرت از جنگ به مثابه بلای عمومی، عشق به صلح ندای پیش گیری از تکرار وحشت های جنگ، و در کنار آن میهن دوستی و احترام عمیق نسبت به کسانی که زندگی خود را برای آزادی کشور شان و اعتلای آرمان های ولای کمونیسم فدا کردند. فیلم برادران شوروی بیش از سه میلیون و نیم متر فیلم از جریان جنگ فیلم برداری کردند که تمام رویدادهای مهم جبهه و پشت جبهه دشمن را در بر می گیرد. این فیلم برداران با فعالیت جانبازانه ی خود اسناد تاریخی بسیار ارزشمند و مهمی تهیه کرده اند.

در طول تاریخ پنجاه ساله سینمای شوروی فیلم های تاریخی نقش عمده ای ایفا کرده اند سینمای شوروی بر پایه مضامین تاریخی آثار فناناپذیر عظیمی آفریده. سنت هنرمندانه باروری یافته و روش هنر مندانه ای برای بهره آوردن رویدادها و شخصیت های واقعی به شیوه ای حقیقی و جذاب ابداع نموده است. احساس ملی - میهن دوستی و آگاهی از پیوند های انسان با کشورش بخش مهمی از آموزش اخلاقی انسان نوین را می سازد. سینما راه های احیای گذشته در تصاویر روشن و زنده را یافته است تاریخ بروی پرده جان می گیرد. گذشته به حال می پیوند دو جاودانه میشود.

زیرا این تراژیدی داستان زن جا دو گر و جنانیتکاری است.

معینا در تراژیدی اور پیید مسایل عادی خانوادگی و روحی یداد های روزانه و تفکر انسانی آنقدر ساده و عادی مطرح شده که با عت حیرت ما میشود. (۲)

اور پیید در تیا تر قدرت بسی پاییان خدایان و واقعیت اسطوره را باور ندارد. و به عنوان مد ل فکری محکوم میکند. او توجه دارد که هر چیز به صورت جمع اضداد مطرح میشود. ارزش های اخلاقی را نسبی میپندارد، زبان مردم را زبان تراژیدی ها یش قرار می دهد، و به روابط یک علت نه بلکه چندین علت جستجو گر است.

همچنان او لین کسی است که میخواهد روان انسان را بکاود و مبارزه انسان را برای نجات او پیشکش می کند. (۳) اینک که معلوم است مختصری در باره تراژیدی یونان ارائه داشتیم یک دید گذرا بر کمیدی یونان که همپای تراژیدی تو سط ار یستو فان پیش میرفت می اندازیم.

- ۲- پیرامه لوشار، ص ۱۱۶.
- ۳- ایرج زهری، تماشا، ص ۷۸-۷۹.

استیشن برقی اتمی از منطقه زندگی مردم همیشه سه (۳) کیلومتر ساحه صحتی و قایوی باید فاصله داشته باشد.

دستگاه مخصوص (مقدار سنج) بدون وقفه تشعشعات محیطی را در محل استیشن های برقی اتمی نه ساحه با شعاع پنجاه کیلو متر را در برمی گیرد کنترل می کند. ضایعات اادیو اکتوی در کا پسل های کانکریتی مخصوص و در مدفن های زیر زمینی حفظ میشوند. محل این مدفن ها هیچگاه مورد استفاده زراعتی و یا ساختمان های رهائشی قرار نمی گیرد.

مرحله دوم: - استعمال ریاکتور های نوع جدید در صنعت:

هدف از گذار از ریاکتور های نایترونی بطلی حرارتی به ریاکتور های نایترونی سریع است. فرق آنها در این است که مرحله دوم نه تنها یورانیوم ۲۳۵ بوده بلکه تمام مواد خام یورانیومی را که فعلا بمصرف می رسند میتوان محترق ساخت. یعنی از هر تن مواد خام یورانیومی ۹۹۳ کیلو گرام آن میتواند قابل استفاده باشد.

تحقیقات درین ساحه در سال های ۱۹۴۹ شروع شد. اولین دستگاه تجربی در اوایل سال های ۱۹۶۰ در شهر دیمتروف گراد تاسیس شد. در شهر شیفچینکه عین ریاکتور جهت استحصال انرژی برقی و تصفیه آب های بحراری حرارت تولید می کند.

شبه جزیره منقشلاک در قزاقستان جایگاه شهر شیفچینکه قرار دارد و ۱۲۵ هزار نفوس در آن زندگی می کند فاقد آب شیرین طبیعی بود مراکز اتمی برای این منطقه زندگی بخشیده و از نقطه نظر آب شیرین بی نیاز ساخته است. علاوه بر آن شرایط تفحص نفت را که در اعماق این شهر نهفته است مسا عد ساخته است. شهر منقشلاک یکی از شهر های تامین شده از نگاه آب شیرین در دنیا است.

مرحله دوم انکشاف انرژی حرارتی ریاکتور های سریع حرارتی به ریاکتور های حرارتی هسته (ترمودری) انجام می پذیرد که مواد احتراقی این نوع ریاکتور ها عبارت از (هسته دی-تیری) یکی از ایزوتوپ های هایدروجن است که آب معمولی آنرا داراست. این ریاکتور ها

بدون ضایعات انرژی زیادی تولید می کند. جهت تحقیقات علمی و تیور تیکی ده ها لابراتوار در اکثر از ممالک جهان تاسیس شده است. از آنجمله فز یکدانان اتحادشوری در تحقیقات علمی پیشی جستجو اند. آنها در دستگاه ((تو-که مک)) طریقه تحفظ پلازم های حرارت هسته (ترمودری) را حاصل کرده اند. مدت نگهداشت آنها که بتوکه عظیم نایترون ها را تامین می کند ده ها ثانیه است. درحالیکه ریکارد جهانی این مدت نگهداشت پلازم ها نیم ثانیه است لذا میتوان گفت که زمان حل پرابلم انرژیکی جهانیان فرار سیده است.

انرژی آفتاب: منبع عظیم انرژی آینده بشر:

فعلا در اتحاد شوروی ایستیشن برق آفتابی در سرحد شمالی، در تپه های یخ، در غرب و جنوب، در کالنین گراد و شرق دور خلاصه تقریبا در همه جا و در تمام ساحات اتحاد شوروی مسورد

هنوز شروع بکار نموده است. مشکل فعلی در آنست که تصفیه سنگ چقماق نیمه ها دی که از آن بطری های آفتابی ساخته میشود با تخنیک در دست داشته فعلی گران تمام میشود. اما متخصصین عقیده دارند که در ده پانزده سال آینده قیمت تصفیه این سنگ هاده ها چند پایین خواهد آمد.

انرژی بادی:

قرار محاسبه علمای اتحادشوروی مجموع قدرت باد هاییکه در محوطه اتحاد شوروی می وزد تقریبا یکصد و سه ملیارد کیلو وات برق میتواند تولید کند، که خود چون اوقیانوس انرژی است.

بطور مثال در مناطق قطبی اتحاد شوروی میتوان مراکز برقی بادی ایرا تاسیس کرد که قدرت عمومی آنها تمام کره زمین را از انرژی برقی بی نیاز میسازد. تحقیقات اخیر نشان میدهد که ساختمان استیشن های برقی به استفاده از باد های طبیعی نظر به

مشکلات انرژی

ساختمان استیشن های برقی دیگری اقتصاد دی تر تمام میشود. علاوه بر آن در مناطیکه سرعت وزش باد بطور اوسط سالانه زیاده از سه و نیم متر در ثانیه است، تاسیس مراکز انرژیکی بادی مفید تر است چنین ساحات در اتحادشوروی بعد کافی وجود دارد.

دو سال قبل در اتحاد شوروی اتحادیه علمی و تولیدی (سیکلون گردباد) تشکیل شده به تعقیب آن سریال موتور های بادی با قدرت صد کیلو وات در بخش های مختلف بکار انداخته شد. اولین موتور ها در تتویر اقامت گاهای زراعتی، آرد کردن حبوبات، میوه کردن علوفه جات، آبیاری زمین های زراعتی، باغچه ها، تامین آب فارم های مالدار و قصبات تصفیه آبهای معدنی و بحری و غیره بکار برده میشوند.

در ده سال آینده ساختمان یکصد و پنجاه هزار دستگاه های برقی بادی در نظر است. متخصصین اتحاد شوروی توربین های حرارتی را موازی به موتور های بادی نیز نصب کردند که در صورت گشتی

وزش باد از آن ها استفاده بعمل می آید. همچنان در اتحاد شوروی پروژه سیستم دورانی مختلط انرژی بادی درشبه جزیره کولسک به امتداد یکپزارو یکصد کیلو متر و شامل دو صد و سی و هشت گروپ های مختلف انرژی بادی که هر کدام با قدرت یکمیلیون کیلو وات برق است در ۱۹۸۰ رویدست گرفته شد.

حرارت تحت زمین:

در اتحاد شوروی ذخیره عظیم حرارتی در تحت زمین قرار دارد که اکثرا بنام آب های حرارت سنج یاد میشوند. علمای اتحاد شوروی حوض های آبهای داغ را کشف کردند مجموعا ساحه چند یمن ملیون کیلو متر مربع را احتوا نموده در بیست و چهار ساعت از بیست و دو الی بیست و چهار ملیون متر مکعب آب با حرارت چهل الی دو صد درجه سانتی گراد میدهند و عمق این چاه ها تا ۳۵ هزار متر می رسند.

توسط این انرژی حرارتی طبیعی یکتعداد از مناطقی که هستا نسی اتحاد شو روی تسخین می شو ند. تقریبا نصف تعمیرات شهر مخچکان (قفقاز) در طول سال آب گرم و تسخین زمستانی خود را از این آبها می گیرند.

پروژه حرارتی شهر گر جستان در شرف تکمیل است که در اینجا آب داغ بعد از تسخین منازل و تعمیرات صنعتی در مخاذن حرارتی جمع شده از آنجا به اعماق زمین جریان پیدا می کند و بعد از گرفتن حرارت از اعماق زمین دو باره به سطح زمین جریان نموده قابس استفاده میشود.

در گرجستان تا سال ۱۹۶۰، ۶۰ هکتار زمین مخزن آب حرارتی ساخته شده که قرار است تا سال ۱۹۸۵ دو مرتبه ازدیاد یابد. خصوصا در کمچانکه که از خود نفت و گاز و ذغال سنگ ندارد اما طبیعت حوضه های آب های حرارتی را برای این سر زمین ارزانی نموده است تحقیقات علمی نشان میدهد که در اینجا در عمق یک کیلو متر مخلوط های بخارآبی دارای حرارت از دو صد الی دو صد و پنجاه درجه سانتی گراد است. ذخایر انرژی حرارتی این منطقه میتواند که استیشن های برقی بر قدرتی را به استفاده از آب های داغ زیر زمینی ایجاد کنند.

تدویر نخستین کنگره...

اعضای اتحادیه محفوظ می ماند. در ماده دیگری گفته شده است که: افرادی که خدمت زیر بیرق را انجام می دهند از تمام امتیازات و حقوق مساوی برخوردارند. محترمه نفیسه (عاشوری) عضو شورای ولایتی اتحادیه های صنفی زحمتکشان ولایت بلخ و عضو اتحادیه صنفی فابریکه نساجی ولایت بلخ که افتخار اشتراک در کنگره اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان را حاصل نموده است در باره اینکه اتحادیه های صنفی زحمتکشان ولایت بلخ تاکنون چه خدماتی را به زحمتکشان آنجا انجام داده اند گفت:

اتحادیه های صنفی زحمتکشان ولایت بلخ تاکنون خدمات زیادی را برای کارگران و زحمتکشان این ولایت تاکنون پنج مغازه روغن و صابون که تولید دست خودشان می باشد باز گردیده است و کارگران و زحمتکشان دوران ساز ما می توانند از آن استفاده بعمل آورند. همچنین اتحادیه های صنفی زحمتکشان ولایت بلخ چندین کورس سواد آموزی تیو ریک، هنری و ورزشی افتتاح نموده است که کارگران و زحمتکشان ما با علاقه سرشار در آنها اشتراک می ورزند.

بهین قسم اتحادیه های صنفی زحمتکشان ولایت بلخ از طریق توزیع اموال امدادی کشور دوست و همسایه شمالی ما اتحاد شوروی بکارگران و زحمتکشان افغانستان خدمات قابل قدری را انجام داده اند.

موصوف تعداد زنانی را که در نخستین کنگره اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان اشتراک ورزیده اند چنین بیان داشت:

در این کنگره به تعداد یکصد نفر از زنان آزاده کشورما اشتراک ورزیده اند که از جمله (۷۹) نفر آنها نمایندگان اتحادیه های صنفی زحمتکشان مرکز و بیست و یک نفر دیگر آنها نمایندگان اتحادیه های صنفی زحمتکشان ولایات کشور بودند.

محمد ظاهر معاشر رئیس اتحادیه های صنفی زحمتکشان

ولایت سمنگان بجواب این سوال که اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان در امر آبادی و شکوفایی افغانستان آزاد و سر بلند چه نقشی را حایز اند چنین اظهار داشت:

اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان که مرکب از همه اقشار و طبقات زحمتکش و عذاب دیده کشور ما می باشند در راه آبادی، پیشرفت و بهبود بخشیدن حیات زحمتکشان افغانستان مقام خاصی را حایز اند. زحمتکشان انقلابی افغانستان اکنون از برکت پیروزی انقلاب نجات بخش ثور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن فرصت را مساعد یافته اند تا بطور آزادانه و داوطلبانه در صنوف مربوطه خویش گرد هم جمع شوند و در



محترمه نفیسه عاشوری نماینده ولایت بلخ

تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان نیروی پر توان خویش را در جهت عمران و اعتلای جامعه و پیشرفت محبوب شان بخرچ دهند.

از آن جایکه در کلیه اجتماعات بشری اقشار و طبقات زحمتکش و استثمار شونده نقش خلاق تا ریخ ساز و دوران ساز را حایز اند در افغانستان انقلابی نیز همین اقشار و طبقات عذاب دیده و پیشه وران، کارگران، دهقانان، ماموران، پیشه وران، مزدوران و سایر زحمتکشان اند که تاریخ می سازند و جامعه نوین و عادلانه را ایجاد می نمایند بنا بر آن نقش اتحادیه های صنفی در امر بسیج توده های زحمتکش کشور و تجبیر

آنان با آید یو لوزی دوران ساز طبقه کار و در راه تحقق آرمان های ولایت انقلاب شکوهمند ثور بسیار ارزنده و مهم است که نمیتوان در این فرصت اندک به توضیح کلی و همه جانبه آن مبادرت ورزید.

رئیس اتحادیه های صنفی زحمتکشان ولایت سمنگان به پاسخ این سوال که آیا در حال حاضر چند اتحادیه صنفی در ولایت شما وجود دارد و اعضای آنها بچند تن بالغ میگردد گفت:

در ولایت سمنگان فعلا به تعداد ۲۱ اتحادیه صنفی وجود دارد که تعداد اعضای این اتحادیه ها به دو هزار نفر بالغ میگردد.

از عزیز اله کارگر رئیس شورای ولایتی اتحادیه های صنفی ولایت هرات خواستم تا نظر خود را در باره ارزش اولین کنگره اتحادیه صنفی زحمتکشان افغانستان ابراز بدارد چنین بیان داشت:

کنگره اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان برای ما از این جهت با ارزش و با اهمیت است که اولاً نمایندگان همه اقشار و طبقات زحمتکش افغانستان آزاد و انقلابی از شهر ها و دهات کشور در این کنگره با همکوه دور هم جمع شده به اتفاق آراء اساسنامه سمبول و درفش پر افتخار اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان را تایید و تصویب نمودند. ثانیاً اینکه دور هم آبی پنجمه تراز نمایندگان زحمتکشان کشور مادر این کنگره مشقت گره خورده پس دیگری است که بر دهن تبلیغات پیمان کشور های ارتجاعی و امپریالیستی جهان حواله میگردد و این دور هم آبی با عظمت نمایندگان زحمتکشان افغانستان وحدت عمل و نظر مردم عذاب دیده ما را در انظار جهانیان بر ملا می سازد. ثالثاً اینکه اشتراک نمایندگان اتحادیه های صنفی یکایی جهان در این رویداد با عظمت در تاریخ اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان جبهه نیان را بدین امر متیقین می سازد که مردمان افغانستان آزاد، سر بلند و انقلابی در مبارزات بر حق و عادلانه خویش علیه ارتجاع استبداد و امپریالیسم و در راه ایجاد جامعه نوین و متمدنی خود تنها نبوده از حمایت و پشتیبانی بیدریغ همه مردمان پیشتاز و انقلابی جهان

برخوردار می باشند. رئیس شورای ولایتی اتحادیه های صنفی زحمتکشان ولایت هرات به پاسخ این سوال که شورای ولایت اتحادیه های صنفی زحمتکشان ولایت هرات چه وقت تا سیس گردیده و فعلا در چند موسسه شوروی نماینده گان ایجاد نموده است چنین ابراز داشت:

به اثر تلاش های خستگی ناپذیر شورای مرکزی اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان شوروی ولایتی ولایت هرات بتاريخ ۱۸ اکتوبر ۱۳۵۹ تاسیس گردیده که از آن تاریخ به بعد به کار خلاق و پر اثر خویش ادامه میدهد.

ولی گفت: فعلا در ولایت هرات در ۱۵ موسسه مختلف شوروی نمایندگان گان ایجاد گردیده است که اعضای عمومی آن هابه پنج هزار نفر بالغ میگردد.

محترمه مهتاب «پیکار» معاون اتحادیه صنفی مکتب نسوان نمبر دوم ولایت ننگرهار نقش کنگره اتحادیه های صنفی را در شرایط کنونی کشور نهایت با ارزش خوانده گفت!

کنگره اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان از این جهت در کشور اهمیت است که بخاطر تدویر این کنگره با عظمت نمایندگان زحمتکشان آزاد افغانستان از هر گوشه و کنار کشور در شهر زیبای کابل دور هم جمع شده اند و وحدت و همبستگی انقلابی خود را در امر بزرگ دفاع از میهن مردم و انقلاب آزادی بخش خویش به جهانیان به اثبات می رسانند.

او گفت: دولت های مستبد و وابسته به دودمان تاریخ زده یحی که رمز موفقیت خود را در امر ایجاد از هم گسیختگی و پاشیدگی میان توده های مردم زحمتکش کشور سراغ می نمودند به ذرایع و وسایل گوناگون مانع وحدت و تشکل انقلابی توده های ملیونی مردم ما میگرددند ولی بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن به اثر مساعی و تلاش های خستگی ناپذیر حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان وحدت و تشکل انقلابی توده های وسیع مردم ما از همه اقشار و اصناف زحمتکش کشور روز بروز بیشتر و محکمتر میگردد.

هشتم مارچ روز همبستگی...

معرفی کتاب...

تحول و رشد فکری، انکشاف اندیشه های ادبی و هنری او، در هر یک از این مباحث، یک اثر مکتوب می توان تالیف کرد، زیرا جامی هروی شاعر و نویسنده و متفکر بزرگی است که تمام ایجابات خود را به وصف انسان کامل و به منفعت مردم، وقف کرده، در اثر های جاودانی اش، عشق پاک، انسان دوستی، وطن پرستی، علم و فن معارف پروری را ترغیب و تشویق کرده، از این لحاظ، آثار او در طول عصرها، در بسیاری از کشورها در دل مردم جای یافته و بدین جهت، جامی هراتی شاعر نامور ملی و بین المللی میباشد و آثار او را هم در شرق و هم در غرب به زبانهای گوناگون میخوانند. خلاصه این که رساله ((روزگار و آثار عبد الرحمن جامی)) تالیف اعلا خان افصح زاد برای ادیبان، محققان، محصلان و علاقه مندان دانش و پژوهش سودمند و سزاوار استفاده میباشد.

بقیه صفحه ۳۸

ضرورت نشر...

- دستور زبان ترکمنی (بطور مجمل با شرح پشتو و دری)
- آمادگی تالیف و چاپ قاموس های بزرگ تر
- آمادگی تالیف و چاپ دستور های مفصل تر
- این مواد را باید بصورت یک برنامه بترتیب داد.

- ۱- برنامه پنج ساله تا پنجصد مین سال (نیمه هزاره) بحساب قمری از وفات نوائی علیه الرحمه
- ۲- برنامه دهساله تا پنجصد و پنجا سال بحساب شمسی از تولد آن بزرگوار.

مدیر مسوول: راحله راسخ خرمی
معاون: محمد زمان نیکرای
آمر چاپ: علی محمد عثمانزاده
آدرس: انصاری واپس جوار ریاست مطابع دولتی - کابل
تلفون مدیر مسوول: ۳۶۸۴۹
سوچبورد: ۵۵ - ۳۶۸۵۱
تلفون ارتباطی دفتر: ۲۱
تلفون توزیع و شکایات: ۳۶۸۵۹

دولتی مطبعه

صفحه ۹۳

گردید. در افغانستان، ایران، مصر، هند، پاکستان، اتحاد شوروی، پولند و چکوسلواکیا نشر آثار، ترجمه و تدقیق آنها، تحقیق و مطالعه در زمان زندگی محیط، شخصیت، مقام و شهرت جامی صورت گرفت و کارهای علمی زیادی انجام داده شد که نام و عنوان آنها در کرونو لوژی جشن پنج صد و پنجا مین سالگرد تولد جامی در مقاله مجموعه صمد ولسی به نام (عبد الرحمن جامی) (شهر دو شنبه: نشریات دانش ۱۹۷۳) به نشر رسیده است.

در بابهای اول و دوم رساله اساسا روزگار جامی، تعداد و شرح آثارش مورد بحث قرار گرفته است. از این دو باب، معلوم میگردد که برای تدقیق افکار جامی

بقیه صفحه ۴۹

تلیفون وسیله...

میکنیم که با چنین سر نو شستی گرفتار نشوید. ولی متأسفانه باید عرض کنم که این فقیر حقیر همین دیروز بود که خواستم بیکای از دوستان که کار ضرور به همراهی داشتیم صحبت تلیفونی نمائیم. ولی از چانس بد، تلیفون توسط خانمی جوان ریزرف شده بود. منظور از این تذکر این بود که ما نباید از این و سایل عامه که برای رفاه همگانی می باشد استفاده نامعقول نمائیم. چه از این بهتر که هر کس و وظیفه خود را بشناسیم و نزاکت های زندگی را مراعات نمائیم و دیگران را نیز متهم و بی نزاکتی نگوییم.

جوامع بورژوازی که سر و صدای های بخاطر آزادی زن بالا است مگر زن عملا محکوم قوانین ساخته طبقات حاکمه جامعه بوده و استثمار می شوند.

پس به جرات گفته می توانیم که سوا ل آزادی و برابری زن سوا لی است طبقا تی که با مبارزه کارگران و زحمتکشان برای آزادی اجتماعی و ملی ارتباط نا گسستنی دارد که با از بین برداشتن طبقات و تضاد های اجتماعی راه حل نهایی خود را می یابد.

انساند که اندک مو فقیست های بیشتر و بیشتری را در جهت سهمگیری شان در امور اجتماعی - اقتصادی و سیاسی نصیب میگردند و علا یق زنان که سالها قبل عمدتاً منحصر به امور منزل و تربیت کودک بودند ولی امروز بیش از یک سوم نیازمند بهای مادی بشریت توسط زنان تامین می گردد. و اما وضع زنان در کشور عزیز ما از چه منوال است؟ زنان زحمتکش ما قبل از انقلاب شکوهمند نور در تحت شرایط و مناسبات فرودت فیودالی زندگی فلا کتباری داشتند زنان ما به مقتضای فرهنگ خرافی فیودالی در چار دیوار خانه محصور مانده و از حقوق و آزادی های انسانی از قبیل حق تحصیل و کار در بیرون از خانه و سهمگیری در امور اجتماعی و سیاسی محروم بودند.

چه بسا که دختران زحمتکش ما خلاف کرامت انسانی مانند متاع خرید و فروش می شدند و بی رحمانه مورد ستم طبقاتی از یک طرف و ستم جنسی از طرف دیگر قرار می گرفتند....

برای اولین بار در تاریخ نهضت زنان کشور در دور نهضت اما نی برای زنان ما حق تحصیل و کار در بیرون از منزل آزادی در جهت رفع حجاب و کسب سواد و دانش در مکتب داده شد عده ای از دختران افغان غرض تحصیل بخارج فرستاده شدند و مکتب از شاد - السوان تاسیس گردید مگر متأسفانه که عمر این نهضت کوتاه بود و با سقوط دور اما نی به رکود مواجه گردید و زنان ما برای یک دور دیگر در تاریکی و جهل باقی ماندند.

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان که در چو کات حزب دموکراتیک خلق افغانستان در سال ۱۳۴۴ تاسیس گردید نقطه عطفی است.

در نهضت آزادی خواهی زنان کشور ما که به مثابه عامل ضروری در تکامل جنبش زنان کشور، مبارزات زنان دلیر و آزاده افغانستان وارد هر حله جدید

ژانه

پروخورنیکو



ژانه دریکی از صحنه های فلم رول خود را موفقانه انجام می دهد



ژانه عقیده دارد که آرتیست باید رول هارا خیلی دقیق بازی نماید

در اولین فلم ((حماسه يك سر باز)) به اوج شهرت رسید. این فلم در سال ۱۹۶۰ هفت جایزه بزرگ بین المللی و جایزه لنین را بخود اختصاص داد.

قهرمان های جوان این فلم مورد پسند تماشا چیان امریکا، فرانسه، ار جنتاین، یونان، دنمارك، پولند، کیوبا، لبنان واقع گردیده در فستیوال های پاریس، سان-فرانسسکو، مکسیکو، چکوسلواکیا در بین ستارگان پر آوازه عالم سینما این دختر ك نژده ساله باچوتی های دراز و چشم های قشنگ خود همه را متوجه خود ساخت. ژانه آنقدر طبیعی و زیبا بود که زرق و برق ستاره های دیگر بی اثر ماند.

اولین معلم و رهنمای وی رژیسور توانا و سا زنده فلم (حماسه يك سر باز) چو خارای بود.

ژانه از طفلی خیلی آرزو داشت اکتیسیس شود و شش سال تمام در تیاتر اطفال كلوپ پیشا هنگان لیننگراد خیلی جدی مصروف فرا گرفتن بود و بعد ازینكه مكتب را تمام کرد به تمام آموز شگاه های هنری

مسکو عریضه داد. و در مكتب هنری مسکو موفق شد. در صنف دوم بود که تصادفا عکس اش بدست رژیسور توان چو خارای افتاد. او در حالیکه محصله را شخصانمی شناخت اما آنقدر چهره اش به هیروین فلم وی آن قسم که خودش تصور کرده بود برابر بود که بدون کو چکترین تردید او را برای اجرای این نقش دعوت نمود.

بعدا به انستیتوت سینما شاگرد گراسموف شد. در جنگل وین



دختر وی کانیا محصل صنف دوم در انستیتوت سینما و شاگرد گراسموف است و در این او اخر اولین نقش خود را در فلم (جوانی بطر) موفقانه بازی نموده است زیرا مادر وی خیلی با ملاحظه و با دقت هر آنچه خودش آموخته و تجربه حاصل نموده در اختیار دخترش قرار داده است.



صحنه دیگری از فلمهایی که ژانه در آن هنر نمایی نموده است.

ژانه ترا فیموفنا عقیده دارد که آرتیست باید رول ها را خیلی متفاوت و با دقت بازی نماید باید اکتور جستجو گر باشد. يك نواخت برای اکتور کشنده است. آنها بطرف شرق رفتند. از فلم های دوران محصلی وی میباشد که ژانه واقعا آنها را خیلی عالی بازی نموده است ژانه بسیار رول های فرعی اما رول های دلچسپ را بازی نموده که همیشه مورد استقبال قرار گرفته است وی عقیده دارد که رول های کوچیک می آموزد که نباید سهل انگاری





سازمان ملی و فرهنگ
پشتیک شماره ۱۳۰ - افغانی

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library